

اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی



بهرام رحمانی

اقتصاد ایران در استانه فروپاشی

بهرام رحمانی

نام کتاب: اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی

نویسنده: بهرام رحمانی

نشر کتابخانه ی گرایش مارکسی (پی دی اف)

تاریخ انتشار: ژوئن ۲۰۲۳-تیر ۱۴۰۲

به یاد همه جان باختگان «انقلاب زن، زندگی، آزادی»!

مقدمه

۹

فصل اول

۱۴

- ابرتورم (Hyperinflation)

- اثرات ابر تورم چیست؟

- ابر تورم زیمباوه

- ابر تورم وحشتناک کنونی ونزوئلا

فصل دوم

۱۸

- لایحه بودجه سال 1402

- سابقه بحران‌های اقتصادی ایران

- آمارهای متفاوت از صادرات نفت ایران

- رسوب ارزی معادل سه میلیارد یورو در ۱۰ بانک ایران

- افزایش تورم و بی‌رمقی کسب و کار

- دولت رئیسی داده‌های واقعی تورم را پنهان می‌کند
- چاق‌تر و فربه‌تر شدن بودجه‌های امنیتی
- عطش پول
- پیش‌بینی «سال سخت» اقتصادی ایران در گزارش‌های محرمانه جمهوری اسلامی

۴۰

فصل سوم

- فساد سیستماتیک در جمهوری اسلامی ایران
- مرکز فساد اقتصادی، سیاسی، اداری در بیت رهبری جمهوری اسلامی ایران

۵۳

فصل چهارم

- شاخص فلاکت در ایران
- شاخص فلاکت هانکه چیست؟
- نگرانی از فرهنگ فقر
- میانگین تورم
- پیامدهای فقر

- چالش‌های خروج از فقر
- طی یک دهه اخیر 11 میلیون نفر دیگر به جمعیت فقیر ایران افزوده شده‌اند
- 50 درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند

۶۳

فصل پنجم

- اشتغال و بیکاری در ایران
- نابرابری جنسیتی در بازار کار
- نابرابری جغرافیایی
- شعبده‌بازی‌های مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران
- چه کسی بیکار است؟
- وضعیت بیکاری در ایران
- بیکاری در میان زنان
- شکاف میان دستمزد و هزینه‌ها
- کودک کار و کودک خیابانی

۸۱

فصل ششم

- گرانی و تورم سرسام‌آور
- حذف کالاهای ضروری از سبد ایرانی‌ها
- هزینه‌های رفاهی تورم

۸۹

فصل هفتم

- جامعه پزشکی ایران
- سوءتغذیه کودکان ایران

۹۳

فصل هشتم

- مسکن
- چالش تامین اجاره‌بهای خانه

۹۶

فصل نهم

- مذهب و تبلیغات اسلامی هم‌چنان پررنگ‌ترین بخش هزینه‌ای
- بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ستاد اجرایی امام و بنیادها و...

- جامعة المصطفى العالمية و امام صادقى ها
- مقبره خمينى: گران ترين و پرهزينه ترين مقبره دنيا

۱۰۴

فصل دهم

- جنبش‌های اعتراضی سال‌های اخیر
- جنبش دی 1396
- جنبش سال 1398 ایران
- اعتراضات 1401 و انقلاب «زن، زندگی، آزادی»
- شباهت و تفاوت‌های اعتراضات 1401 با سال‌های 96 و 98
- نگاهی آماری به وضعیت کارگران در یک سال اخیر 1401-1402
- اعتراض بازنشستگان

۱۴۷

مؤخره

مقدمه

درک از زندگی و طبقه اجتماعی، نیازمند شناخت از بهره‌کشی از نیروی کار و ارزش اضافه و کسب سود است. همه مزدبگیران، تحت استثمار هستند و سرمایه‌داران استثمارگر. حاکمیت‌های سرمایه‌داری نیز همحافظ همین استثمارگران هستند و هم در هر شرایطی، نخست منافع حاکمیت خود را مدنظر دارند.

انسان‌ها آزاد هستند که نیروی کار خود را بفروشند. آن‌چه انسان انجام می‌دهد نیروی تولید نامیده می‌شود که شامل انسان و تکنولوژی است. از جنبه اجتماعی، آن‌چه به علت ساختار طبقاتی، یعنی نیروی کار لازم و نیروی کار اضافی است را نیز روابط تولیدی و هم‌چنین مجموعه هر دو را شیوه تولید می‌نامیم. یعنی سیاست، اقتصاد و همه مسایل اقتصادی بازار و غیره به علت این شیوه تولید است. همین‌طور سیاست، فرهنگ و بقیه فرایندهای اقتصادی که در جامعه اتفاق می‌افتد؛ همه آن‌ها علت‌های هم‌دیگر هستند. در سیستم سرمایه‌داری، نیروی کار چیزی که متعلق به آنان است به فروش می‌گذارند و آن نیروی کار خودشان است. بنابراین، این نیروی کار، همه ظرفیت و توان خود از جان، عضلات و سلول‌های مغزش در کار استفاده می‌کند. در نتیجه، نیروی کار مزدبگیران یک کالا محسوب می‌شود و یک کالا است. ارزش نیروی کار، ارزش بیش‌تر در تولید را برای خریدار به ارمغان می‌آورد. این ارزش اضافی، تمام به جیب سرمایه‌داران سرازیر می‌شود.

در اقتصاد سرمایه‌داری، استثمار بیش‌تر باعث سوددهی بهتر می‌شود در نتیجه باعث توسعه اقتصادی بیش‌تری می‌شود.

اقتصاد یا **economy** به تمامی تولیدات و خدمات و هم‌چنین کلیه مبادلات تجاری گفته می‌شود که همانند یک زنجیر به هم وصل شده‌اند و بدون هم معنا پیدا نمی‌کنند. اما اقتصاد دو مفهوم ریزتر نیز دارد: اقتصاد خرد و اقتصاد کلان.

هنگامی که فعالیت‌های اقتصادی دچار سقوط شدید شوند، تولیدات کارخانه‌ها به فروش نرسد، در نهایت مجبور خواهند شد بخشی یا حتی تمام فعالیت‌های خود را متوقف کنند. از نظر زمانی اگر این رکود بیش از ۲ سال به طول انجامد آن را بحران اقتصادی می‌نامند. با ورشکست شدن شرکت‌ها و کارخانه‌ها و یا محدود شدن فعالیت آن‌ها طبیعی است، بخش بزرگی از قشر کارگران و کارمندان بیکار خواهند شد. با افزایش قیمت‌ها، تورم و گرانی دیگر حقوق‌های فعلی کارآمد نخواهد بود و کفاف مایحتاج افراد را نخواهد داشت.

کاهش تولید ناخالص داخلی: بحران اقتصادی، تورم، محدود شدن فعالیت کارخانه‌ها همگی موجب عدم تمایل به سرمایه‌گذاری می‌شود. با کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش ورود نقدینگی به اقتصاد تولید ناخالص داخلی نیز کاهش پیدا خواهد کرد. برای مثال، سال ۱۰۰۷، آمریکا برای تهیه مسکن به مردم وام‌های مسکن متعددی می‌داد. به همین دلیل با افزایش تقاضا برای خرید مسکن انتظار گرانی و تورم را باید داشت.

این بحران اثرات طولانی مدتی بر اقتصاد آمریکا گذاشت. بازار بورس روند نزولی در پیش گرفته بود و شرکت‌های غول آمریکایی از جمله چند بانک مهم، اعلام ورشکستگی کردند.

گذر از این بحران زمان برد. به‌طوری‌ه‌نوز بعضی شرکت‌ها و کارخانه‌ها نتوانستند بحران را پشت سر بگذارند. یکی از موفق‌ترین شرکت‌ها در این زمان شرکت مک دونالد بود. مک دونالد توانست به‌سرعت از بحران اقتصادی عبور کند.

در سال ۲۰۰۸، آمریکا به‌شدت درگیر بحران اقتصادی بود و از آن‌جا که مراودات تجاری میان اروپا و آمریکا زیاد است پای بحران به اروپا کشیده شد. از همان سال اروپا وارد بحران اقتصادی تاریخی خود شد. نرخ بیکاری در ریش‌تر کشورهای اروپایی رو به افزایش بود و شرکت‌های بسیاری ورشکست شدند. ایتالیا، فرانسه و اسپانیا هم‌چنان درگیر این بحران شدند. آلمان توانست به نسبت سایر کشورهای اروپایی سریع‌تر با این بحران مقابله کند و از آن عبور نماید.

در ایران هرچند سال یک جهش قیمتی رخ می‌دهد و ایران را دچار بحران اقتصادی می‌کند. در پی این جهش‌های قیمتی و تورم، رکود گریبان کشور را گرفته و باعث محدود شدن بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در کشور می‌شود.

اقتصاد در سال‌های اخیر از محورهای اصلی مشکلات و اعتراضات مردم به ویژه کارگران و بازنشستگان بوده است. گلایه رهبر جمهوری اسلامی از دولت‌ها، گلایه دولت‌ها از بخش خصوصی و مردم و در نهایت گلایه اقتصاددانان از حکمرانی و هشدار نسبت به تبعات گسترش روزافزون فقر و فلاکت اقتصادی.

خبرگزاری تسنیم وابسته به نهادهای امنیتی حکومت، برای تبیین دستور علی خامنه‌ای مبنی بر «مهار تورم و رونق تولید» به سراغ وحید شقاقی شهری اقتصاددان رفته بود که وی در پاسخ به سئوالات تسنیم هشدارهای خود را نیز داده است. این اقتصاددان گفته است: «اگر ریشه تورم خشکانده نشود با کوچک‌ترین سیگنالی تورم تشدید می‌شود. مهار تورم و انجام این جراحی نیز کار سختی است.»

شقاقی شهری با رد ادعاهای دولتی‌ها مبنی بر خنثی شدن تأثیرات اقدامات اقتصادی بواسطه تحریم تاکید کرده است: «تورم دورقمی که حدود ۴۵ سال ایران درگیر آن است، فشار سنگینی به مردم وارد کرده و بالاخص در ۵ سال گذشته به دلایل مختلف از جمله تحریم، شرایط بدتر شده است. البته در بحث تورم صرفاً مسئله تحریم‌ها نیست که اگر بود، تورم در طول ۵ دهه گذشته ماندگار نمی‌شد.»

وبسایت «رادار اقتصاد» نیز در یک نظرسنجی از ۵۰ اقتصاددان در مورد وضعیت نرخ ارز در سال جدید پرسیده که ۸۴ درصد از اقتصاددانان گفته‌اند که انتظار کاهش قیمت دلار را ندارند.

۴۲ درصد از اقتصاددانان نیز معتقدند که رشد شتابان دلار همچنان ادامه دارد و در سال ۱۴۰۲ دلار ارقام بالای ۷۰ هزار تومان را خواهد دید. گزینه انتخابی این دسته این است که «تداوم و تشدید تحریم‌ها، بدتر شدن شرایط بانک‌ها و تشدید کسری بودجه و چاپ پول جهش بزرگ دیگری را رقم زده و نرخ دلار ارقام بالاتر از ۷۰ هزار تومان را تجربه خواهد کرد.» روندی که خروجی آن شتاب تورم و گسترش بیش‌تر فقر خواهد بود.

رفتاری که این اقتصاددانان برشمرده‌اند در نهایت توزیع گسترده فقر را منجر شده است و «رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری»، روز ۱۳ فروردین ۱۴۰۲ در همین رابطه به «ایلنا» گفت: «طبقه کارگر و بازنشسته، امروز درگیر فقر مطلق هستند. ظرف یک سال و نیم گذشته فقر مطلق از ۲۷ درصد به ۳۷ درصد رسیده است و این نتیجه سیاست‌های دولت در افزایش حقوق است که سبب فقیرتر شدن کارگر شده است.»

اقتصاددانان و موسسات بین‌المللی نیز تصویر مبهمی از آینده اقتصاد ایران ارائه می‌دهند به‌طوری که نشریه «اکنومیست» نهم فروردین ماه با انتشار یک نمودار نوشت: «اقتصاد ایران در وضعیت اسفباری قرار دارد. در فوریه، ریال، واحد پول رسمی ایران، به پایین‌ترین سطح تاریخ خود ۵۸۰ هزار ریال در برابر یک دلار سقوط کرد. پول ملی ایران ۵۵ درصد ضعیف‌تر از یک سال قبل شد و ۹۴ درصد کاهش در طول یک دهه را تجربه کرد.

رویکرد اسلامی در اقتصاد و وضعیت نامناسب اقتصادی مردم، حتی گالیه‌های برخی از مراجع تقلید را نیز به‌دنبال داشته است.

حکمرانی اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به قدری مشکلات ریشه‌ای و بنیادین دارد که اقتصاددانان رفع تحریم‌ها را نیز دارای تاثیر به‌سزایی نمی‌دانند. کامران ندری اقتصاددان در همین رابطه گفته است: «لغو تحریم‌ها به‌معنای افزایش نرخ تورم البته با شدت کم‌تری نسبت به قبل است. چرا که ساختارهای غلط و بنیان‌های خانمان‌برانداز اقتصادی در اقتصاد ایران همچنان پابرجاست و برای آن چاره‌ای اندیشیده نشده است.» مرور شرایط اقتصادی کشور و معیشت مردم در کنار اظهارنظرهای تخصصی و فنی در حوزه اقتصاد نشان‌دهنده این مهم است که اقتصاد در حال وارد شدن به مرحله‌ای است که هر اقدامی با ضرب‌المثل «توشدارو پس از مرگ سهراب» پاسخ داده خواهد شد و به باور کارشناسان اقتصادی چون مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی ایران «اقتصاد کشور تا فروپاشی، ورشکستگی و ونزوئلایی شدن» فاصله چندانی ندارد.

دولت جمهوری اسلامی با کسر بودجه روبه‌روست. با این وجود، دولت هواره هزینه‌های نظامی و مراکز مذهبی را بالا برده و بقیه مخارج ثابت مانده‌اند می‌بینیم که درآمد کم‌تر از مخارج است و این بحراین است که دهه‌هاست با آن دست به گریبان هستیم و افزایش این کسری بودجه، اثرات و نتایج فاجعه‌باری در اقتصاد و زندگی شهروندان به بار آورده است.

برای جبران این کسر بودجه، هموار دلولت اوراق قرضه دولتی منتشر می‌کند تا کسر بودجه خود را جبران کند. می‌بینیم که دولت علاوه بر ریخت و پاش‌ها و سوءاستفاده‌ها، بیش‌تر از همه به فکر حرکت ماشین آدم‌کشی خود است.

با وجود این که در ایران، تقاضای نیروی کار بیش‌تر شده است اما به‌علت عرضه کار بیش‌تر نیروی کار، دستمزدها بسیار پایین‌تر است و در بسیاری مواقع حتی این دستمزد

ناچیز، به موقع پرداخت نمی‌گردد و به همین دلیل کارگران، اجباراً دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند اما دولت، اغلب نیروهای سرکوبگر خود را به جان کارگران می‌اندازد و فعالین کارگری را تهدید و اخراج و زندانی و شکنجه می‌کند.

در طول ۴۴ سال حاکمیت خونین جمهوری اسلامی، دستمزد حقیقی کارگران و متناسب با رشد تورم و گرانی، بالا نرفته است.

در این میان، زنان کارگر و کودکان کار، شدیداً مورد استثمار قرار می‌گیرند. فقر و گرسنگی از یک‌سو و گرانی و تورم فزاینده از سوی دیگر، زندگی را بر اکثریت شهروندان ایران، دشوار و فاجعه‌بار کرده است.

در چنین وضعیتی، سرمایه‌داران دولتی و خصوصی، موفقیت و کسب سودهای کلان خود را مدیون استثمار شدیدتر نیروی کار و همچنین حمایت همه‌جانبه حاکمیت از آنهاست. ولی با این وجود، هنوز طبقه کارگر ایران، از پراکندگی رنج می‌برد و عوامل متعددی از فقر اقتصادی و عدم‌آگاهی طبقاتی گرفته تا سرکوب‌های هولناک حاکمیت در این روند دخیل هستند.

کتابی که در پیش روی دارید از یک‌سو به تأثیرات بحران اقتصادی که ایران را فراگرفته است، می‌پردازد و از سوی دیگر، تأثیر منفی این بحران‌ها بر زیست و زندگی اکثریت مردم ایران را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. نهایتاً همه شواهد نشان می‌دهند که احتمال فروپاشی اقتصاد ایران دور از انتظار نیست.

بهرام رحمانی

خرداد ۱۴۰۲ - ژوئن ۲۰۲۳

فصل اول

ابر تورم (Hyperinflation)

ابر تورم (Hyperinflation) پدیده‌ای است که باعث فروپاشی اقتصاد یک کشور می‌شود. اما تعریف ابر تورم چیست و کدام شرایط عامل ایجاد آن است؟

ابر تورم یا Hyperinflation اصطلاحی است که برای توصیف افزایش قیمت‌های سریع، بیش از حد و غیر قابل کنترل در یک اقتصاد به کار می‌رود. با این که خود تورم معیار سرعت افزایش قیمت محصولات و خدمات است، اما ابر تورم نوعی تورم با سرعت رشد بالا و دارای مقدار بیش از ۵۰ درصد در ماه است. با این که هاپیر اینفلیشن اتفاقی نادر برای اقتصادهای پیشرفته محسوب می‌شود، اما به دفعات در کل تاریخ در کشورهایی مانند چین، آلمان، روسیه، مجارستان و آرژانتین رخ داده است. مقدمه؛ فاجعه‌ای به نام ابر تورم

این وضعیت هر روز ونزوئلا به عنوان بدترین کشور از نظر تورم است. کشورهای دیگری نیز در طول تاریخ با ابر تورم دست و پنجه نرم کرده‌اند. به عنوان مثال، آلمان که اکنون قوی‌ترین اقتصاد در اروپا به شمار می‌رود، بعد از جنگ جهانی دوم گرفتار چنین پدیده‌ای شد، اما توانست خود را از آن رها کند. اما کشورهایی نظیر ونزوئلا و زیمبابوه در ابر تورم گیر افتاده‌اند و به خاطر بدتر شدن مستمر اوضاع، روز به روز کارشان برای بهبود سخت‌تر می‌شود.

با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی بدی که ایران در حال تجربه است، شاید تصور کنید بدتر از این شرایط دیگر وجود ندارد! اما واقعیت این است که ابر تورم وضعیتی غیر قابل تصور در مقایسه با آن چه در کشورمان اکنون مشاهده می‌کنیم، به وجود می‌آورد. گفتنی است به هشدار برخی کارشناسان، اگر برای مشکل کسری بودجه کشور فکری نشود، به زودی با رشد افسارگسیخته قیمت‌ها، ایران نیز درگیر ابر تورم خواهد شد.

اثرات ابر تورم چیست؟

یکی از فاجعه‌بارترین و طولانی‌ترین دوران ابر تورم، در اوایل دهه ۹۰ میلادی در کشور یوگوسلاوی سابق رخ داد. در استانه انحلال ملی، این کشور تورم سالیانه بالای ۷۶ درصد را تجربه کرده بود. در سال ۱۹۹۱، مشخص شد که رهبر منطقه صربستان در آن زمان به نام اسلوبودان میلوشویچ (Slobodan Milosevic)، با صدور ۱/۴ میلیارد دلار وام به دوستان خود توسط بانک مرکزی، خزانه ملی را غارت کرده است. این تاراج، بانک مرکزی دولت این کشور را به چاپ بیش از حد پول وادار کرد تا بتواند تعهدات مالی خود را جبران کند. ابرتورم سریعاً اقتصاد را در بر گرفت و ثروت باقی‌مانده را نابود و مردم را به مبادله کالاها وادار کرد. نرخ تورم تقریباً هر روز دو برابر می‌شد تا این‌که به مقدار غیر قابل وصف ۳۱۳ میلیون درصد در ماه رسید. بانک مرکزی در آخر مجبور شد پول بیش‌تری چاپ کند تا با فروپاشی اقتصاد، کار دولت ادامه یابد. دولت یوگوسلاوی سریعاً کنترل تولیدات و دستمزدها را در دست گرفت که به کمبود مواد غذایی انجامید. درآمدها بیش از ۵۰ درصد سقوط کردند و تولید متوقف شد. در نهایت، دولت ارز خود را با مارک آلمان جایگزین کرد که باعث کمک به ثبات اقتصادی شد.

ابر تورم زیمباوه

زیمباوه کشوری است که در گذشته ابرتورم (Hyperinflation) پدیده‌ای است که باعث فروپاشی اقتصاد یک کشور می‌شود. اما تعریف ابر تورم چیست و کدام شرایط عامل ایجاد آن است؟ Hyperinflation های قابل توجهی را تجربه کرده است. دلار زیمباوه پس از تعلیق رسمی آن توسط دولت به خاطر ابر تورم‌های مکرر، دیگر استفاده نمی‌شود. یک دهه پیش، در دوران بحران مالی جهانی، زیمباوه دومین ابرتورم خود را در تاریخ ثبت کرد. نرخ تورم در این کشور در نوامبر ۲۰۰۸ به ۷۹,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ درصد (برابر با نرخ تورم روزانه ۹۸ درصد) رسید.

قیمت‌ها در زیمباوه هر روز تقریباً دو برابر می‌شد. با نرخ بیکاری بالای ۷۰ درصد، فعالیت‌های اقتصادی در این کشور تعطیل شد و اقتصاد داخلی را به اقتصاد تهاتری و پایاپای تبدیل کرد. عامل ابرتورم زیمباوه را به شوک‌های اقتصادی متعدد نسبت داده‌اند. دولت ملی این کشور عرضه پول را در پاسخ به بدهی ملی رو به افزایش و افت شدید صادرات و خروجی اقتصادی، بیش‌تر کرد. فساد سیاسی نیز با یک اقتصاد اساساً ضعیف همراه شد.

ابرتورم در زیمباوه از کنترل خارج شد که نتیجه آن، استفاده از یک ارز خارجی (مانند رند آفریقای جنوبی، پولای بوتسوانا، دلار آمریکا و دیگر موارد) به‌عنوان واسطی برای تبادل به جای دلار زیمباوه بود.

ابر تورم وحشتناک کنونی ونزوئلا

دولت کنونی به ریاست نیکلاس مادورو، که از سال ۲۰۱۳ عهده‌دار این مسئولیت است، در ۲۰۱۶ اعلام وضعیت اضطراری کرد، چرا که در این سال نرخ تورم به ۸۰۰ درصد رسید! از آن زمان تا کنون کشور نام برده در سرایشی قرار دارد و وضعیتش از بد به فاجعه تبدیل شده است. اکنون این کشور درگیر یک ابرتورم باورنکردنی است.

تا انتهای ۲۰۱۸، نرم تورم در ونزوئلا به حدود ۸۰ هزار درصد رسید. محاسبه نرخ کنونی دشوار است، اما بر اساس شاخصی که وب سایت بلومبرگ بر اساس قیمت یک فنجان قهوه ایجاد کرده، اکنون حدود ۸۸۰ هزار درصد است.

بین ژانویه ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹، قیمت یک فنجان قهوه در ونزوئلا از ۰/۴۵ به ۱,۷۰۰.۰۰ بولیوار رسید که به‌معنی رشدی حدوداً ۳۸۰۰ برابری است! این اتفاق باورنکردنی با ابرتورم امکان‌پذیر می‌شود! قیمت کنونی یک فنجان قهوه را در ایران، متوسط ۲۰ هزار تومان (در یک کافه معمولی) در نظر می‌گیریم. تصور کنید یک سال بعد، این مبلغ از ۲۰ هزار تومان به ۷۶ میلیون تومان برسد!

نزدیک به ۳ میلیون نفر، حدود یک دهم کل جمعیت ونزوئلا، از کشور گریخته‌اند. این بزرگترین تغییر مکان عده‌ای زیاد در تاریخ آمریکای لاتین محسوب می‌شود. کمبود

همه چیز از جمله مواد غذایی در نتیجه ابرتورم این افراد را به فرار از کشور وادار کرده است.

تا سال ۲۰۱۴، ارزش پول و رونق اقتصادی ونزوئلا به شدت وابسته به صادرات نفت بود. بیش از ۹۰ درصد درآمد صادراتی این کشور از نفت تامین می‌شد. درآمد حاصل از این صادرات به هوگو چاوز، که بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ رییس جمهور بود، اجازه می‌داد برای برنامه‌های اجتماعی مبارزه با فقر و نابرابری بودجه کافی صرف کند. از پرداخت یارانه به افراد دارای درآمد پایین گرفته تا بهبود خدمات درمانی، همه از صادرات نفت بود. بعد از درگیر شدن کشور با ابرتورم، وضعیت تغییر کرد.

ناگهان قیمت جهانی نفت با افت زیادی مواجه شد. در نتیجه تقاضای خارجی برای بولیوار به منظور خرید نفت ونزوئلا سقوط کرد. به عبارتی تقاضای کشورها برای خرید پول ونزوئلا با هدف تهیه کردن نفت از آن، کاهش یافت. با کاهش ارزش بولیوار، هزینه کالاهای وارداتی زیاد شد. این شروع بحران ونزوئلا بود و رفته‌رفته به ابرتورم کنونی تبدیل شد.

استراتژی رییس جمهور جدید برای برون رفت از مشکل فاجعه‌بار بود و بنزین روی آتش شد؛ نیکلاس مادورو تصمیم گرفت پول بیش‌تری چاپ کند. البته، چنین حرکتی می‌تواند اقتصاد یک کشور را برای عبور از یک شوک قیمت کوتاه‌مدت در حرکت نگه دارد، اما برای کشوری که اقتصادش تا ۹۰ درصد وابسته به نفت است، این استراتژی نابودکننده بود.

با ادامه روند کاهشی ارزش نفت بحران این کشور بدتر و تبدیل به فاجعه اقتصادی شد. از طرفی ونزوئلا نیز به‌خاطر مشکلات داخلی قادر نبود به اندازه قبل نفت استخراج کند. در نتیجه همان میزان فروش با قیمت پایین نیز از دست رفت؛ سرمایه‌گذاران بین‌المللی شروع به جستجو برای منابع دیگر کردند. در نتیجه ارزش بولیوار باز هم کاهش پیدا کرد.

در این شرایط، چاپ پول بیش‌تر به سادگی مشکل را بدتر می‌کند. این امر بر عرضه ارز اضافه می‌کند و ارزش را بیش از پیش کاهش می‌دهد. نتیجه زیاد شدن قیمت محصولات و سرویس‌ها است. دولت برای جبران این مشکل باز هم پول بیش‌تری چاپ می‌کند. به این ترتیب وارد یک چرخه می‌شویم که در نهایت به ابرتورم منجر خواهد شد.

فصل دوم

اقتصاد ایران

لایحه بودجه سال 1402

لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ با ارقام عجیبی بسته شده است؛ نفت ۸۶ دلاری و دلار ۲۶ هزار تومانی مهمترین عددهای بودجه سال آینده است. ارقامی که به باور کارشناسان خوشبینانه هستند، زیرا پیش‌بینی قیمت نفت در بازار جهانی برای سال آینده کاهشی خواهد بود.

در حالی که قیمت هر بشکه نفت خام برنت در معاملات صبح امروز جمعه دوم ژوئن ۲۰۲۳ با رشد ۰/۳۰ درصدی به ۷۵/۰۵ دلار رسید. این در حالی است که نفت برنت معاملات روز گذشته را با نرخ ۷۴/۲۸ دلار به پایان برده بود.

دلیل کاهشی بودن قیمت نفت براساس پیش‌بینی‌های جهانی، تصمیم بانک‌های مرکزی دنیا برای افزایش نرخ بهره است که به رکود اقتصادی بیش‌تر در دنیا منجر خواهد شد. در واقع اقتصاد جهانی سال ۱۴۰۲ به دلیل رکود با تقاضای کم‌تری از نفت روبه‌رو خواهد بود که این موضوع باعث کاهش قیمت نفت می‌شود. با این حال، دولت سیزدهم قیمت نفت را در بودجه سال آینده کل کشور ۸۶ دلار در هر بشکه محاسبه کرده است. در مقابل، عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان، قیمت نفت در بودجه سال آینده خود را ۷۳ دلار پیش‌بینی کرده است.

کارشناسان بر این باورند که علاوه بر رقم خوش‌بینانه فروش نفت در بودجه سال آینده، تشدید تحریم‌های نفتی ایران و رقابت روسیه با ایران در بازار خاکستری نفت، چشم‌انداز بازار نفت ایران را در سال ۱۴۰۲ سخت‌تر کرده است. بنابراین احتمال تشدید کسری بودجه بیش‌تر خواهد شد.

ابتدای سال جاری مرکز پژوهش‌های مجلس از کسری بودجه ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی بودجه ۱۴۰۱ خبر داده بود. هرچند مسعود میرکاظمی رییس سازمان برنامه و بودجه اخیرا اعلام کرده که ۶۶ درصد از درآمدهای پیش‌بینی شده سال ۱۴۰۱ طی ۷ ماه گذشته محقق شده است، با این حال حتی با فرض تایید آن‌چه او گفته، همچنان بودجه امسال با کسری بودجه ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی روبه‌روست که این کسری بودجه، به سال آینده منتقل خواهد شد.

در نتیجه اضافه شدن کسری بودجه، دولت ناچار خواهد شد که اقدام به چاپ پول برای جبران کسری بودجه کند و این بدان معناست که تورم سال آینده هم کم‌تر از ۴۰ درصد نخواهد بود. در عین حال که پیش‌بینی افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و رشد ۴۰ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی برای سال آینده همگی نشان‌های دیگری هستند که بودجه سال آینده را بزرگ و غیرقابل تحقق خواهند کرد.

سابقه بحران‌های اقتصادی ایران

سال ۱۳۹۷ بود که آمریکا ناگهان تصمیم گرفت از برجام خارج شود. این خبر باعث جهش ناگهانی و شدید نرخ ارز شد. ایران همچنان درگیر بحران اقتصادی و تورم ۴۰۰ درصدی است. یکی از اقداماتی که جهت مقابله با گرانی و بحران صورت گرفت تخلیه انبارها و عرضه آن‌ها به بازار و هم‌زمان گسترش فساد دولتی بود.

رییس هیئت عامل صندوق توسعه ملی چندی پیش در همایش اقتصاد هوشمند و توسعه مالی در مورد میزان دارایی صندوق توسعه ملی گفت از ۱۵۰ میلیارد دلار دارایی صندوق، دولت‌های مختلف حدود ۱۰۰ میلیارد دلار آن را برداشت کرده و ۴۰ میلیارد دلار از منابع صندوق نیز به‌صورت تسهیلات در اختیار شرکت‌های مختلف قرار گرفته و بدین ترتیب در حال حاضر دارایی در دسترس صندوق تنها ۱۰ میلیارد دلار است.

این سخنان مهدی غضنفری، بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت و کار به جایی رسید که او چند روز بعد در سومین همایش حکمرانی نوین صندوق توسعه ملی گفته‌های خود را توجیه کرد و اعلام کرد که بدهی دولت‌ها نیز جزء دارایی صندوق است. اما تقریباً دیگر آشکار است منابعی که دولت می‌گیرد پس داده نمی‌شوند و تبدیلیه تورم می‌شوند.

مشابه همین اتفاق بر سر منابع بانک مرکزی نیز آمده است. دولت از بانک مرکزی در قالب تنخواه پول دریافت می‌کند و بدهی خود را پس نمی‌دهد و در همین راستا پایه

پولی افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب هم خروج منابع ارزی صندوق و هم بدهی دولت به بانک مرکزی هردو تبعات تورمی دارد و دومی منجر به رشد پایه پولی یعنی همان پول پر قدرت در جامعه می‌شود.

اواخر خرداد ۱۴۰۱، رییس هیئت عامل صندوق توسعه ملی اعلام کرد بدهکارانی که از این صندوق وام دریافت کرده‌اند درخواست پس دادن این وام را به دلار ۴۲۰۰ تومانی داده‌اند، اما صندوق اصرار دارد که این بدهکاران ارزی باید وام‌های خود را به نرخ روز تسویه کنند و در غیر این صورت صندوق دارایی‌های آن‌ها را تملک خواهد کرد. همچنین در همان زمان غضنفری به بانک‌ها نیز حمله کرد و عنوان کرد که بانک‌ها نیز به تعهدات خود در قبال صندوق توسعه ملی عمل نکرده‌اند.

در واقع آخرین آمار سالانه صندوق مربوط به سال ۱۴۰۰ است و در سال ۱۴۰۱، تنها آمار سه ماهه عملکرد صندوق وجود دارد و همان خود عاملی برای ناشفاف بودن صندوق است. چرا که گزارش‌های این صندوق که ثروت ملی ایرانیان را به خود اختصاص داده می‌بایست لحظه به لحظه بروزرسانی شود. بر اساس همین آمار تا پایان سال ۱۴۰۰ حدود ۳۱۸ طرح ارزی به مبلغ ۳۴ میلیارد دلار تامین مالی شده که از این میزان ۳۱۵ طرح با مبلغ مسدودی (تخصیص تسهیلات ارزی) بالغ ۳۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار دلار فعال بوده و تنها ۳ طرح تاکنون به مبلغ ۱۳۹ میلیون دلار تسهیلات دریافتی خود را تسویه نموده‌اند. همچنین بر طبق این آمار ۳۰۹ طرح به مبلغ ۲۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار با همکاری بانک‌های عامل و بانک مرکزی پرداخت قطعی صورت گرفته است.

تا پایان خردادماه ۱۴۰۰ از مجموع ۳۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاری منابع ارزی مسدود شده حدود ۶۲ درصد به طرح‌های حوزه نفت و گاز، پالایشگاه و پتروشیمی و حدود ۳۱ درصد نیز به طرح‌های فعال در بخش صنعت و معدن و حدود ۷ درصد نیز به سایر بخش‌های اقتصادی تعلق گرفته است. این آمار بدین معناست که تقریباً تمامی وام‌های صندوق توسعه ملی هنوز در دستان گیرندگان این تسهیلات است و به‌غیر از مبلغی ناچیز هیچ‌کدام از وام‌ها تسویه نشده است.

نکته دیگر این که برخی دیگر از تسهیلات صندوق در قالب سپرده‌گذاری ارزی انجام شده که شامل ۴۶ طرح به مبلغ ۵۵۰۰ میلیارد دلار است؛ بنابراین اگر مجموع مبالغ

ارزی یعنی هم عاملیت ارزی و هم سپرده‌گذاری ارزی را در نظر بگیریم کل مبالغ تامین مالی شده برای طرح‌های اقتصادی حدود ۴۰ میلیارد دلار است که به ۳۶۴ طرح اختصاص یافته است که تاییدکننده صحبت‌های رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی مبنی بر ۴۰ میلیارد دلار تسهیلات است.

برخی از تسهیلات‌گیرندگان از سال ۹۲ تسهیلات صندوق را دریافت کرده‌اند که در آن زمان قیمت هر دلار ۳۰۰۰ تومان بود و قرار بوده که با نرخ سود ۴ تا ۶ درصد این تسهیلات را بازپرداخت کنند، اما تاکنون بازپرداختی صورت نگرفته و شرکت‌ها دلایلی مانند قیمت‌گذاری دستوری و تحریم و بالا رفتن نرخ ارز و ... را به‌عنوان توجیه عدم بازپرداخت ارائه می‌کنند. به‌عنوان مثال، برخی از تسهیلات مربوط به بخش نیروگاه بوده و قاعدتا در ازای این پول می‌بایست مابه‌ازای تولید وجود داشته باشد، اما با گذشت سال‌ها وضعیت تأمین برق کشور سال به سال بدتر شده و هیچ اثری از تولید برق نیروگاهی در کشور نیست و یا دست کم مردم آن را حس نمی‌کنند.

مقایسه وضعیت صندوق ذخیره ارزی ایران با سایر صندوق‌های بزرگ دنیا می‌تواند جالب توجه باشد و از خلال این مقایسه می‌توان به عمق تراژدی این صندوق پی برد. ایران کشوری نفت‌محور است و صندوق ارزی کشور می‌بایست از این سرمایه‌بادآورده پر و پیمان باشد که این‌که سایر کشورهای نفت‌خیز دنیا همین مسیر را رفته و دارایی‌های صندوق‌های آن‌ها اکنون تبدیل به سرمایه در سایر کشورهای جهان شده است و سودهای کلانی از سرمایه‌گذاری منابع صندوق‌های خود کسب می‌کنند.

طبق آمار سال ۲۰۲۲، بزرگ‌ترین صندوق ذخایر ارز دنیا متعلق به کشور چین است که دارایی آن رقمی بالغ بر ۱ تریلیون و ۳۵۰ میلیارد دلار است. دومین صندوق ذخیره ارزی نروژ است که حدود ۱ تریلیون و ۱۳۰ میلیارد دلار دارایی دارد. سومین صندوق بزرگ دنیا مربوط به کشور امارات است که سازمان سرمایه‌گذاری ابوظبی نام دارد و دارایی آن معادل ۸۰۰ میلیارد دلار است. سازمان سرمایه‌گذاری کویت با دارایی ۷۵۰ میلیارد دلار رده چهارم را به‌خود اختصاص داده و صندوق‌های ذخایر ارزی سنگاپور و عربستان با دارایی ۶۹۰ و ۶۰۷ میلیارد دلار در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

نگاهی به سرمایه‌گذاری‌های این صندوق‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی—مالی در جهان حکایت از حضور قدرتمند آن‌ها در تملک شرکت‌ها و دارایی‌های اروپایی و

آمریکایی است. به عنوان مثال یکی از اهداف صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان (PIF) حرکت در مسیر تنوع بخشی به اقتصاد این کشور و رهایی این کشور از نفت در آینده است چرا که طبق گزارش های نهادهای تخصصی در آینده نیاز به نفت در جهان به دلیل فرآیند گذار به انرژی سبز کمتر و کم تر خواهد شد.

ارقام خیره کننده صندوق های بالا در حالی است که اکنون آن ها نقش صندوق های نسلی را ایفا می کنند بدین معنی که در راستای کسب ثروت برای آیندگان و نسل های بعدی عمل می کنند، اما صندوق توسعه ملی ایران با داشتن تنها ۱۰ میلیارد دلار دارایی در دسترس یک افشاح کامل اقتصادی در یک کشور نفتی به شمار می رود. برداشت سنگین دولت ها در راستای جبران کسری بودجه وضعیتی هولناک را برای صندوق رقم زده و کار به جایی رسیده که این صندوق به هیچ عنوان قدرت مانور اقتصادی در جهان که هیچ حتی در داخل را هم ندارد. تسهیلات پرداختی این صندوق هم به دولت و هم به شرکت ها که جمعا بالغ بر ۱۴۰ میلیارد دلار است تقریبا مشکوک الوصول هستند و امیدی به بازگشت سرمایه بر بادرفته مردم نیست.

سرمایه ای که قرار بود برای آیندگان باشد اکنون در دستان تعداد معدودی با نرخ های ارزان است و آن ها نیز سودای عودت دادن این پول را ندارند.

نکته دیگر این که بین برداشت از صندوق و تورم رابطه مستقیمی وجود دارد. دولت ها در ایران معمولا در زمان کسری بودجه به منابع صندوق حمله می کنند و نکته این جاست که هیچ مابه ازایی بابت این تسهیلات در کشور ایجاد نمی شود. به عنوان مثال اگر تسهیلات به ویژه تسهیلات ارزی تبدیل به کالا و خدمات نشود در نهایت تبدیل به نقدینگی مازاد بر ارزش افزوده اقتصاد می شود که یکی از دلایل تورم مزمن در اقتصاد ایران به شمار می رود. بین تورم و نقدینگی رابطه مستقیمی دست کم در بلندمدت وجود دارد و قطعا بخشی از تورم ایجاد شده در کشور ناشی از همین جریان ارزی در کشور است.

صندوق توسعه ملی نه تنها به کمک اقتصاد ایران نیامده بلکه اتفاقا از خلال ایجاد تورم به ضرر جامعه عمل کرده چرا که منابع این صندوق هنوز عودت داده نشده و این خود دلیل محکمی است که به ازای تسهیلات ارزی کالا و خدماتی ایجاد نشده، در غیر این صورت اقساط صندوق بازپرداخت می شد.

غضنفری در همین سخنان جنجالی خود ضمن بیان این که صندوق توسعه ملی تنها صندوق ارزی کشور است، عنوان کرد نباید با این صندوق رفتار صندوق ریالی داشته باشیم و پیشنهاد صندوق توسعه ملی این است که همه منابع حاصل از نفت را به صندوق دهند تا این صندوق سرمایه‌گذاری کند و از محل سود سرمایه‌گذاری به دولت پول بدهد. وی ادامه داد: ماده ۵۲ قانون احکام بودجه‌ای صندوق را موظف کرده است که دوتا ۱۰ درصد از منابع خود را به ریال تبدیل کرده و آن را وام بدهد، از این وام سودی معادل سود بانکی نصیب صندوق می‌شود و سازمان حسابرسی صندوق را مکلف به پرداخت مالیات می‌کند. درحالی که تبدیل منابع ارزی به ریالی باعث کوچک شدن صندوق می‌شود.

پیشنهاد غضنفری مبنی بر واریز تمامی منابع حاصل از فروش نفت به صندوق در حالی است که با همین درآمدهای نفتی نیز دولت طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس کسری ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی دارد. در واقع رییس هیئت عامل صندوق توسعه ملی پیشنهادی می‌دهد که خودش هم احتمالاً از قبل جواب‌اش را می‌داند؛ سنگ بزرگ علامت نزدن است.

رییس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۰، اعلام کرد که با وجود همه ادعاها، سهم اقتصاد کشور از اقتصاد جهانی در چهار دهه گذشته نصف شده و به تعبیری باید گفت که رشد اقتصادی ما در این دوره تقریباً صفر بوده است. به گزارش آسیانیوز، رییس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران می‌گوید با وجود همه ادعاها، سهم اقتصاد کشور از اقتصاد جهانی در چهار دهه گذشته نصف شده و به تعبیری باید گفت که رشد اقتصادی ما در این دوره تقریباً صفر بوده است. غلامحسین شافعی ۳۱ خرداد ۱۴۰۰، در ادامه گفت کشور با یک سیکل معیوب و تکرار شونده‌ای از مشکلات چون تورم، نرخ بیکاری، عدم ثبات اقتصادی، فقر پایدار و نابرابری بسیار بالا مواجه بوده است.

او اقتصاد ایران را به «دیواری فرسوده» تشبیه کرد که بسیاری از افراد روی آن را رنگ می‌زنند و پس از مدتی نیز آن را رها می‌کنند. شافعی در ادامه گفته است در حقیقت نیازمند یک «جراحی عمیق» در اقتصاد کشور هستیم.

بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، سهم ایران از اقتصاد جهانی از دو درصد در استانه انقلاب ۱۳۵۷ به زیر یک درصد در سال گذشته رسیده است. هم‌چنین آرشبو داده‌های این نهاد بین‌المللی نشان می‌دهد ایران با نوسانات شدید رشد تولید ناخالص داخلی مواجه بوده و حتی در سال ۱۹۸۰ (اولین سال انقلاب) رشد منفی ۱۸/۸ درصدی داشته و در هر کدام از سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ اقتصاد ایران تقریباً ۱۰ درصد کوچک‌تر شده است. این نهاد بین‌المللی ارزیابی کرده است که طی ۱۰ سال گذشته، در نیمی از سال‌ها اقتصاد کشور دارای رشد منفی و در نیمی دیگر مثبت بوده است. برای نمونه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ روی هم رفته اقتصاد کشور حدود ۱۳ درصد کوچک‌تر شد.

آمارهای متفاوت از صادرات نفت ایران

در ماه‌های گذشته اظهارنظرهای مختلفی از سوی جواد اوجی وزیر نفت و سایر دولتمردان در مورد افزایش میزان صادرات نفت ایران و به طبع آن افزایش درآمد ارزی ایران در رسانه‌های داخلی منتشر شد.

رسانه‌های وابسته به دولت مدعی‌اند که دولت ابراهیم رئیسی در قیاس با دولت حسن روحانی در فروش نفت موفق‌تر بوده و دولت رئیسی بدون احیای برجام توانسته با افزایش فروش نفت ایران درآمد بیش‌تری کسب کند و باعث بهبود شرایط اقتصادی ایران شود.

اواخر دی ماه گذشته خبرگزاری رویترز به نقل از شرکت‌هایی که صادرات نفت ایران را رصد می‌کنند مدعی شده بود که با وجود تداوم تحریم‌ها، صادرات نفت ایران در ماه‌های نوامبر و دسامبر گذشته به بیش‌ترین میزان در سه سال گذشته رسیده است. کپلر به‌عنوان شرکت ردیابی نفتکش‌ها نیز می‌گوید ایران در طول سال گذشته به طور متوسط روزانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه نفت و ۴۰۰ هزار بشکه میعانات نفتی صادر کرده است.

ایران در سال گذشته هم‌چنین توانست ۱۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی نیز صادر کند و رقمی در حدود شش میلیارد دلار از محل صادرات گاز طبیعی به دست بیاورد.

بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی درآمد ارزی ایران در سال ۲۰۲۲ (دی ماه ۱۴۰۰ تا دی ماه ۱۴۰۱) از محل صادرات نفت و گاز طبیعی در حدود ۵۸ میلیارد دلار بود. این میزان در قیاس با سال ۲۰۲۱ در حدود ۴۹ درصد افزایش داشته است.

درآمد ارزی ایران از قبل صادرات نفت و گاز طبیعی ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ در حدود ۱۸ میلیارد و ۶۷۷ میلیون دلار بوده است. روزنامه ایران مدعی شده بود که درآمد ارزی ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ در قیاس با شش ماهه اول سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ به مراتب بیش‌تر بوده است.

گزارش ماهیانه اوپک که اواسط دی ماه منتشر شد، نشان می‌دهد که تولید نفت ایران در سال ۲۰۲۲ با افزایش ۱۶۲ هزار بشکه‌ای، به دو میلیون و ۵۷۴ هزار بشکه در روز رسیده بود.

بر اساس گزارش اوپک، تولید نفت ایران در سال ۲۰۲۱ به‌طور متوسط، روزانه دو میلیون و ۳۹۲ هزار بشکه نفت بوده است. این میزان در سال ۲۰۲۰ روزانه یک میلیون و ۹۹۱ هزار بشکه نفت بود.

مقایسه این آمار نشان می‌دهد که با وجود افزایش ظرفیت تولید نفت ایران در سال گذشته، تولید نفت ایران هرگز به سطح برجام نرسید.

بر اساس برنامه بودجه سال ۱۴۰۲، ایران قرار است روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت صادر کند.

دولت ابراهیم رئیسی رقم فروش نفت در سال آینده را بشکه‌ای ۸۵ دلار در نظر گرفته است و قرار است ایران روزانه از محل صادرات نفت ۱۱۹ میلیون دلار درآمد ارزی کسب کند. یعنی در کل، میزان درآمد ارزی ایران در سال ۱۴۰۲، از صادرات نفت، ۴۳ میلیارد و ۴۳۵ میلیون دلار پیش‌بینی شده است.

محاسبه دولت رئیسی نشان می‌دهد که دولت وی فعلاً امیدی به احیای برجام ندارد و فروش نفت ایران به چین در سال جاری نیز ادامه خواهد داشت.

باید در نظر داشت که رقم فروش نفت ایران در بودجه سال ۱۴۰۱، در حدود ۷۰ دلار در نظر گرفته شده بود. قیمت نفت در سال ۲۰۲۲ حتی در برخی ماه‌های سال به بیش از صد دلار نیز رسیده بود.

شفافیت اصل فراموش شده اقتصاد ایران است. میزان دقیق فروش نفت به بهانه دور زدن تحریم‌ها، هیچ وقت رسماً اعلام نمی‌شود و هم‌زمان این وضعیت، فرصت را برای

فساد اقتصادی به شکل قابل توجهی افزایش داده است. به بیان دیگر، اگرچه جمهوری اسلامی از درآمد قابل توجه فروش نفت بهره‌مند است اما دقیقاً روشن نیست که چه مقدار از این پول سرانجام از خزانه دولت سردرمی‌آورد.

رسوب ارزی معادل سه میلیارد یورو در ۱۰ بانک ایران

«معاونت اطلاعات و امنیت اقتصادی و مبارزه با فساد» وزارت اطلاعات ۲۴ اردیبهشت امسال گزارشی «خیلی محرمانه» برای ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی، فرستاده که عنوان آن «مانده وجوه نزد کارگزاران تراستی شرکت‌های راهبر بانکی» است. این گزارش روز ششم خرداد از سوی دفتر رئیس‌جمهور اسلامی برای محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی ایران، نیز فرستاده شده تا او «اقدام لازم» را انجام دهد. در این گزارش دو صفحه‌ای، معاونت وزارت اطلاعات جدولی ضمیمه گزارش خود کرده که نشان می‌دهد رسوب ارزهای خارجی در ۱۰ بانک ایران روند افزایشی داشته است؛ به گونه‌ای که از معادل سه میلیارد و ۳۴۹ میلیون یورو در آذرماه پارسال به معادل سه میلیارد و ۶۲۵ میلیون یورو در اردیبهشت امسال رسیده است، یعنی افزایشی ۲۷۶ میلیون یورویی.

در این جدول، بانک پارسیان با ۸۹۳ میلیون یورو دارای بیش‌ترین میزان رسوب ارز تا روز ۱۹ اردیبهشت بوده است؛ و سپس، بانک شهر با ۵۱۵ میلیون و ملت با ۴۲۳ میلیون یورو در رده‌های بعدی هستند. میزان رسوب ارز در بانک‌های ملی، تجارت و سامان نیز به ترتیب معادل ۳۵۸، ۳۰۵ و ۳۳۷ میلیون یورو بوده است.

«رسوب» در این‌جا به معنای راکد ماندن ارز در حساب‌های بانکی شرکت‌ها، نهادهای دولتی و صادرکنندگان و عدم تزریق به موقع آن به بازار به‌ویژه سامانه نیما است. این وضعیت از آن رو اهمیت دارد که بازار ارز ایران در ماه‌های گذشته به شدت دچار نوسان بوده و هر دلار آمریکا حتی تا حدود ۶۰ هزار تومان هم اوج گرفت. معاونت اقتصادی وزارت اطلاعات در گزارش خود از «عدم تمایل برخی صادرکنندگان به عرضه ارز»، «عدم نظارت مؤثر و الزام‌آور روی صادرکنندگان»، «عملکرد بانک‌ها» و «تبانی کارگزار مالی با خریدار» به عنوان بخشی از دلایل رسوب منابع ارزی در بانک‌های ایران نام برده است.

یکی از نکات مهم گزارش اشاره به این موضوع است که «عمده ارز ورودی به تراستی بانک‌ها از نوع یوان است که نسبت به دلار و یورو و درهم متقاضی کم‌تری دارد.» تحریم‌های شدید آمریکا علیه ایران و قطع ارتباط آن با سیستم مالی ایالات متحده مقام‌های جمهوری اسلامی را به ناچار به سوی کشورهایی چون چین سوق داده است تا نفت ایران را با تخفیف زیاد و پنهان کاری به فروش برسانند و در ازای آن یوان یا کالاها از چین دریافت کنند.

یوان در بازارهای بین‌المللی کاربردی برای تجارت ندارد و بیش از ۷۵ درصد تجارت جهانی با دلار آمریکا، یورو، ین ژاپن و پوند بریتانیا صورت می‌گیرد. در این میان سهم دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی حدود ۵۰ درصد است.

گزارش‌های بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد بخش عمده ارزی که به واردکنندگان کالا اختصاص داده می‌شود، ارزیابی غیر از دلار و یورو است که مهم‌ترین آن‌ها یوان چین، لیر ترکیه و درهم امارات است.

حتی زمانی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی پول نفت را در سامانه نیما عرضه می‌کند، به گفته وزارت اطلاعات، «بانک‌های عامل به عنوان متقاضی، ارزها را می‌خرند و وقتی خیال‌شان بابت ارز در اختیار راحت می‌شود، بر اساس سیاست‌های داخلی خود پیرامون دریافت ریال و تامین ارز مشتریان خود، نسبت به فروش ارز اقدام می‌کنند که خود موجبات تاخیر و افزایش رسوب می‌شود.»

افزایش تورم و بی‌رمقی کسب و کار

بالاخره مرکز آمار ایران با تاخیر یک ماهه، نرخ رسمی تورم فروردین ۱۴۰۲ را اعلام کرد. بر اساس گزارش این مرکز، در فروردین ۱۴۰۲ شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای ایرانی به عدد ۱۸۰/۵ رسیده است که نسبت به ماه قبل ۳/۷ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۵۵/۵ درصد افزایش و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴۷/۶ درصد افزایش داشته است. به عبارتی خانوارهای ایرانی، باید به طور میانگین ۵۵/۵ درصد هزینه بیشتری را نسبت به فروردین سال گذشته برای سبد کالای مشابه و خدمات تقبل کنند. البته این رقم میانگین عمومی

تورم است. با تفکیک گروه‌های مختلف، به این نتیجه می‌رسیم که شهروندان ایرانی باید هزینه‌های به مراتب بالاتری را برای کالای اساسی چون خوراک پرداخت کنند. مرکز آمار، با بررسی ۱۱ گروه از اقلام خوراکی‌ها، رقم ۷۸/۵ درصد را برای متوسط تورم نقطه‌ای فروردین ماه تخمین زده که در این بین بیش‌ترین تورم، با افزایش ۲۳۶/۵ درصد، در بخش روغن‌ها و چربی‌ها مشاهد می‌شود. جهش قیمت این دسته از خوراکی‌ها به اصلاح نظام یارانه‌های در اردیبهشت ۱۴۰۱ برمی‌گردد که به‌عنوان نمونه تنها یک بطری روغن ۸۰۰ گرمی از ۱۶ هزار تومان به حدود ۷۰ هزار تومان رسید. در این رابطه و براساس گزارش مرکز آمار، تورم گوشت قرمز و ماکیان (طیور) در این یک سال، ۱۱۶/۵ درصد، شیر، پنیر و تخم‌مرغ، ۸۰/۳ درصد و میوه و خشکبار ۷۹/۷ درصد افزایش یافته است. بر این اساس شهروندان ایرانی برای تهیه کالاهای ضروری باید هزینه‌ای به مراتب بیش‌تر از ۵۵/۵ درصد به نسبت فروردین سال ۱۴۰۱ خرج کنند. افزایش قیمت‌ها و تورم افسارگسیخته، عمده فروشندگان مواد غذایی را در تنگنا قرار داده است. یکی از فروشندگان اقلام گوشتی در این رابطه می‌گوید:

مشتري‌هايم خیلی خیلی کم شده‌اند. اگر هم مشتري داشته باشيم، مثل قبل خريد نمی‌کنند. کسی که قبلاً مثلاً دو كيلو گوشت برای یک ماه می‌خريد، الان شده یک كيلو، حتی بعضی وقت‌ها نیم كيلو. یا مرغ از خريد سه -چهار تا، شده یکی - دو تا. من چند ساله کارم این است، بعضی وقت‌ها از مشتري‌هايم خجالت می‌کشم که بگويم قيمت‌ها گران شده، واقعاً بیش‌تر مردم ندارند، ولی مجبورند بخرند. به خاطر کاهش مشتري مغازه پسر را تعطيل کردیم و او الان اینجا پيش خودم کار می‌کند. یکی از خواروبارفروشان در همین زمینه می‌گوید:

شاید فروشم به یک سوم پارسال هم نرسد. خیلی خیلی کم شده. تازه من یک سری مشتري دائمی و فک و فاميل دارم که ازم خريد می‌کنند، اگر آن‌ها نبودند واقعاً باید در مغازه را تخته می‌کردم. خورد و خوراک یک کالای ضروری است، مردم مجبورند بخرند، اما با این وجود هم فروش کمی داریم. افزایش قيمت اقلام خوارکی به حدی است که موجب تعطیلی شماری از مغازه‌ها شده است. یک فروشنده درمورد تعطیلی سوپرمارکتش می‌گوید:

خیلی تلاش کردم مغازه را نگاه دارم، ولی نشد. بعضی از کالاها آن قدر مشتری کمی داشتند که فاسد می شدند! برخی چیزها واقعا الان برای مردم لوکس شده اند، ترجیح می دهند پولشان را صرف کالاهای اساسی تر بکنند. مثلاً این اواخر فروش اقلامی مثل چپیس، پفک، شکلات، بیسکویت، تخمه و... به حداقل رسیده بوده. راستش نمی توانستم کرایه مغازه را تامین کنم. برای همین مجبور شدم کالا تعطیل کنم و الان کارگری ساختمان می کنم.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه ای فروردین ماه سال جاری در گروه هتل و رستوران ها با رقم افزایشی ۸۵/۶ درصد، بالاترین نرخ تورم را به خود اختصاص داده است. تورم نقطه ای این گروه در حالی بیشترین نرخ را به خود اختصاص داده که هر ساله روندی صعودی را تجربه می کند. در همین رابطه، بررسی های مرکز آمار در بهمن ۱۴۰۱ نشان می دهد که شاخص قیمت مصرف کننده در این گروه ۷۹۱/۵ بوده و تورم نقطه ای آن به حدود ۷۹ درصد رسیده است. این افزایش در شاخص قیمت یک سال منتهی به نیمه زمستان ۱۴۰۱ در حالی ست که تورم نقطه ای گروه هتل و رستوران در بهمن سال ۱۳۹۶ تنها به ۶/۸ درصد رسیده است، و همچنین شاخص قیمت در آن مقطع برابر با ۱۰۹/۱ بوده است. به عبارتی در این گروه با افزایش ۶۲۵ درصدی در بازه زمانی پنج ساله (۱۳۹۶-۱۴۰۱) روبه رو بوده ایم.

یکی از رستوران دارها در همین زمینه می گوید:

افزایش سرسام آور قیمت ها و کاهش قدرت خرید مردم، تاثیر مستقیمی در شغل ما دارد. رفتن به رستوران دیگر یک عمل کاملاً لوکس شده. مثلاً یک کارگر با حقوق حداکثر ۱۰ میلیون تومانی، اگر همراه خانواده چهار نفره، یک وعده به رستوران بیاید، حداقل باید ۲۰ درصد از حقوق یک ماه اش را خرج کند. خبر معلوم است برایش صرف نمی کند. خیلی وقت ها سفارش های نیم پرسی داریم. همین ها باعث شده دیگر نتوانیم مثل گذشته رستوران را بچرخانیم. تعطیلی رستوران من مساوی ست با بیکاری مستقیم ۱۷ نفر. حالا غیرمستقیم هاش هم بماند که ما از آن ها خرید می کنیم یا کار باربری و غیره را انجام می دهند. حتی این وضعیت از دوران کرونا هم بدتر است. در آن دوره اگرچه مشتری کمی داشتیم و خیلی روزها تعطیل بودیم، ولی سرویس بیرون برمان فعال بود و مشتری های ثابتی داشتیم. اما بحران اقتصادی وضعیت را وخیم تر کرده است. با این حساب دشوار بتوان دوام آورد.

علی‌رغم وعده‌های مسئولان جمهوری اسلامی و هشدار کارشناسان در زمینه مهار تورم و کاهش قدرت خرید مردم، مقامات مسئول تاکنون برنامه مشخصی در جهت مهار بحران اقتصادی کشور ارائه نداده‌اند. در همین رابطه غلامرضا نوری قزلجه، نماینده بستان‌آباد بهمن سال گذشته در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ گفته بود:

دولت تاکنون هیچ برنامه مشخص و روشنی به مجلس ارائه نداده است و متأسفانه حتی همان شعارها و وعده وعیدها و برنامه‌هایی که شفاهی در حوزه‌های مختلف گفته بود را هم انجام نداده و در هیچ‌کدام از بخش‌ها، هدف‌گذاری به وعده‌ها، محقق نشده.

وی هم‌چنین در مورد معیشت مردم در سال ۱۴۰۲ و بودجه پیشنهادی دولت گفته بود: بودجه امسال، وضعیت اسفباری دارد و یک بودجه تورم‌زا است که رکود را رقم خواهد زد و عملاً هیچ‌کدام از شاخص‌ها را بهبود نخواهد بخشید و وضع گذشته را ادامه خواهد داد. سال ۱۴۰۲، معیشت مردم سخت‌تر خواهد شد و این موضوع از لایحه بودجه‌ای که دولت به مجلس آورده کاملاً مشخص است.

در کنار افزایش تورم در گروه‌های خوراکی و رستوران‌ها، با افزایش شاخص تورم در مابقی گروه‌ها نیز روبرو هستیم. اگرچه بانک مرکزی، دیگر نهاد متولی ارائه آمارهای اقتصادی، تا زمان تنظیم این گزارش، آماری از تورم در سال ۱۴۰۲ منتشر نکرده است، اما پیش از انتشار گزارش تکمیلی تورم توسط مرکز آمار ایران، خبرگزاری اکوایران به نقل از یک منبع ناشناس در بانک مرکزی مدعی شده بود که تورم نقطه به نقطه در فروردین سال جاری به ۶۸/۷ درصد رسیده که بالاترین رقم در سه دهه گذشته است. خبرگزاری اکوایران در این گزارش آورده: است

صرف‌نظر از این که رقم تورم چه باشد، به هر حال چه کانال ۶۸ درصدی تورم در بانک مرکزی عدد صحیح باشد، چه ۵۵ درصدی مرکز آمار، باز هم بیش‌ترین میزان تورم در ۱۰ سال اخیر رخ داده است.

بانک مرکزی در آخرین گزارش خود (اسفند ۱۴۰۱) تورم سالانه را ۴۶/۵ درصد تخمین زده بود. براساس این گزارش در پایان سال گذشته، خدمات مربوط به رستوران‌ها و هتل با تورم ۸۰ درصدی، کالاهای خوراکی و آشامیدنی تورم سالانه ۵۴/۶ درصدی، و مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها نیز رشد قیمت سالانه ۴۸/۳ درصدی را تجربه کرده‌اند. در رتبه‌های بعدی به ترتیب: پوشاک و کفش ۴۵/۹ درصد، بهداشت و درمان ۴۱/۹

درصد، کالاها و خدمات متفرقه ۳۸/۳ درصد، تفریح و امور فرهنگی ۳۷/۸ درصد، خدمات مربوط به تحصیل ۳۵/۱ درصد، لوازم خانگی ۳۳/۳ درصد، حمل و نقل ۳۳/۳ درصد، دخانیات ۲۸/۸ درصد و ارتباطات با ۱۹/۳ درصد قرار دارند.

در همین رابطه یکی از کارگران تعدیل شده از شهربازی می‌گوید: تابستان پارسال، من را همراه با چند نفر دیگر تعدیل کردند. راستش مشتری نداشتیم، یعنی خیلی خیلی کم بود. سال‌های گذشته آن‌قدر مشتری داشتیم که وسایل شهربازی به همه نمی‌رسید. الان کسی به این‌جور جاها نمی‌رود. شهربازی و رستوران و سفر و... جزو خدمات لوکس شده‌اند، خیلی‌ها در توانشان نیست. آدم بتواند شکم زن و بچه‌اش را سیر کند باید روزی هزار مرتبه خدا را شکر کند.

اگرچه در دوران همه‌گیری ویروس کرونا بسیاری از مشاغل خدماتی رفاهی با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند چنان‌که حتی منجر به تعطیلی دائمی برخی از آن‌ها شد، اما در یک سال گذشته با افزایش قیمت کالا و خدمات، برخی از شغل‌های اساسی مرتبط با کالاهای ضروری چون خوراک و پوشاک نیز از رونق افتاده‌اند. آمار دقیقی از تعطیلی این مشاغل در دست نیست، اما مشاهدات نشان می‌دهد به دلیل کاهش قدرت خرید مردم و کمبود مشتری، برخی از کسبه‌ها ناچار به تعطیلی دائمی و یا تغییر شغل خود شده‌اند.

در همین رابطه، علی اصغر میرابراهیمی، رییس اتحادیه رستوران‌دارهای تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری تجارت‌نیوز از تعطیلی ۳۰ الی ۳۵ درصد رستوران‌های تهران خبر داده است. هم‌چنین دولت ابراهیم رئیسی با حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت سال گذشته اعلام کرده بود تنها چهار قلم کالا افزایش قیمت خواهند داشت، اما در عمل حدود ۴۰۰۰ کالا افزایش قیمت را روزه‌روز تجربه می‌کنند.

دولت رئیسی داده‌های واقعی تورم را پنهان می‌کند

روزنامه بریتانیایی فایننشال تایمز گزارش داد در شرایطی که بحران اقتصادی ایران عمیق‌تر شده، دولت ابراهیم رئیسی داده‌های واقعی در خصوص میزان تورم و گرانی‌های بی‌سابقه را «پنهان» می‌کند.

گزارشگر این روزنامه در تهران به نقل از تحلیل‌گران اقتصادی درون کشور نوشت که نرخ تورم بیش‌تر از ۴۷/۷ درصدی است که دولت آن را به‌عنوان تورم سالانه در آخر بهمن اعلام کرد و نرخ واقعی به بالاترین سطح در دست‌کم ۲۸ سال گذشته جهش یافته و از ۴۹ درصد هم فراتر رفته است.

سعید لیلارز، تحلیل‌گر اقتصاد سیاسی در تهران، به این روزنامه گفت مرکز ملی آمار ایران ظاهراً برای جلوگیری از اذعان به شکستن رکورد تاریخی نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی از انتشار داده‌های حقیقی منع شده است. او تأکید کرد که این دولت نتوانسته تورم را مهار کند.

در همین رابطه، روزنامه اعتماد نیز نوشته بود که دولت در نمایش کاهش ظاهری نرخ تورم «با ارقام بازی می‌کند».

براساس نوشته اعتماد، سبد خرید خانوارها دست‌کم ۹۵ درصد کاهش یافته است.

چاق‌تر و فربه‌تر شدن بودجه‌های امنیتی

بودجه نهادهای امنیتی و مذهبی پس از شروع اعتراضات سراسری چه‌قدر اضافه شده است؟

رشد تند بودجه در پنج سال اخیر نه تنها به‌لحاظ پیش‌بینی هزینه‌ها تمام واقعیت‌های موجود جمعیت ۸۵ میلیونی ایران را پوشش نداده بلکه کسری بودجه و انتقال آن به سال‌های بعد سال به سال عددهای بودجه را بزرگ‌تر کرده است؛ اعداد بزرگی که باعث پایدارتر شدن تورم ساختاری بودجه می‌شود.

بر اساس تعاریف علم اقتصاد، تورم ساختاری تورمی است که در نتیجه ضعف ساختار سیاست‌گذاری زمینه‌های افزایش تقاضا را در اقتصاد به‌وجود می‌آورد. یعنی اگر بخش دولتی و ادارات و سازمان‌های زیرمجموعه آن به دلایل غیرضروری گسترده شوند، بخشی از نیروی کار عملاً هیچ نقشی در بهره‌وری اقتصادی ندارد و هم‌زمان قدرت خرید بیش‌تری برای تهیه کالاها و خدمات به‌دست می‌آورد.

بودجه‌های سالانه هر سال در قالب منابع و مصارف آماده می‌شوند که بخشی از مصارف اختصاص به بودجه شرکت‌های دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت دارد. صرف‌نظر از این‌که اغلب این شرکت‌ها زیان‌ده هستند و بار مالی زیان آن‌ها هر سال بر بودجه سنگینی می‌کند، به مصارف نیز هر سال بخش‌هایی اضافه می‌شود که عمدتاً

برای اهدافی خارج از ساختار توسعه ایران تعریف شده‌اند؛ اهدافی هم‌چون امور مذهبی و تبلیغات اسلامی.

علاوه بر این، بررسی جدول‌های بودجه پنج سال منتهی به ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که بودجه بخش‌های نظامی و امنیتی رو به افزایش است؛ موضوعی که شاید بی‌ارتباط با حوادث بعد از آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ نباشد.

بودجه دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی عمدتاً مورد توجه عموم قرار نمی‌گیرد، این در حالی است که بررسی بودجه این نهادها با توجه به تکرر آن‌ها طی پنج سال اخیر افزایش معناداری نشان می‌دهد.

بودجه وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۸، از پنج هزار و ۸۲۵ میلیارد تومان به هفت هزار و ۲۹۱ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافت. بودجه این دستگاه امنیتی در سال ۱۴۰۰ به هفت هزار و ۷۶۵ میلیارد تومان رسیده است.

دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱، برای این وزارت‌خانه امنیتی تصمیم به افزایش بودجه‌ای تقریباً دوبرابری گرفته است، به‌طوری که وزارت اطلاعات در سال گذشته (۱۴۰۱) به میزان ۱۵ هزار و ۳۷۵ هزار میلیارد تومان بودجه دریافت کرده است. در بودجه امسال (۱۴۰۲)، بودجه این نهاد مخوف امنیتی جمهوری اسلامی ایران به ۲۲ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومان افزایش یافته است. این ارقام بیانگر این است که بودجه وزارت اطلاعات ۲/۸ برابر بیش‌تر شده است.

این رشد بودجه برای دیگر نهادهای اطلاعاتی موازی هم اتفاق افتاده است. بودجه حفاظت اطلاعات سپاه در سال ۱۳۹۸ از ۵۴ میلیارد و ۴۶۶ میلیون تومان به ۵۹ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است.

بودجه این نهاد اطلاعاتی سپاه پاسداران در سال ۱۴۰۰ با رشدی دوبرابری ۱۳۰ میلیارد تومان ارتقا یافته و در سال ۱۴۰۱ برای حفاظت اطلاعات سپاه ۱۵۰ میلیارد تومان بودجه اختصاص داده شده است.

در سال ۱۴۰۲ هم برای حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران به میزان ۱۸۳ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است؛ یعنی ۲/۳ برابر افزایش بودجه نسبت به سال ۱۳۹۸.

فقط منابع این دو دستگاه اطلاعاتی نیست که هر سال رشد جهشی کرده است؛ برای اولین بار امنیت فضای مجازی که به‌نظر می‌رسد تمرکز بر محدودیت و فیلترینگ فضای

مجازی دارد، در بودجه امسال گنجانده شده است. این ردیف بودجه که در سال‌های گذشته اصلاً وجود نداشته، برای ۱۴۰۲ بناست که رقمی در حدود ۸۴۷ میلیارد تومان در اختیار داشته باشد تا فضای مجازی را کنترل کند.

ردیف بودجه جدید دیگری که در زیرفصل امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفته، اختصاص ۱۰ هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان برای «حفظ نظم و امنیت عمومی» در سال جاری است. در ذیل همین ردیف، سه هزار میلیارد تومان برای «برنامه سیاست‌گذاری و نظارت بر استقرار نظم عمومی و امنیت داخلی و برگزاری انتخابات» در نظر گرفته شده است. این بخش که می‌توان گفت فصل‌الخطاب تازه‌ای در بودجه دولت جمهوری اسلامی سالانه محسوب می‌شود، تا پیش از این با ردیف مستقل تعریف نشده بود. به نظر می‌رسد اگر چنین ردیف‌های هزینه‌ای در گذشته هم وجود داشته، دست کم دارای ردیف مستقل نبوده‌اند.

علاوه بر نهادهای یادشده، سازمان بسیج در بودجه امسال قرار است دو هزار و ۸۲۹ میلیارد تومان دریافت کند. بودجه یگان‌های ویژه نیروی انتظامی ۱۵۵ میلیارد تومان، بودجه ندامتگاه تهران ۲۵۶ میلیارد تومان و همچنین مطالعه و احداث ۵۹ ندامتگاه جدید ۳۰۵ میلیارد تومان و احداث ندامتگاه موقت ۱۰۴ میلیارد تومان از بودجه سال جاری پول دریافت خواهند کرد.

عطش پول

پول، متأسفانه زبان برتر عصر ماست، اما اهمیت آن در شرایط تورمی بسیار بیش‌تر است. در شرایطی که تورم رشد می‌کند و اجناس و کالاها گران می‌شوند، همه دنبال این هستند که ارزش پول خود را حفظ کنند. بقای زیستی و اجتماعی انسان بیش از پیش به پول گره می‌خورد و خواسته و ناخواسته پول به محور بحث و زندگی افراد تبدیل می‌شود.

بخش جوان یک کشور درگیر تورم که روی کاغذ باید بخش «مولد» آن باشد، برای کسب درآمد بیش‌تر به سمت راه‌های مختلفی می‌روند که گاه به بیراهه‌های نامشروع نیز کشیده می‌شود. گفت‌وگوهای جوانان بر سر مسائل مالی و پول چرخ می‌زند و تکاپو برای دوچندان کردن پول و درآمد، به جای ارزش‌های اخلاقی می‌نشیند.

در شرایط تورمی، پول به ارزش غالب تبدیل و دستیابی به آن به ویژه برای دهک‌های کم‌درآمد سخت‌تر می‌شود. این شرایط در اثر تعاملات بین طبقه‌ای تشدید می‌شود. هم‌زمان تجربه تورم برای طبقه بالاتر، افزایش «ظاهری» ثروت و برآمدن نوعی «طبقه نوکیسه» است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به افراد و نهادهای حکومتی وصل هستند. جوانان طبقه پایین با مشاهده چنین شرایطی، بیش از پیش به دنبال پول درآوردن هستند و بخشی از این عطش پول، ناشی از تلاش برای رفع نیازهای اولیه و بخشی نیز ناشی از «سرابی» است که طبقه نوکیسه شکل گرفته در شرایط تورمی پیش روی آن‌ها باز می‌کند.

شرایط تورمی و رشد بالای تورم، متولدان دهه ۷۰ و حتی ۸۰ را با دوران جوانی کوتاه، گذرا، اندوهبار و یک نوع «بزرگسالی سریع و سخت و پرچالش» روبه‌رو می‌کند. نتایج پژوهشی که توسط حسین افراسیابی دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد و مریم بهارلویی دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه یزد انجام شده این موضوع را تایید می‌کند. این دو پژوهشگر با طرح پرسشنامه‌هایی از جوانان در سن کار، تلاش کرده‌اند فضای اقتصادی و تاثیر «تورم» بر سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی را تحلیل کنند.

در این پژوهش که دو سال پیش و هم‌زمان با اوج‌گیری تورم در ایران در نشریه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان منتشر شده، تلاش محققان بر این بوده که با مکانیزم «مصاحبه» بتوانند به‌طور مستقیم بخشی از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی تورم را بیان کنند. به‌طور مثال، در بخشی از این پژوهش آمده است: «پیمان ۲۳ ساله و شاغل در یک کارخانه قند می‌گوید: ... دانشجوی شبانه بودم. بعد از یک ترم مجبور شدم ترک تحصیل کنم چون پول نداشتم. شهریه خیلی زیاد شده بود. ... خرج خانه هرماه برنج را من می‌خرم و با من است ولی آن‌قدر تورم زیاد شده که هر رویایی که داشتم غیرممکن شده است و تازه باید خیلی زود وارد دخل و خرج خونه و قسط و بدهی شوی.»

نویسندگان این پژوهش عنوان می‌کنند که زندگی در شرایط فشار اقتصادی و به‌طور خاص تورم، سبب شکل‌گیری یا بر ساخت منش یا عادت‌واره معینی در جوانان شده

است. از نظر پژوهشگران، مقوله‌های هفت‌گانه بر ساخته در این مطالعه، منش معینی را شکل می‌دهند که مهم‌ترین فاکتور تشکیل‌دهنده این منش، محوریت پول و زندگی در شرایطی از احساس «بی‌هنجاری» است. نویسندگان می‌گویند ارزش پول در اثر تورم در منظومه عادت‌واره جوانان طبقه پایین تشدید شده است. چرا که تورم اقتصادی بالا و مکرر این ولع پول را در افراد ایجاد کرده است. ولعی که بر اساس آن، کنشگران اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که همه مشکلات از طریق پول قابل برطرف شدن هستند و پول حلال همه مسائل تلقی می‌شود. از طرف دیگر، به دلیل زندگی در میدان پیش‌بینی‌ناپذیر شرایط اقتصادی، نوعی احساس سردرگمی، بی‌هنجاری و روزمرگی از طرف جوانان پذیرفته و برای آن‌ها عادی شده است.

پیش‌بینی «سال سخت» اقتصادی ایران در گزارش‌های محرمانه جمهوری اسلامی

چند سند «خیلی محرمانه» و «محرمانه» نهادهای امنیتی و اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی که روز هشتم خرداد ۱۴۰۲ توسط هرکهای سازمان مجاهدین خلق ایران فاش شدند، از چشم‌انداز «سال سخت» اقتصادی در ۱۴۰۲ خبر می‌دهند که «نظام» باید «خود را برای آن آماده کند».

این اسناد در جریان هک سایت ریاست‌جمهوری ایران به‌دست آمده که یک گروه مخالف جمهوری اسلامی به نام «قیام تا سرنگونی» مسئولیت آن را بر عهده گرفته است. این گروه در روزهای اخیر اسناد مختلفی را که در این هک به‌دست آورده در کانال تلگرامی خود فاش کرده است.

یکی از این اسناد، گزارش محرمانه‌ای است که «ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور» برای مقامات، از جمله دفتر رهبر جمهوری اسلامی، درباره «مدیریت مصرف سوخت» فرستاده است، و نتیجه‌گیری کرده که «شرایط فعلی قابل تداوم نیست»، «ذخایر بنزین ایران کفاف پنج روز می‌دهد» و ۱۴۰۲ «سال سختی» است که «باید برای آن آماده شویم».

گزارش دوم با مهر «خیلی محرمانه»، ارسالی از سوی «معاونت اطلاعات و امنیت اقتصادی و مبارزه با فساد» وزارت اطلاعات به دفتر ریاست‌جمهوری، نشان می‌دهد که معادل سه میلیارد و ۶۲۵ میلیون یورو در ۱۰ بانک ایران «رسوب» کرده است. عمده

ارز ورودی به این بانک‌ها هم به صورت «یوان»، پول ملی چین، است که متقاضی کم‌تری دارد.

گروه هکری «قیام تا سرنگونی» در روزهای اخیر سندی منتشر کرده که گزارش «مصوبات چهارمین جلسه ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور» است، که سوم اسفند ۱۴۰۱ برگزار شد و مهر «محرمانه» دارد.

این گزارش را سپهر خلجی، رییس این ستاد، برای مقامات ارشد از جمله دفتر رهبر جمهوری اسلامی تهیه و ارسال کرده است.

محور این جلسه «بررسی طرح مدیریت مصرف سوخت» بوده است و در آن نمایندگان وزارت صمت، صداوسیما، وزارت اطلاعات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، قوه قضاییه، وزارت نفت، بانک مرکزی، وزارت کشور و پلیس امنیت اقتصادی حضور داشته‌اند.

نماینده وزارت اطلاعات در اظهارات خود، از پیش‌تاز بودن رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در اطلاع‌رسانی شکایت کرده و گفته است: «در حوزه اطلاع‌رسانی در مورد موضوعات مختلف، مهم این است که چه کسی روایت اول را ارائه می‌کند. متأسفانه اکنون در شرایطی قرار داریم که در موضوعات مختلف، روایت اول در رسانه‌های معاند شکل می‌گیرد که ناشی از ضعف اطلاع‌رسانی در داخل کشور است.»

مهم‌ترین بخش این سند به دو گزارشی برمی‌گردد که معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در این جلسه ارائه می‌کند، که حاکی از کسری شدید بنزین در کشور و کاهش چشمگیر ذخایر استراتژیک آن است.

به گفته او، مصرف روزانه بنزین کشور از ۸۲ میلیون لیتر در دوران قبل از شیوع کرونا به ۱۰۴ میلیون لیتر افزایش یافته که این مسئله منجر به «کاهش شدید» ذخایر استراتژیک بنزین و «کاهش تاب‌آوری به پنج روز» شده است.

سند رسمی وزارت نفت ایران نشان می‌داد مصرف بنزین کشور از اوایل تابستان ۱۴۰۱ از تولید آن پیشی گرفته و تا دی ماه همان سال ۴۴۰ میلیون لیتر از ذخایر استراتژیک بنزین کشور وارد بازار شده که معادل یک‌سوم از ذخایر استراتژیک بنزین کشور است. همان زمان، حجم ذخایر استراتژیک بنزین ایران برای دو هفته کافی بود، اما گزارش معاون وزیر نفت نشان می‌دهد که در بهمن و اسفند روند استفاده از ذخایر استراتژیک بنزین برای جبران کسری آن شتاب گرفته است.

معاون وزیر نفت با اشاره با «غیرقابل دوام بودن این وضعیت» گفته است پارسال حتی پالایشگاه‌های کشور برای تعمیرات تعطیل نشد تا با ظرفیت کامل کار کنند و امسال وضعیت «سخت‌تری» در پیش خواهد بود.

نماینده «پلیس امنیت اقتصادی» نیروی انتظامی در این جلسه، علت رشد چشمگیر مصرف بنزین را مربوط به «مصرف نامتعارف خودروهای داخلی» دانسته و تصریح کرده است قاچاق سوخت نقش چندانی در افزایش مصرف بنزین ندارد.

به گفته او، بنابراین ایجاد هرگونه محدودیت در کارت‌های سوخت مردم یا جایگاهداران اقدام موثری نخواهد بود و برای حل مسئله باید ظرفیت تولید بنزین در کشور افزایش یابد.

قائم مقام وزیر صنعت هم در جلسه ستاد اقتصادی پیشنهاد کرده که بنزین «سه‌میه‌بندی» شود و تجربه دولت حسن روحانی در این زمینه را «موفق» خوانده است. او تاکید کرده که «شرایط فعلی قابل تداوم نیست» و «لازم است دولت با ایجاد اجماع در حاکمیت برای سال آینده برنامه‌ریزی کند».

فروردین امسال خبرگزاری رویترز از واردات ۳۰ هزار تن بنزین و گازوئیل روسی به ایران خبر داد و احمد معروف‌خانی رییس اتحادیه صادرکنندگان نفت ایران نیز اعلام کرد هر تن محصولات نفتی روسیه را ۱۵۰ دلار گران‌تر از قیمت‌های جهانی وارد می‌کنیم.

به گفته آقای معروف‌خانی، روند واردات بنزین به کشور از شش ماه پیش دنبال می‌شد و علاوه بر روسیه، ترکمنستان و ازبکستان نیز در ورود این محصول به ایران نقش داشتند.

معاون وزیر نفت ایران در بخش دیگری از گزارش خود به «ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور»، از اوج‌گرفتن مصرف گازوئیل و مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های برقی کشور خبر داده و گفته است: به خاطر کسری گاز کشور، مصرف سوخت‌های مایع آلاینده در نیروگاه‌ها از هفت میلیارد لیتر در سال ۱۳۹۸ به ۱۶ میلیارد لیتر در سال ۱۴۰۰ رسیده و پارسال به ۲۰ میلیارد لیتر اوج گرفته است.

این آمار از آن رو اهمیت دارد که وزارت نیرو از سه سال پیش و هم‌زمان با اوج‌گیری مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها، انتشار میزان مصرف انواع سوخت نیروگاه‌های برقی را متوقف کرده است.

در گزارش‌های وزارت نیرو، همچنین ادعا می‌شود که راندمان نیروگاه‌های کشور ۳۹ درصد است، اما معاون وزیر این رقم را «۳۰ درصد و پایین‌تر» عنوان کرده و گفته است ناترازی انرژی کشور در سال جاری «یک مسئله جدی است». راندمان ۳۰ درصدی نیروگاه‌های برقی کشور در حالی است که این رقم در نیروگاه‌های مدرن جهان بالای ۵۰ درصد است.

ایران طی دو دهه گذشته تبدیل نیروگاه‌های کهنه بخاری و گازی به نوع «چرخه ترکیبی» برای افزایش راندمان آن‌ها به ۴۵ درصدی را هدفگذاری کرده بود، اما آمارهای وزارت نیرو نشان می‌دهد که نه تنها توفیقی در این زمینه نداشته، بلکه حتی نیروگاه‌های جدیدی که در کشور راه‌اندازی می‌شود، عمدتاً بخاری و گازی با راندمان بسیار پایین هستند.

نماینده وزارت اطلاعات در جلسه «ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور» تصریح کرده که ۱۴۰۲ «سال سختی» خواهد بود که «از هم‌اکنون باید برای آن آماده شویم». او اشاره کرده که در حال حاضر در چهار حوزه «اقدامات مهمی» در حال پیاده‌سازی است که شامل طرح‌های «هوشمندسازی یارانه آرد و نان»، «کالابریگ الکترونیکی»، «بنزین» و «مدیریت بازار ارز» است.

نماینده وزارت اطلاعات در بخش دیگری از اظهارات خود، از پشتناز بودن رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در اطلاع‌رسانی شکایت کرده و گفته است: «در حوزه اطلاع‌رسانی در مورد موضوعات مختلف، مهم این است که چه کسی روایت اول را ارائه می‌کند. متأسفانه اکنون در شرایطی قرار داریم که در موضوعات مختلف، روایت اول در رسانه‌های معاند شکل می‌گیرد که ناشی از ضعف اطلاع‌رسانی در داخل کشور است». این ابراز نارضایتی در حالی است که رسانه‌های داخل ایران با موج سرکوب نهادهای امنیتی و اطلاعاتی روبه‌رو بوده و ایران یکی از بدترین کشورهای جهان در زمینه زندان روزنامه‌نگاران است.

فصل سوم

فساد سیستماتیک در جمهوری اسلامی ایران

براساس گزارش تازه سازمان شفافیت بین‌الملل که روز سه‌شنبه، ۳۱ ژانویه ۲۰۲۳-۱۱ بهمن ۱۴۰۱ منتشر شد، سوریه بدترین کشور در زمینه «ادراک فساد» در سال ۲۰۲۲ بوده و امارات متحده عربی در راستای مبارزه با فساد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، بهترین عملکرد را داشته است. ترکیه نیز شاهد تغییر رتبه خود از ۹۶ به ۱۰۱ در رده بندی جهانی طی سال گذشته بوده و افغانستان تحت سلطه طالبان، در رتبه‌بندی «ادراک فساد» در سال ۲۰۲۲، از میان ۱۸۰ کشور جهان، جایگاه ۱۵۰ را به‌دست آورده است.

قرار گرفتن افغانستان در رتبه ۱۵۰ در حالی است که تا پیش از سلطه طالبان، براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۲۱، این کشور در رتبه ۱۷۴ از میان ۱۸۰ کشور جهان قرار داشت. گزارش جدید این سازمان نشان می‌دهد که افغانستان در رتبه‌بندی براساس این شاخص، ۲۴ پله صعود کرده است.

سازمان شفافیت بین‌الملل، همچنین در گزارش خود اضافه کرد که ۱۵ سال است گسترش فساد، صلح جهانی را با خطر مواجه کرده است، چون فساد با تضعیف توانایی دولت‌ها را برای محافظت از مردم، اعتماد عمومی را از بین می‌برد و کنترل تهدیدهای امنیتی را سخت‌تر می‌کند.

بنابر اعلام این سازمان، فساد معمولاً مستلزم فعالیت‌های غیرقانونی و عامدانه پنهانی است که تنها به واسطه رسوا شدن در رسانه‌ها یا پیگرد قانونی آشکار می‌شوند و این امر اندازه‌گیری فساد را بسیار دشوار می‌کند.

براساس این گزارش، بسیاری از کشورهای در رتبه‌های بالا در این رده‌بندی قرار گرفته‌اند، بخش‌های دولتی نسبتاً «پاک» دارند، اما همچنان تحت تاثیر فساد فراملی قرار می‌گیرند که همواره پیامدهایی برای جوامع دارد.

از لحاظ رده‌بندی شاخص فساد، این نهاد بین‌المللی به کشورها امتیازی از صفر تا ۱۰۰ می‌دهد و هر چه امتیاز بالاتر باشد، کشور از لحاظ شفافیت وضعیت بهتری دارد. ایران در سال گذشته، در میان فاسدترین کشورها قرار گرفت.

آرشیو گزارش‌های این نهاد بین‌المللی نشان می‌دهد که امتیاز ایران از ۲۵ در سال ۲۰۱۳ با رشد متوالی تا سال ۲۰۱۶ به ۳۰ افزایش یافته بود، اما از آن زمان دوباره سیر نزولی کرده و طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ بر روی ۲۵ ثابت مانده است.

ارزیابی جدید سازمان شفافیت بین‌الملل نشان می‌دهد که جایگاه ایران در میان ۱۸۰ کشور از لحاظ فساد تنها با یک پله فاصله بالاتر از افغانستان قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، سه کشور دانمارک، فنلاند، نیوزیلند، نروژ و سنگاپور بهترین امتیاز را در میان جامعه جهانی از لحاظ شاخص فساد داشته و کشورهای سومالی، سوریه، سودان جنوبی، ونزوئلا و یمن در قعر جدول قرار دارند.

در گزارش جدید، این نهاد بین‌المللی تاکید کرده است که افزایش تنش‌ها و جنگ، خصوصاً تهاجم نظامی روسیه به اوکراین به فساد در جهان دامن زده است.

فساد به اندازه جمهوری اسلامی در ایران عمومیت دارد البته بحث مبارزه با فساد سال‌هاست که بین مسئولان کشور مطرح است و در آخرین نمونه آن، بعد از افشای حقوق و مزایای نجومی برای چند مدیر در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که به برکناری آنان منجر شد، رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت گفت که مردم انتظار شنیدن اخباری درباره حقوق‌های چندده میلیونی را ندارند و به حقوق نجومی باید خاتمه داده شود.»

از جمله سیاست‌مدارانی که به صورت متمرکز در زمینه موضوع فساد و مقابله با آن فعالیت دارد، احمد توکلی است. او از اصول‌گرایانی است که هم سابقه حضور در دولت و پارلمان را دارد و مدتی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس بوده است. او که یکی از بنیان‌گذاران سازمان «دیدهبان شفافیت و عدالت» است در سال ۹۵ در بهشهر اولین بار

از فساد به عنوان «موریانه» نام برده و گفته بود: «فساد سیستماتیک یعنی دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد خودشان آلوده این مسئله می‌شوند. بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی فساد موجود است؛ فسادى که مثل موریانه می‌خورد و از درون خالی می‌کند». او که هم‌اکنون عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است، در سال ۹۸ نیز در دانشگاه علامه طباطبائی، درباره رواج فساد این‌گونه گفته بود: «پیش‌از این گفته بودم که جمهوری اسلامی ایران با کودتا، جنگ، حمله نظامی و... ساقط نمی‌شود؛ بلکه این فساد است که سبب سقوط هر حکومتی خواهد شد. در جامعه ما نیز مشکل اینجاست که فساد بیش‌تر از آن است که تصور می‌کردیم. این در حالی است که ما هم با فساد و هم با مفسده باید مبارزه کنیم.»

احمد توکلی با اشاره به این که خود مردم معیار خوبی برای مبارزه با فساد هستند، عنوان کرد: «خوشبختانه مردم اطلاعاتی به ما می‌دهند که نشانه امیدواری برای مبارزه با فساد است. هم‌چنین قدرت NGO ها به حمایت رسانه‌هاست و شفافیت آسان‌ترین و کوتاه‌ترین راه برای مبارزه با فساد است؛ اما سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند فاسد شوند.

ولی اگر شفافیت را در برنامه خود قرار دهند، تاثیر به‌سزایی در جلوگیری از فاسدشدن آن‌ها دارد.» او البته چندین بار در خصوص سخنان خود مورد انتقاد برخی اصولگرایان به‌ویژه جبهه پایداری قرار گرفته است. توکلی چندی پیش در گفت‌وگو با رادیو درخصوص منظورش از فساد سیستماتیک، گفته بود: «تعریف‌های مختلفی از فساد سیستماتیک در اقتصاد سیاسی وجود دارد؛ یک تعریف که مورد اعتراض رهبری هست، این است که گفته می‌شود سر تا پای نظام فاسد است و اعتقادشان این است که این حرف درست نیست و رهبری درست هم می‌فرماید و این جمله تهمت است. شاهدش این است که من و شما نشسته‌ایم در مورد آن بحث می‌کنیم. براساس تحقیقی که انجام داده و تعریفی که از فساد سیستماتیک دارم، این است که وقتی دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد یا ناظر بر سلامت به درجاتی آلودگی پیدا می‌کنند و سیستم (دستگاهی) که به‌طور طبیعی دیگر از خودش درست دفاع نمی‌کند که به این فساد سیستمی (سیستماتیک) می‌گوییم». ابراهیم رئیسی نیز در اردیبهشت امسال، یعنی در آخرین روزهایی که به‌عنوان رییس دستگاه قضا در قوه قضاییه حضور داشت، گفته بود

که اولویت‌بندی در مقابله با مفاسد در برخورد با دانه‌درشت‌ها مسئله مهم در رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی است؛ اما با موضوعات خرد و جزئی هم باید برخورد کرد؛ چراکه فساد، فساد است؛ چه اندک و چه کلان باشد. او بعد از رسیدن به پاستور در شهریورماه اصول ۱۲ گانه حاکم بر نقشه ملی پیش‌گیری و مقابله با فساد اداری و اقتصادی در دولت سیزدهم را به اعضای دولت و دستگاه‌های اجرائی ابلاغ کرد و گفت: «بنای دولت سیزدهم از ابتدا بر این بوده که گلوگاه‌های فساد، شناسایی شده است و مدیران دستگاه‌های مختلف به نحوی این گلوگاه‌ها را برطرف و اصلاح کنند تا زمینه‌های بروز فساد در نظام اداری به‌طور کامل برطرف شود. پیش‌گیری از فساد به‌طور مشخص وظیفه دولت و رسیدگی به پرونده‌های تشکیل‌شده در این باره برعهده قوه قضاییه است. مدیران دولتی وظیفه دارند از بروز فساد پیش‌گیری کنند تا ورودی پرونده‌های مفاسد به قوه قضائیه کاهش یابد.»

فساد مالی در فولاد مبارکه به میزان ۹۱ هزار میلیارد تومان، آینه تمام عیاری است از عمق و گستردگی فساد در تاروپود جمهوری اسلامی ایران. فساد مالی در فولاد مبارکه بیان‌گر این واقعیت است که حاکمیت جمهوری اسلامی و فساد سیستماتیک در کشورمان دو روی یک سکه هستند که نمی‌توان آن دو را از هم جدا دانست.

فساد را می‌توان در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی بررسی کرد.

با پایان جنگ ایران و عراق، دولت هاشمی رفسنجانی با تمام توان برنامه خود را بر اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول استوار کرد. (دولت‌های بعدی نیز راه او را در همه حال بر اساس برنامه ۲۰ ساله تدوین شده در جمهوری اسلامی ادامه دادند) رفسنجانی می‌خواست با اجرای تعدیل، خصوصی‌سازی و هدفمند کردن یارانه‌ها بستر لازم را برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی به‌هر قیمتی به‌وجود آورد. بعد از اجرای تعدیل که امنیت شغلی کارگران را از بین بردند، نوبت به خصوصی‌سازی صنایع و اموال عمومی رسید. در مقطع خصوصی‌سازی، سران حکومتی و کسانی که

دستی در اقتصاد داشتند، به بهانه اجرای خصوصی سازی، «خودمانی سازی» را آغاز کردند.

نتیجه آن شد که کارخانه ها را به قیمت مواد اولیه موجود در واحدهای تولیدی که با دلار ۷۰ ریال خریداری شده بود، صاحب ملک و زمین و کارخانه شدند.

کارگران را اخراج و زمین های کارخانه و دستگاه ها را مفت به دست آوردند. بسیاری از شرکت های سود ده، با دست کاری حساب هایشان شرکت های ضرر ده معرفی شدند و نام آنها رفت در لیست خصوصی سازی و ...

دولت رفسنجانی به وزارتخانه های مختلف اعلام کرد، باید خودگردان شوند، بعد از مدتی حتی بخش اقتصادی وزارت اطلاعات راه اندازی شد.

نیروهای امنیتی و حکومتی تازه داشتند حرص و ولع سرمایه داری را تجربه می کردند. در ادامه بخش های دیگر حکومت به آنها پیوستند، سپاه، آیت الله ها، حوزه های علمیه و هر چه قدر که اقتصاد دلالی - اسلامی در جامعه حاکم می شد به همان اندازه نیز فساد ابعاد گسترده تری به خود می گرفت.

به این ترتیب، فساد در جمهوری اسلامی ایران، نهادینه شد و به برادران قاچاقچی، آیت الله شکر و ... معروف شدند.

سرانجام فساد در ایران در ابعاد، بانکی، نفتی، قضایی، اداری، نظامی، امنیتی، صنایع، زمین خواری، کشاورزی، سیاسی و ... ریشه دواند.

دیگر از اسکله های برادران قاچاقی که با رشد ده ها برابری تبدیل شد به ایستگاه های قاچاق یا شلیک کردن به سوی کولبران در کردستان و سوختبران در بلوچستان، در تلاشند برادران قاچاقچی منافع شان در بازار قاچاق کالا حفظ شود، یا استفاده از هواپیماهای نظامی یا فرودگاه هایی که در کنترل دولت های وقت نیست و ...، یا اشغال کردن پایانه های مرزی توسط سپاه پاسداران برای وارد کردن قاچاق و ...

فساد و مافیای قدرت چنان جایگاهی در سراسر ایران دارد که حتی دولت های مختلف به هیچ عنوان توان برخورد و حتی انتقاد از آنها را ندارند.

مرکز فساد اقتصادی، سیاسی، اداری در بیت رهبری جمهوری اسلامی ایران

دارایی‌های سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، در حاله‌ای از ابهام قرار داشته است. علی خامنه‌ای تلاش کرده که دارایی‌هایش مخفی بماند و توسط نفراتی از دفتر او اداره شوند که در سایه قرار دارند. این موضوع به جنگ میان جناح‌های حاکمیت هم کشیده شده است. اساتید دانشگاه‌های ایران نیز خواهان شفافیت و پاسخ‌گویی و اصلاحات ساختاری نهادهایی شده‌اند که زیر نظر علی خامنه‌ای است.

برآورد میزان ثروت خامنه‌ای عملاً امری دشوار است، اما اطلاعات درز کرده از درون دستگاه خامنه‌ای بخشی از ثروت او را برملا کرده است.

در خصوص دارایی‌های خامنه‌ای سفارت آمریکا در عراق در حساب توییتر رسمی خودش اعلام کرد، ثروت علی خامنه‌ای ۲۰۰ میلیارد دلار است. این سفارت همچنین اعلام کرد چهل سال پس از «حکومت آخوندها» و در زمانی که بسیاری از افراد ملت ایران به دلیل اوضاع اقتصادی ناگوار در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، دارایی‌های رهبر ایران به تنهایی ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

ثروت پسران و دختران خامنه‌ای میلیاردها دلار برآورد می‌شود که نزد بانک‌های ونزوئلا، انگلیس و سوریه سپرده شده‌اند.

همچنین خامنه‌ای نظارت بر سازمانی را به نام «ستاد اجرایی فرمان خمینی» بر عهده دارد که میزان دارایی‌های آن «بالغ بر ۹۵ میلیارد دلار» تخمین زده می‌شود. این میزان دارایی حدود ۴۰ درصد بیش‌تر از صادرات نفتی ایران در سال ۱۳۹۱ بوده است. در ۲۱ آبان ۱۳۹۲، خبرگزاری «رویترز» گزارشی تحقیقی از «ستاد اجرایی امام» که یکی از نهادهای زیر نظر خامنه‌ای است منتشر کرد.

این تحقیق که نتیجه کار تیمی ۶ ماهه گروهی از خبرنگاران این خبرگزاری است، مجموع دارایی‌های این ستاد را به استناد بیانیه‌های رسمی، اطلاعات وبسایت‌های شرکت‌های وابسته و اوراق بهادار حدود ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده است.

بنا به این گزارش، این ستاد به یک بازوی اقتصادی بزرگ و قدرتمند تبدیل شده است که حوزه‌ی فعالیت‌هایش از «فعالیت‌های بانکی و مالی تا تولید قرص ضدبارداری» را شامل می‌شود.

بر اساس این گزارش شرکت‌های تولیدی و صنعتی گوناگونی که زیر نظر این ستاد فعالیت دارند یا وابسته به این ستاد هستند، گزارش مالی اجرایی خود را در بسیاری موارد اعلام نمی‌کنند.

«ستاد اجرایی امام» در دوران رهبری خمینی، بنیان گذاشته شد و قرار بود بر اداره و فروش «اموال بلاصاحب» و مصادره شده در کشور نظارت کند و سود حاصل را به مصارف امور خیریه برساند.

در سال‌های ابتدایی بیش‌تر درآمد این نهاد به مصرف بازماندگان قربانیان جنگ ایران و عراق رسید. با آغاز رهبری علی خامنه‌ای، کارکرد این ستاد با جمع‌آوری اموال و املاک برای خود و صرف درآمد آن برای بیت رهبری تغییر کرد.

دفاتر حسابرسی این ستاد در حال حاضر حتی از دسترس مجلس شورای اسلامی هم خارج است و طبق مصوبه سال ۱۳۸۷ مجلس، تمام دستگاه‌های تحت مدیریت و نظارت رهبری از نظارت مجلس شورای اسلامی خارج شدند.

بر اساس این گزارش مجموع ارزش دارایی‌های «ستاد اجرایی امام» که به ۹۵ میلیارد دلار می‌رسد، حدود ۴۰ درصد بیش‌تر از صادرات نفتی کشور در سال ۳۹۱ و از مجموع دارایی‌های محمدرضا شاه پهلوی نیز پیشی می‌گیرد.

افرادی که این ستاد اموال‌شان را مصادره کرده است یا وکلای آن‌ها پیگیر پرونده‌شان بودند، به خبرگزاری رویترز گفته‌اند که ستاد طی طرحی روش‌مند و پول‌ساز، تحت عناوین جعلی از دادگاه حکم تخلیه ملک را می‌گیرد و سپس صاحبان ملک را تحت فشار می‌گذارد که یا ملک را دوباره به نرخ روز خریداری کنند یا در اسرع وقت ملک را تخلیه کنند.

ستاد اجرایی فرمان خمینی اکنون سهام‌دار کلیه بخش‌های تولیدی و خدماتی، از جمله صنعت نفت، امور مالی، بانک‌داری، تولید قرص‌های ضدبارداری، و حتی پرورش شتر مرغ است، و سالانه میلیاردها دلار درآمد دارد.

یکی از اقدامات خامنه‌ای خرید سهام یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های ایران در سال ۲۰۰۷ میلادی، و خرید سهام بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی کشور در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط ستاد بود، که در سال ۲۰۱۰ میلادی ستاد اجرایی فرمان خمینی را به صورت یکی از صندوق‌های بزرگ سرمایه‌گذاری خصوصی جهان درآورد.

روزنامه عرب زبان القدس العربی روز ۱۶ تیر ماه ۱۳۹۴، طی مطلب مفصلی در مورد ثروت فرزندان سیدعلی خامنه‌ای از جمله نوشت:

ثروت پسران و دختران خامنه‌ای میلیاردها دلار برآورد می‌شود که بیش‌تر آن در بانک‌های انگلیس، سوریه و ونزوئلا است. ثروت مجتبی دومین پسر رهبر رژیم به ۳ میلیارد دلار بالغ می‌شود، که بیش‌تر آن را در بانک‌های امارات، سوریه، ونزوئلا و برخی کشورهای آفریقایی سپرده است.

مسعود سومین پسر خامنه‌ای که در دانشگاه تهران درس حقوق خوانده، مسئول بسیاری از موسسات پدرش و مدیر سایت او نیز هست. مسعود چیزی بیش از ۴۰۰ میلیون دلار در بانک‌های فرانسه و انگلیس و صد میلیون دلار هم در بانک‌های تهران دارد. مسعود مالک انحصاری فروش شرکت رنو فرانسه در ایران است.

کوچک‌ترین پسر رهبر میثم است. او با دختر یکی از مشهورترین تجار بازار ازدواج کرده‌است، او در دانشگاه تهران الهیات خوانده، و مسئول اجرایی موسسات رهبری‌کننده انقلاب است، او شریک برادرش مسعود در شرکت رنو است. ثروت میثم حداقل از ۲۰۰ میلیون دلار فراتر می‌رود، او مالک نقدینگی نزدیک به ۱۰ میلیون دلار برای تجارت در بازار داخلی است.

بشری دختر خامنه‌ای با پسر رییس دفتر خامنه‌ای محمد گلپایگانی ازدواج کرد. او از زمان طفولیت مورد توجه بسیار زیاد والدینش بود، زیرا اولین دختر در خانواده است، این خانواده آن‌قدر او را نازپروده کرده بود که حین خروج از مدرسه راههایی را که ماشین او در آن حرکت می‌کرد می‌بستند، و نگهبان جلوی در مدرسه مستقر می‌شد، و دو نگهبان هم پشت در کلاس در مدت زمانی که کلاس برقرار بود می‌ایستادند. ثروت او را ۱۰۰ میلیون دلار برآورد می‌کنند.

اما دردانه‌ی دیگر هدی، کوچک‌ترین فرزند بین دختران و پسران؛ او با فردی از خانواده مذهبی سرشناس ازدواج کرد. هدی توجه زیادی به لباس و مد و زیورات دارد. او در خان‌هاش یک سالن آرایش زنانه دارد، که از بابت امنیتی به‌دلیل ترددات زیادی که به این مکان هست حفاظت می‌شود، ثروت او را معادل ثروت خواهرش، ۱۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.

حسن مشهورترین دایی خامنه‌ای است. او پیمان‌کار تلویزیون دولتی ایران و مسئول خرید دوربین‌ها و لوازم برقی و ماشین‌آلات مونتاژ آن است، هم‌چنین نماینده انحصاری

شرکت سونی ژاپن در سراسر ایران است، به طوری که مجموع خریده‌های تلویزیون ایران از شرکت سونی به سالانه بین ۵۰ تا ۶۰ میلیون دلار بالغ می‌شود، در عین حال مبلغ فروش‌های این شرکت در جمهوری اسلامی به ۶۰۰ میلیون دلار می‌رسد، که ۷ درصد از آن را این دایی تصاحب می‌کند.

در شهریور ۱۳۹۰، مقامات و رسانه‌های ایران از کشف اختلاسی بزرگ در بانک‌های ایران خبر دادند که مه‌آفرید توانست مبلغ ۳ هزار میلیارد تومان یا ۲۸۰۰ میلیارد تومان را از شبکه‌های بانکی ایران به سرقت ببرد. به نوشته رسانه‌های ایران این بزرگ‌ترین اختلاس در کل تاریخ ایران بوده است.

خامنه‌ای در ارتباط با پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک‌های ایران، با بیان این که رسانه‌ها «نباید این قضیه را کش دهند» گفت که «عده‌ای می‌خواهند از این حوادث برای زدن توی سر مسئولین سوءاستفاده کنند.»

خامنه‌ای در دیدار با مردم تبریز بدون اشاره مستقیم به فایل صوتی منتشر شده در خصوص فسادهای صورت گرفته توسط سرداران سپاه گفت: دشمن ملت را هدف گرفته و تلاش می‌کند ملت ایران را از این راه برگرداند. وسیله آن‌ها فشار اقتصادی و لجن‌پراکنی است. یک روز به مجلس تهمت می‌زنند، یک روز به شورای نگهبان و امروز نوبت سپاه است. اگر از خشم مردم نمی‌ترسیدند به امام هم اهانت می‌کردند.

این سخنان رهبر جمهوری اسلامی را به نوعی می‌توان حمایت مستقیم از فرماندهان فاسد سپاه خصوصاً باقر قالیباف و عزیز جعفری حساب کرد، هرچند که بر اساس این فایل‌ها، مشخص است که رهبر ایران چندان از ماجرا دور هم نبوده و در بعضی از حساب و کتاب‌ها نقش داشته است.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده طی این سال‌ها، «شرکت گروه توسعه اقتصادی یاس» مشهور به «هولدینگ یاس» بازوی اصلی بنیاد تعاون سپاه بود که در حوزه خدمات، واسطه‌گری و مسکن فعالیت داشت. این هولدینگ در واقع نقش خزانه نیروی قدس سپاه را بازی می‌کرد.

بر اساس فایل صوتی منتشر شده صادق ذوالقدرنیا در این فایل صوتی می‌گوید خامنه‌ای دستور داده بود که هدف اصلی باید کمک به نیروی قدس سپاه باشد و بر همین اساس از منابع مالی باید ۹۰ درصد را به نیروی قدس سپاه بدهند و ۱۰ درصد را به سپاه.

وقتی خود خامنه‌ای چنین دستوری می‌دهد که از پول ملت و شهرداری تهران، خرج حضور نیروهای نظامی اش در منطقه شود تا بتواند اهداف توسعه طلبان‌های را که نه مبتنی بر منافع ملی بلکه استوار بر ایدئولوژی او است را گسترش دهد، آیا می‌توان انتظار داشت که او امروز طلب‌کار مفسدان باشد؟ طبیعی است که حامی اصلی سرداران نامبرده شده در آن فایل صوتی خود خامنه‌ای است و گرنه باقر قالیباف امروز در راس مجلس نشسته بود و جای صدها فعال سیاسی، مدنی، صنفی، روزنامه‌نگار و ... امروز در زندان بود، سپاه قدس هم جای قلدری برای ملت در حال پس دادن حساب و کتاب‌ها بود و قرار گاه خاتم ابرکارفرمای کشور نشده بود تا هیچ شرکت خصوصی توان نفس کشیدن از ش گرفته شود.

البته این فرمان بر کش ندادن فساد اقتصادی مربوط به این دوره نیست و در زمان احمدی‌نژاد هم دیدیم چه‌طور او چشم بر فسادهای اقتصادی دوره احمدی‌نژاد بست و در خصوص پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بانک‌های ایرانیان دستور داد قضیه را کش ندهند.

خامنه‌ای از آغاز دوران رهبری با اتکای به تمایل بخش‌هایی از نظام جمهوری اسلامی به قداست بخشیدن به رهبر یا ولی فقیه در برابر نظارت رسمی و قانونی بر نهاد رهبری مقاومت کرده است و دامنه این رهایی و معافیت را به تدریج به نهادهای زیر نظر خود گسترش داده است. نهادهایی که در حال حاضر بیش از نیمی از اقتصاد کشور را در اختیار دارند. تعداد این نهادها و فساد آن‌ها موضوع تحقیقات بسیاری از محققان و روزنامه‌نگاران بوده است.

در کنار این روش، او هر جا که لازم بوده برای دفاع از رفتارها یا فساد افراد و گروه‌های نزدیک به خود که در فضای عمومی افشا شده وارد عمل شده است و بی‌پروا و بی‌شرم و ترس مقام مذهبی و «مقدس» خود را خرج دفاع از مفسدان اقتصادی کرده و به تندی افشاکنندگان فساد را سرزنش کرده است. معروف ترین این اتفاقات وقتی افتاد که در سال ۱۳۹۰ رسانه‌ها ماجرای فساد ۳۰۰۰ میلیارد تومانی را افشا کردند. این فساد در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری محبوب او انجام شده

بود و برخی مقامات و هفت بانک دولتی در این فساد دخیل بودند. خامنه‌ای پس از مقدمه‌ای در مضرات فساد، ناگهان با لحنی عوامانه و عجولانه که حیرت افکار عمومی را برانگیخت، گفت: «رسانه‌ها نباید این قضیه (نوشتن در مورد فساد) را کش بدهند. این استدلال نشان می‌دهد که او آن اندازه که نگران آبروی مسئولان (یا نزدیکانش) است نگران فساد و تضییع آن‌چه در زبان مذهبی بیت‌المال یا حق مردم گفته می‌شود، یا ترویج این سوءاستفاده‌ها نیست.

یکی دیگر از مواردی که او به دفاع جدی از فساد پرداخت و اجازه نداد تا ابعاد آن به طور رسمی روشن یا به لحاظ قضایی و قانونی پیگیری شود فساد قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، و محمدباقر قالیباف بود. در بهمن ماه ۱۴۰۰ رادیو فردا فایل شنیداری یکی از جلسات تعدادی از فرماندهان سپاه (از جمله فرمانده سابق سپاه پاسداران عزیز جعفری) را منتشر کرد. این گفت‌وگوی ضبط شده از فساد مالی محمد باقر قالیباف، سرداران سپاه و رییس فعلی مجلس شورای اسلامی و قاسم سلیمانی به طور مفصل پرده برداشت. حاضران در جلسه می‌گویند که به رهبری (یعنی خامنه‌ای) هم گزارشات مربوط به فساد داده شده است. اما خود او چند روز پس از درز این گزارش با لحنی عصبانی و تند آن را توطئه‌ی دشمن دانست که ارکان انقلاب یعنی سپاه را هدف گرفته است و گفت «به مراکزی که در پیشرفت انقلاب نقش داشتند، تهمت می‌زنند؛ یک روز به مجلس شورای اسلامی، یک روز به شورای نگهبان و یک روز به سپاه؛ امروز نوبت سپاه است؛ به سپاه تهمت می‌زنند و لجن‌پراکنی می‌کنند در ضمن به شهید بزرگوار شهید سلیمانی.» بنابراین امید به رسیدگی به این پرونده‌های فساد به یاس تبدیل شد. اگر دفاع از قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس که خامنه‌ای قدرت منطقه‌ای خود را مدیون او بود، نوعی قدردانی از او بود، دفاع یا همکاری و همراهی با سایر مفسدانی که شخصیت‌های مهم و غیرقابل جایگزینی هم نیستند توجیهی ندارد جز این که خامنه‌ای به هر دلیلی علاقمند به کار با مفسدان است.

محمدباقر قالیباف که به فاسدترین سردار شهرت دارد یکی از این شخصیت‌هایی است که پرونده‌های فساد متعدد از مشاغل متعدد خود دارد، چه از دورانی که رییس ستاد مبارزه با مواد مخدر بود تا زمانی که به مقام شهردار تهران رسید. با این که برخی از نزدیکان او مانند عیسی شریفی معاون قالیباف در شهرداری تهران، برای فساد محاکمه شده و در حال حاضر در زندان‌اند اما فساد قالیباف و خانواده‌اش و برخی چهره‌های معروف سپاه مورد بررسی قرار نگرفت و در عوض قالیباف پیوسته به مشاغل بالاتر ارتقا داده شد.

خامنه‌ای هم‌چنین در ماجرای بورسیه‌های «غیرقانونی» در وزارت علوم که در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد اتفاق افتاده بود و دولت روحانی آن را در خرداد ۱۳۹۳ افشا کرد، وارد عمل شد و آن را کار «غلطی» خواند. دولت احمدی‌نژاد به جای بورسیه دانشجویان ممتاز، تعداد زیادی از آشنایان و فرزندان مقامات را با این که معدل‌های پایین داشته‌اند، بورسیه کرده است. پس از این که رسانه‌ها درباره تعداد و نام برخی از این دانشجویان، که فرزندان مقامات بودند، نوشتند، خامنه‌ای از این که دولت این موضوع را «روزنامه‌ای» کرده به شدت انتقاد کرد و این کار را ظلم به این دانشجویان دانست و گفت: «علاوه بر این که ظلم هم شد - به خیلی‌ها ظلم شد - هم خلاف قانون بود این کار، هم خلاف تدبیر بود این کار، هم خلاف اخلاق بود.» فرجی دانا وزیر علوم وقت پس از مدتی استیضاح شد و یکی از اتهاماتش انتشار و گزارش این بورسیه‌ها بود.

گذشته از فساد اقتصادی، خامنه‌ای در برابر فساد اخلاقی افراد نزدیک به خود نیز سکوت و به این ترتیب از آن‌ها حمایت کرده است. یکی از مهم‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین این موارد، ماجرای سوءاستفاده جنسی سعید طوسی از کودکان و نوجوانان بود که در سال ۱۳۹۵ افشا شد. طوسی قاری قرآن محبوب خامنه‌ای است و در جلسات بیت برای او قرآن می‌خواند. این پرونده به جایی نرسید و به گفته قوه قضاییه برای سعید طوسی در مورد اتهام آزار جنسی قرار منع تعقیب صادر شد. محمد صادقی نماینده مجلس افشا کرد که نفوذ بیت رهبری باعث تبرئه سعید طوسی از اتهام کودک‌آزاری شده است.

واکنش یا حیرت جامعه ایران از حمایت خامنه‌ای از فاسدان و شعارهای مرگ بر خامنه‌ای در شهرهای ایران باعث نشده است که او از شیوه‌ای که در پیش گرفته، منصرف شده یا در آن تجدید نظر کند. برعکس او با سرسختی اصرار دارد تا همواره اصل موضوع فساد را انکار کند. او در سال ۹۷ در سخنرانی منکر فساد سیستماتیکي شد که برخی از چهره‌های جمهوری اسلامی مانند احمد توکلی در مورد آن هشدار داده و گفته بودند نهادهای مسئول مبارزه با فساد مانند قوه قضاییه، نیروی انتظامی، مجلس یا سازمان بازرسی کل کشور نهادهای پاکی نیستند و خودشان به درجاتی از فساد مبتلا هستند. توکلی از این هم فراتر رفته بود و گفته بود که فساد می‌تواند باعث سقوط نظام جمهوری اسلامی شود. شاید دور از واقعیت نباشد که گفته شود به همین دلیل است که خامنه‌ای که به گفته خودش از همه مسایل اطلاع دارد، بعد از افشای این همه پرونده فساد از مسئولان نظام، نخواستہ است به این موضوع توجه کند و حتی به صورت ظاهری و برای اقناع افکار عمومی، یک سال را سال «مبارزه با فساد» نام دهد زیرا فساد راه او برای خرابکاری در کار دولتهایی بود که به او نزدیک نبودند، و نیز برای کنترل و تصاحب تدریجی قدرت بوده است.

عیسی شریفی سپر بالای افراد اول پرونده‌ها شده است. این رویه قبلا در پرونده مرتضی رفیقدوست برادر محسن رفیقدوست سرپرست بنیاد مستضعفان هم اتفاق افتاده بود و فردی که به حکومت وابستگی نداشت در این پرونده اعدام شد و مرتضی رفیقدوست حکم زندان گرفت. در پرونده فساد ۳۰۰۰ میلیارد تومانی هم مه‌آفرید خسروی اعدام شد.

فصل چهارم

شاخص فلاکت در ایران

ایران در میان ۲۰ کشور جهان با بالاترین شاخص فلاکت. شاخص فلاکت هانکه عواملی چون تورم و بیکاری را در مورد کشورهای مختلف جهان محاسبه و آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کند. در این رتبه‌بندی زیمبابوه در رتبه اول و سوئیس در رتبه آخر قرار دارد.

به گزارش تجارت نیوز، ۱۲ خرداد ۱۴۰۲، وضعیت زندگی انسان‌ها و میزان شادی آن‌ها در یک طیف گسترده قرار می‌گیرد و در مورد هر انسان متفاوت است. اما در حوزه اقتصادی، نقطه مقابل شادی، یعنی فلک‌زدگی، ناشی از تورم بالا، هزینه‌های بالای استقراض و بیکاری است و فقط از طریق رشد اقتصادی می‌توان به کاهش این فلاکت کمک کرد. مقایسه شاخص فلاکت کشورهای جهان می‌تواند میزان شاد یا غمگین بودن کشورهای مختلف را نشان دهد.

شاخص فلاکت هانکه (HAMI) هر سال میزان بیکاری و تورم را در مورد کشورهای جهان مشخص و آن‌ها را دسته‌بندی می‌کند.

شاخص فلاکت هانکه چیست؟

شاخص فلاکت معیاری برای سنجش مشکلات اقتصادی است. قبلاً با مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم محاسبه می‌شد. هرچه شاخص فلاکت بالاتر باشد، وضعیت یک اقتصاد وخیم‌تر می‌شود.

آرتور اوکون، اقتصاددان، شاخص فلاکت را در دهه ۱۹۷۰ ایجاد کرد. او که در تلاش بود تا راهی برای سنجش رفاه عمومی مردم آمریکا بیابد، معتقد بود که نرخ بیکاری و نرخ تورم دو عامل مهمی هستند که زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بعدها، رابرت بارو، استاد دانشگاه هاروارد با اضافه کردن نرخ بهره، این شاخص را اصلاح کرد. و اکنون، استیو هانکه آن را تغییر داد.

او می‌گوید: «من نسخه بارو از شاخص فلاکت را با جایگزین کردن شکاف تولید با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه و جایگزینی بازده اوراق قرضه ۳۰ ساله دولتی با نرخ‌های بهره اصلاح کردم. از این گذشته، نرخ‌های بهره بالاتر به معنای هزینه بالاتر اعتبار و سختی بیش‌تر برای وام‌گیرندگان است.»

آخرین شاخص فلاکت استیو هانکه نرخ بیکاری را دو برابر می‌کند و بر اساس آن کشورها را رتبه‌بندی می‌کند. او در وبلاگ خود می‌گوید: «شاخص فلاکت نباید مجموع ساده‌ای از تورم و بیکاری، بلکه معیار بیکاری باید وزن سنگین‌تری در این اندازه‌گیری داشته باشد.»

بنابراین، برای اولین بار، شاخص فلاکت سالانه هانکه در سال ۲۰۲۲ مولفه نرخ بیکاری را دو برابر کرده است. بر این اساس ایران در میان ۱۵۷ کشور جهان با شاخص فلاکت ۷۳/۳ در رتبه ۱۹ فلاکت قرار می‌گیرد و عاملی که بیش‌ترین تاثیر را در این فلاکت دارد، تورم است.

در این رتبه‌بندی کشور زیمبابوه، فلک‌زده‌ترین کشور جهان و کشور سوئیس خوشبخت‌ترین آن‌هاست. پس از آن کویت در رتبه دوم و ایرلند در رتبه سوم قرار می‌گیرد.

نگرانی از فرهنگ فقر

نویسندگان این پژوهش هم‌چنین از یک «نگرانی بزرگ» صحبت می‌کنند که از دیدگاه آن‌ها، «تقویت فرهنگ فقر» نام دارد. این مفهوم می‌گوید «زندگی در شرایط فقر و فشار اقتصادی، بیکاری و پایین بودن دستمزد از زمینه‌های شکل‌گیری فرهنگ فقر است. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های فرهنگ فقر، توجه شدید به زمان حال و اکنون همراه با ناتوانی از چشم‌پوشی موقت از برخی چیزهای خوشایند، به دلیل چیزهای خوشایند بزرگ‌تر در آینده است. شرایط تورمی به این فرهنگ دامن می‌زند.

مهم‌ترین مکانیزمی که جوانان طبقات پایین برای کنترل و کاهش هزینه‌ها در شرایط تورمی به کار می‌برند، حذف «هزینه‌های غیرضروری است.» آن‌ها سعی می‌کنند با جلوگیری از ریخت و پاش‌های اضافه، حذف فراغت و محدودیت در روابط دوستانه و حضور در مهمانی و مسافرت هزینه‌های خود را جواب دهند. پژوهشی که به آن اشاره

کردیم در این باره به نقل از نوید ۲۷ ساله، مجرد و فروشنده می‌گوید: «... با دوستانم که اصلاً دیگر بیرون نمی‌روم. چون پول می‌خواهد. قبلاً می‌شد کباب بخورم الان فقط می‌توانم فلافل بخورم. مهمانی که اصلاً وجود ندارد و حتی یک تی‌شرت ساده هم نمی‌خرم...» تورم موجب شده تا افراد با دقت و حساب و کتاب بیش‌تری خرید کنند. اما از آن سو، گرانی و تورم اوقات فراغت را نیز کاهش داده است. بخشی از آن به دلیل ناتوانی در تامین هزینه‌ها و به قول مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، «صرفه‌جویی و قناعت» است.

آسیب‌ها و ناهنجاری‌های موجود در روابط روزمره، تعاملات خانوادگی، دوستی و شغلی از پس تورم بالاتر می‌رود. نویسندگان این پژوهش عنوان می‌کنند که از نتایج این مصاحبه‌ها چنین برداشت می‌شود که تورم تنها سبب تضعیف، سستی و کم‌رنگ شدن حمایت‌ها و پشتیبانی‌های خانواده‌ها از یکدیگر نشده، بلکه موجب روابط تصنعی شده است. در این پژوهش ذکر شده که بر اساس آنچه مشارکت‌کنندگان از تجربه خود نقل کرده‌اند، حمایت‌های متقابل بین خانواده‌ها کاهش یافته و اعتماد و صمیمیت نیز میان افراد خانواده و اقوام و نزدیکان کمتر شده است. حتی روابط همسایگی نیز مانند گذشته نیست و بسیار محدودتر شده است. براساس آنچه مشارکت‌کنندگان جوان این پژوهش گفته‌اند، والدین دیگر قادر نیستند مانند گذشته فرزندان خود را حمایت کنند، صمیمیت و گفت‌وگوهای خانوادگی کم‌رنگ شده و رابطه زندگی با شادمانی و محبت را کاهش داده است و در مواقعی که خانواده‌ها دور هم باشند هم بحث و جدل مالی بسیار غالب است. سعید ۲۶ ساله و مجرد در این باره می‌گوید: «...کلاً رفت و آمدها قطع شده و کسی دعوت نمی‌کند از بس هزینه‌ها بالا رفته... اگر هم دعوت بشویم اغلب نمی‌رویم چون با خود می‌گوییم از کجا بیاوریم که کادو بدهیم؟»

میانگین تورم

میانگین تورم سالانه در استانه رکوردزنی ۷۸ سال گذشته است. براساس آخرین اعلام مرکز آمار، تورم سالانه اردیبهشت‌ماه به ۴۹/۱ درصد رسیده است. این تورم به جز سال ۱۳۷۴ که عدد ۴۹/۴ درصد را ثبت کرده، طی ۷۸ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. دولت بنا بود تورم را مهار کند. هم از ابتدای روی کار آمدن، این قید را برای خود گذاشته بود

و هم امسال با تعیین شعار مهار تورم، بر این وعده تاکید دوباره کرد. اما نه در دو سال گذشته دولت توفیقی در نصف شدن و تکرقمی شدن تورم به دست آورد و نه در دو ماه ابتدایی امسال توانست افسار تورم را بکشد.

برنامه‌هایی برای کنترل نقدینگی چیده شد. شتاب رشد تورم که در پایان سال ۱۴۰۰ به نزدیک ۴۰ درصد رسیده بود، در سال گذشته تا سطح ۳۲ درصد کنترل شد. اما این برنامه‌ها هم نتوانست منجر به مهار تورم شود.

برخی تحلیل‌گران می‌گویند احساس ناامیدی و انتظار برای بدتر شدن وضعیت، این رشد کم‌سابقه را سبب شده است. اما برخی دیگر علاوه بر این گزاره، بر محدودیت منابع ورودی تا زمان بن‌بست روابط خارجی تاکید دارند.

دلایل بروز تورم به قدری گفته شده که دیگر برای همه آشناست. همه کارشناسان هم بر علت‌العلل تحریم‌ها توافق دارند. بنابراین تا زمان وجود علت اصلی هر طرح و برنامه‌ای از سوی هر جناح و تفکری چیده شود، نمی‌تواند موثر واقع شود.

واقعیت آن است که تورم ثبت‌شده چهره نامطلوبی در اردیبهشت‌ماه داشته است. روغن‌ها و چربی‌ها ۲۵۱ درصد در یک سال گذشته رشد قیمت پیدا کرده است. گوشت قرمز و مرغ ۸۳ درصد رشد داشته و شیر، پنیر و تخم‌مرغ در یک سال ۹۰ درصد افزایش قیمت داشته است. در مجموع تورم سالانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در اردیبهشت‌ماه ۷/۷۵ درصد برآورد شده که رقم قابل‌توجه و جهش کم‌سابقه‌ای است. با وجود رشد بالای تورم در اردیبهشت‌ماه، مسئولان با اشاره به کاهش تورم ماهانه، مهار رشد قیمت‌ها را نوید داده‌اند. درست است که تورم ماهانه اردیبهشت با کاهش ۹۹ درصدی به ۲/۸ درصد رسیده است، اما هم‌چنان رشد تورم ماهانه بالایی محسوب می‌شود.

وضعیت نامطلوب گرانی، در تورم نقطه‌به‌نقطه بیش‌تر محسوس می‌شود. نرخی که برای تورم اردیبهشت در مقایسه با اردیبهشت سال قبل اعلام شده ۵۴/۴ درصد است. تورم نقطه به نقطه بالای ۵۰ درصد از اسفند ۱۴۰۱ آغاز شد و در فروردین به ۵۵/۵ درصد رسید.

تورم نقطه‌به‌نقطه ممکن است در خردادماه کاهش قابل‌توجهی داشته باشد. اما باید به این نکته مهم توجه کرد که کاهش تورم در خرداد به معنی مهار تورم نیست. با توجه به این که خرداد سال قبل ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شد و قیمت کالاهای اساسی تا ۵ برابر

افزایش یافت، مقایسه تورم خرداد امسال با خرداد سال گذشته، اگرچه کاهش را نشان می‌دهد، ولی می‌تواند همراه‌کننده باشد چراکه عملاً مهار تورم اتفاق نیفتاده و این افت یک کاهش فنی خواهد بود.

رصد برنامه‌های دولت در کنار نشانه‌هایی که از عدم تغییر سیاست خارجی می‌رسد و همچنین کسری‌های دائمی بودجه، تحلیل‌گران را به این نتیجه رسانده که نه تنها مهار تورم اتفاق نمی‌افتد، بلکه باید منتظر تورم سه‌رقمی نیز باشیم.

دولت یک کار سخت پیش رو دارد. علاوه بر چالش مهم در روابط خارجی که قطعاً و حتماً باید در دست اصلاح باشد، اعتماد مردم را نیز باید ترمیم کند. بی‌اعتمادی مردم باعث انتظارات تورمی شده است. این انتظارات خود به خود به جهش قیمت‌ها دامن می‌زند و اگر حتی ذخایر ارزی هم پر شود و نقدینگی کنترل شود، باز هم پایین آوردن روند رشد قیمت‌ها به آسانی صورت نخواهد گرفت.

در این شرایط اتخاذ هر سیاست کلان اقتصادی نیز با مانعی به نام بی‌اعتمادی مواجه است. هرگونه اصلاح قیمتی از سوی دولت با اعتراض و عدم پذیرش مردم همراه می‌شود چراکه در سال‌های قبل بارها از سوی دولت بازی خورده‌اند. مصداق آن دعوت به سرمایه‌گذاری در بورس بود که خیل عظیم سرمایه‌ها را از دست سرمایه‌گذاران خرد ربود. نااطمینانی‌های پیاپی به طرح و برنامه‌های دولت امروز خود را در جهش قیمت‌ها که بخش قابل‌توجهی از آن انتظاری است، نشان می‌دهد.

ایران با شاخص فلاکت ۹۲/۱ در رتبه هشتم کشورهای دارای شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۰ قرار دارد. بر اساس اعلام «پایگاه اطلاعاتی استاتیتستا» یکی از ابزارهای مهم برای مقایسه توسعه در کشورهای جهان، شاخص توسعه انسانی است که معیارهایی مثل امید به زندگی و درآمد ناخالص ملی را در نظر می‌گیرد چراکه شرایط اقتصادی بر امید به زندگی تاثیر می‌گذارد. با در نظر گرفتن این موارد یافته‌های شرکت تحقیقاتی استاتیتستا حکایت از آن دارد که در سال ۲۰۲۰ میلادی ایران با ۹۲/۱ در رتبه هشتم شاخص فلاکت در جهان قرار داشت.

ونزوئلا رتبه اول بدبخت‌ترین کشورهای دنیا را به خود اختصاص داد و کشورهای زیمبابوه، سودان، لبنان، سورینام، لیبی و آرژانتین در رتبه‌های دوم تا هفتم قرار دارند و ایران نیز در رتبه هشتم قرار گرفته است.

شاخص فلاکت، یک مفهوم و نشانه اقتصادی است که آرتور آکان، اقتصاددان بریتانیایی، آن را با افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم، تعریف کرد به این معنی که تورم و بیکاری فراینده یک کشور را با خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو کرده و شاخص فلاکت را در آن بالا می‌برد.

استیو هانکه، استاد اقتصاد دانشگاه جانز هاپکینز، در گفت‌وگو با ایسنا دلیل اصلی بالا بودن شاخص فلاکت اقتصادی در ایران را تورم دانسته و کاهش ارزش ریال را نیز به‌عنوان مهم‌ترین عامل بالا بودن تورم نام برده است. به‌گفته او «میزان رضایت مردم یک کشور از وضعیت اقتصادی زمانی به اوج می‌رسد که شاهد یک رشد اقتصادی قوی، نرخ بیکاری و تورم پایین و نرخ بهره کم بانکی باشیم».

استیو هانکه با بیان این‌که ایران در میان ۱۵۶ کشور جهان در رتبه هشتم شاخص فلاکت قرار دارد، گفت: «تورم بالا اصلی‌ترین دلیل بالا بودن شاخص فلاکت اقتصادی در ایران و کاهش ارزش ریال، مهم‌ترین عامل بالا بودن تورم است. از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون ارزش ریال مقابل دلار ۴۴ درصد کاهش یافته و نرخ تورم سالانه ایران نیز در حال حاضر ۴۰ درصد است».

همچنین گزارش روزنامه همشهری در اردیبهشت سال ۱۴۰۰، نیز نشان می‌دهد دو استان مرزی کرمانشاه و کردستان در پایان سال ۱۳۹۹ از لحاظ شاخص فلاکت صدرنشین بودند و جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری این دو استان در غرب کشور به بالای ۵۸ درصد رسید. پس از آن استان‌های هرمزگان، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان شمالی و لرستان به ترتیب بالاترین رتبه را کسب کرده و شاخص فلاکت آن‌ها بالای ۵۰ درصد روایت شده است. همچنین سیستان و بلوچستان، گلستان، کرمان، ایلام، همدان، آذربایجان غربی، یزد و خوزستان در سال ۱۳۹۹ با شاخص فلاکت بالاتر از میانگین کل کشور مواجه بوده‌اند.

در نگاه کلی، معیار اصلی سنجش شاخص فلاکت فقر و محرومیت است. در سال‌های اخیر افزایش نابرابری‌های اجتماعی، کوچک شدن سفره مردم، بیکاری، تورم، فقر فراینده، بحران کرونا و تحریم‌های بین‌المللی از جمله عواملی هستند که بخش زیادی از جمعیت کشور را از داشتن حداقل‌های یک زندگی همراه با آرامش و رفاه ربوده و بسیاری از آن‌ها را به زیر خط فقر کشانده است. پاییز سال ۱۳۹۹، مدیرکل دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس ایران اعلام کرد ۳۵ درصد جمعیت کشور زیر خط

فقر هستند اما احمد توکلی، نماینده پیشین مجلس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام این فروردین سال ۱۴۰۰ از قرار داشتن ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر خط «فقر فرضی» خبر داد و گفت: «گرسنگی و فقر در ایران معنادار» شده است. به این ترتیب فقر مطلق در ایران، به گواهی آمار و ارقامی که منتشر می‌شود به مرز هشدار رسیده است. اگرچه آماری که مسئولان و برخی پژوهشگران از جمعیت افراد فقیر و خط فقر در جامعه ارائه می‌دهند با هم فرق دارد اما حتی استناد به آماری که مسئولان منتشر می‌کنند حکایت از آن دارد که فقر و تنگناهای اقتصادی در ایران، بیداد می‌کند. کافی است به برخی آمارهایی که در یک سال اخیر درباره جمعیت فقیر در کشور و خط فقر مطلق منتشر شده نگاهی بیاندازیم.

پیامدهای فقر

خانواده‌ای که به فقر دچار می‌شود نه تنها در تامین امکانات رفاهی و آموزشی فرزندان خود ناتوان است که در تهیه خوراک و پوشاک مناسب هم برای آن‌ها با چالش مواجه می‌شود اما فقر به غیر از گرسنگی پیامدهای دیگری هم دارد که از آن جمله می‌توان به بیماری، بی‌سوادی، افزایش بزه کاری، اعتیاد، کار اجباری کودکان و ازدواج زودهنگام دختران اشاره کرد. در سال‌های اخیر بسیاری از خانواده‌ها به دلیل ناتوانی در تامین هزینه‌های زندگی کودکان خود آن‌ها را از ادامه تحصیل منع کرده و به بازار کار فرستادند، همچنین دختران زیادی در سن کودکی به خانه شوهر فرستاده شدند تا یک نان خور اضافه از سفره پدر کم شود.

چالش‌های خروج از فقر

فقیر بودن یک مسئله مخاطره‌آمیز است اما شاید خطرناک‌تر از آن افتادن افراد زیادی از جمعیت یک جامعه در «تله فقر» باشد. تله‌ای که خروج از آن به راحتی امکان‌پذیر نیست. چون فقر پیامدهایی مثل بی‌سوادی، تبعیض، کاهش کیفیت زندگی، سوءتغذیه و بیماری را به همراه دارد؛ بنابراین حتی اگر یک فرد که در چرخه فقر گرفتار شده امکان بازیابی خود را پیدا کند خروج از چرخه فقر به راحتی برای او امکان‌پذیر نیست. برای نمونه فردی که در نتیجه فقر، بیمار شده و امکان پیگیری روند درمان خود را در

زمان مناسب نداشته، احتمال دارد که دیگر نتواند هیچوقت از پیامدهای فقر نجات پیدا کند، حتی اگر دیگر فقیر نباشد اما مسئله این است که شرایط امروز ایران حتی مجالی برای افراد ایجاد نمی‌کند که از فقر خارج شوند تا بخواهند پس از آن به خروج از تله فقر بیاورند.

در دسترس نبودن امکانات آموزشی برای افراد فقیر نیز نکته مهم دیگری است. هم‌اکنون در بسیاری از نقاط محروم و حاشیه کشور، امکانات آموزشی برای کودکان وجود ندارد و آن‌ها مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. به گزارش فرارو از طرف دیگر دسترسی به آموزش دانشگاهی مورد توجه است که آن هم به دلیل پولی بودن بسیاری از صندلی‌های دانشگاه فقط در اختیار اقشار خاصی قرار دارد بنابراین، کسی که در یک خانواده فقیر به دنیا آمده و ناچار است برای امرار معاش به خانواده‌اش کمک کند، احتمالاً از دسترسی به تحصیلات تکمیلی هم باز می‌ماند و این یعنی احتمال خروج او از «چرخه فقر» و حتی خروج نسل بعدی او از این چرخه هم کاهش پیدا می‌کند.

فقر، تمام فرصت‌های پیش روی یک جامعه را می‌بلعد و امکان توسعه را محدود می‌کند. گسترش فقر به معنای گسترش بیماری، کم شدن تحصیلات دانشگاهی، مهاجرت، گسترش اقتصاد غیر رسمی و افزایش فساد و جرم عمومی است و جامعه‌ای که روز به روز شهروندانش از طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط می‌کنند، در معرض مخاطراتی قرار دارد که بیرون آمدن از آن‌ها در کوتاه‌مدت ممکن نیست.

طی یک دهه اخیر 11 میلیون نفر دیگر به جمعیت فقیر ایران افزوده شده‌اند

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که نهادی حکومتی است، نشان می‌دهد طی یک دهه اخیر ۱۱ میلیون نفر دیگر به جمعیت فقیر ایران افزوده شده‌اند. براساس گزارش این مرکز، خط فقر در سال‌های پایانی دهه ۹۰ نیز رشد صعودی داشت، اما این روند در سال ۱۴۰۱ شتاب فزاینده‌ای گرفت و رشد نزدیک به ۶۵ درصد را رقم زد، در حالی که نرخ خط فقر یک دهه پیش حدود ۳۰ درصد بود.

خط فقر در شهریورماه ۱۴۰۰ نیز با رشدی ۵۰ درصدی مواجه شد و برای یک خانواده چهار نفری با هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ثبت رسید؛ حال آن که یک سال قبل از آن، نرخ خط فقر برای همین خانواده چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود.

به گزارش وبسایت اقتصادی اکو ایران، خط فقر به این معنا است که خانوارهایی که کمتر از رقم مشخص درآمد داشته باشند نگرانی‌هایی در مورد امنیت غذایی آن‌ها وجود دارد، اما به معنای آن نیست که با هزینه بالاتر زندگی در رفاه خواهد بود؛ بنابراین نرخ فقر آشکار می‌کند که چند درصد از یک جمعیت مشخص کمتر از خط فقر درآمد دارند. داده‌های آماری حاکی از آن است که سال ۱۴۰۰ دست‌کم ۲۶ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند. همچنین نرخ فقر برای خانواده‌های روستایی بالغ بر ۳۵ درصد، خانواده‌های شهری نزدیک به ۲۹ درصد و در کل کشور بیش از ۳۰ درصد بود. مقایسه این آمار با سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در مدت یک دهه، ۱۱ میلیون نفر دیگر از جمعیت ایران به زیر خط فقر سقوط کردند. این آمار چنانچه گزارش مرکز آمار نیز نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافت.

ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۱ با وعده «جراحی اقتصادی» برای نجات دولت سیزدهم از کسری بودجه، خیز برداشت و با حذف ارز ترجیحی افزایش چندین برابری کالاهای و خدمات را در کشور رقم زد. گزارش‌های آماری و داده‌های میدانی نشان می‌دهد نرخ برخی کالاهای خوراکی از تیرماه گذشته که حذف ارز ترجیحی آغاز شد تا پایان سال، بیش از ۲۰۰ برابر بیش‌تر شد.

۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند

اکنون تحلیل‌های اقتصادی از شرایط موجود نشان می‌دهد که جمعیت فقیر ایران، فاصله بسیار محسوسی از خط فقر دارند. طبق مصوبه دولت ابراهیم رئیسی، حداقل دستمزد کارگران در سال جاری بین هفت تا هشت میلیون تومان است، درحالی‌که این رقم، نرخ خط فقر در دو سال گذشته بود.

نهادهای وابسته به حکومت، از جمله مرکز آمار و مرکز پژوهش‌های مجلس، همواره تلاش می‌کنند شاخص‌های فقر و فلاکت را با دست‌کاری و عددسازی پایین بیاورند تا نرخ تورم و فقر را کاهشی نشان دهند با این حال، حتی این مراکز هم قادر نیستند حقایق مربوط به بحران اقتصادی را کنترل کنند.

به‌تازگی حسین راغفر، اقتصاددان، با پرده برداشتن از آمارهای وخیم اقتصادی گفت که نزدیک به ۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند و از حداقل‌های

زندگی محروم‌اند. او هم‌چنین تاکید کرد: «اوضاع به‌مراتب بدتر و وخیم‌تر از آمار و ارقامی است که ارائه می‌شود.»

راغفر که در جریان حذف ارز ترجیحی کالاها هشدار داده بود این اقدام به افزایش بی‌سابقه تورم منجر می‌شود، در سخنان اخیرش نیز گفت: «قطعا می‌توان سهم رفاه در کشور را بدون درآمدهای نفتی هم افزایش داد، اما مسئله اصلی این است که این سیستم قادر به افزایش رفاه برای مردم کشور نیست.»

نتایج یک کار پژوهشی در موسسه دولتی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نشان می‌دهد ایران در سالی که علی خامنه‌ای آن را «کنترل تورم و رشد تولید» نامیده است، در رتبه چهارم جهان از نظر تورم مواد غذایی قرار دارد.

اگر جمعیتی که در محرومیت کامل زندگی می‌کنند به شمار افرادی که طی سال‌های اخیر به زیرخط فقر سقوط کردند، افزوده شود، عددی از جمعیت فقیر ایران به دست می‌آید که حیرت‌آور و نگران‌کننده است.

خبرهایی که درباره کاهش سرانه مصرف انواع خوراکی‌ها، فروش اعضای بدن، کوچ اجاره‌نشین‌ها به حاشیه شهرها، خانه‌های اجاره‌ای اشتراکی و پشت‌بام خوابی منتشر می‌شود، از این حقیقت پرده برمی‌دارد که مردم ایران در طول چهار دهه حکمرانی جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌های خود را از دست داده‌اند و اکنون برای تامین حداقل‌های زندگی با دردرسر مواجه‌اند.

فصل پنجم

اشتغال و بیکاری در ایران

از جمعیت ۶۴ میلیون نفری در سن اشتغال تنها ۲۳ میلیون و ۴۳۰ نفر در زمستان ۱۴۰۱ شاغل بودند. بر این مبنا نرخ واقعی بیکاری بزرگ‌تر از ۶۳ درصد است.

آخرین گزارش سرشماری نیروی کار ایران در فروردین ماه ۱۴۰۲ می‌گوید استان کردستان با ۲۰/۵ درصد بالاترین نرخ بیکاری را در زمستان ۱۴۰۱ داشته است و کرمانشاه با ۱۵/۱ درصد دومین استان به لحاظ درصد بیکاری است. نرخ واقعی بیکاری از آن‌چه که در گزارش مرکز آمار اعلام می‌شود، بزرگ‌تر است.

این مرکز نرخ بیکاری کشور در زمستان سال قبل را ۹/۷ درصد اعلام کرد در حالی که از جمعیت ۶۴ میلیون و ۶۹ هزار نفری در سن اشتغال فقط ۲۳ میلیون و ۴۳۶ هزار نفر شاغل بودند.

بر پایه گزارش مرکز آمار در زمستان ۱۴۰۱ نزدیک به ۶۰ درصد (۳۸ میلیون و ۱۰۷ هزار نفر) به لحاظ مشارکت اقتصادی غیرفعال بودند و دو میلیون و ۵۲۶ نفر از ۲۵ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر فعال هم بیکار.

البته این مرکز کارگران بدون مزد، دانش‌آموزان و دانشجویان، کاروان، سربازان نیروی انتظامی و هر فردی که در طول هفته تنها یک ساعت کار کرده باشد را شاغل محسوب می‌کند.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های اخیر زیر تاثیر رکود اقتصادی مستمر شده است، و با توجه به سرکوب مزدی کارگران از یک‌سو و افزایش هزینه تولید به دلیل بحران ارزی از سوی دیگر، انتظار می‌رود روند کاهش ادامه یابد.

از دیگر نکات قابل توجه گزارش مرکز آمار اشتغال ناقص ۴۴ درصد از جمعیت شاغلان در زمستان ۱۴۰۱ است. یکی از نتایج اشتغال ناقص درآمد کمتر است.

همانند دوره‌های پیشین نرخ بیکاری زنان نزدیک به دو برابر گروه مردان بود: ۱۵/۷ درصد زنانی که بر اساس تعریف مرکز آمار فعال اقتصادی محسوب می‌شوند، بیکار

بودند و ۸/۵ درصد مردان. نرخ بیکاری زنان نسبت به زمستان ۱۴۰۰ هشت دهم درصد بزرگ‌تر شد در حالی که در گروه مردان تنها یک دهم درصد افزایش یافت. نسبت جمعیت دارای شغل به جمعیت در سن اشتغال نشان می‌دهد در زمستان ۱۴۰۱ تنها ۳۶/۶ درصد از جمعیت در سن اشتغال بر اساس تعریف مرکز آمار دارای شغل بودند و ۶۳/۴ درصد بیکار.

نرخ مشارکت اقتصادی زنان هم‌هم‌چنان کم‌تر از ۱۵ درصد (۱۳/۳ درصد)، معادل یک پنجم مردان (۶۷/۸ درصد) بود.

در رده‌بندی استانی هم کردستان به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی اعتراضات به قتل ژینا (مهسا) امینی بود و دامنه اعتراضات در آن‌جا نسبت به دیگر مناطق گسترده‌تر، بیش‌ترین جمعیت بیکار را داشت. ۲۰/۵ درصد جمعیت فعال اقتصادی این استان در زمستان بیکار بودند که این رقم در مقایسه با زمستان ۱۴۰۰ افزایش حدود چهار درصدی را نشان می‌دهد.

تداوم اعتصاب‌های عمومی در کردستان که نسبت به دیگر مناطق گسترده بود و مجازات اعتصاب‌کنندگان از سوی حکومت می‌تواند یک عامل موثر در افزایش چهار درصدی نرخ بیکاری این استان باشد.

استان کرمانشاه، دیگر منطقه‌ای که کانون اعتراض بود هم با نرخ ۱۵/۱ درصد دومین استان بیکار بود. دامنه اعتراضات در برخی شهرهای کرمانشاه، از جمله جوانرود و کرمانشاه گسترده بود و سرکوب معترضان نیز خونین و مرگ‌بار. کرمانشاه در دهه ۹۰، همواره در شمار یکی از سه استان با بالاترین نرخ بیکاری قرار داشت.

چهارمحال و بختیاری (۱۳/۵)، لرستان (۱۲/۸)، همدان (۱۲/۳) و آذربایجان غربی (۱۲/۱) درصد در رتبه سوم تا ششم بالاترین نرخ بیکاری قرار گرفتند. چهارمحال بختیاری و لرستان از جمله استان‌هایی هستند که کسر زیادی از نیروی جویای کار آن‌ها در پروژه‌های نفت و گاز جنوب مشغول به کار هستند.

توزیع جغرافیایی بیکاری بر اساس آمار رسمی بیانگر وضعیت نامساعد استان‌های غربی و محور زاگرس است که نتیجه سیاست‌های توسعه نامتوازن است.

خوزستان، اردبیل، سیستان و بلوچستان، گیلان، هرمزگان از دیگر استان‌هایی بودند که نرخ بیکاری دو رقمی داشتند. خوزستان در حالی در شمار استان‌های با نرخ بیکاری قرار دارد که بیش‌ترین سهم را در تولید ناخالص ایران دارد. وضعیت در سیستان و بلوچستان

که از هشتم مهر ۱۴۰۱ قانون اعتراض‌های هفتگی شد هم در همه سال‌های گذشته نامساعد گزارش شده و این استان محروم‌ترین منطقه ایران است. افزایش شمار بیکاران در پایان سال ۱۴۰۱ ناتوانی دولت ابراهیم رئیسی، عضو هیئت مرگ در کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ خورشیدی را نشان می‌دهد که وعده کرده بود سالانه یک میلیون شغل جدید ایجاد کند. کارنامه یک سال و نیم نخست این دولت اما تنها تغییر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تحمیل فقر بیش‌تر بر کارگران است. به باور فعالان کارگری، کارشناسان منتقد دولت و حتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نرخ واقعی بیکاری از آنچه که در گزارش‌های رسمی بیان می‌شود، بزرگ‌تر است. نسبت نیروی دارای شغل با جمعیت در سن اشتغال هم این موضوع را تایید می‌کند: تنها ۳۶/۶ درصد از جمعیت در سن اشتغال بر اساس تعریف مرکز آمار در زمستان دارای شغل بودند و ۶۳/۴ درصد بیکار.

نابرابری جنسیتی در بازار کار

هم‌زمان با کاهش دنباله‌دار مشارکت اقتصادی که جمعیت فعال اقتصادی را به یکی از کم‌ترین نرخ‌های مشارکت در دهه‌های اخیر رسانده است، شکاف جنسیتی در بازار کار به روند فزاینده خود ادامه می‌دهد. در بهار امسال نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۳/۷ درصد گزارش شد که یک پنجم نرخ مشارکت اقتصادی مردان (۶۹/۱ درصد) است. با وجود این که حضور زنان در بازار کار به دلیل سیاست‌های تبعیض‌آمیز و محدودیت‌های وضع شده از سوی حکومت در مقایسه با مردان اندک است، نرخ بیکاری این گروه بیش‌تر از دو برابر نرخ بیکاری مردان برآورد شده است. مرکز آمار نرخ بیکاری مردان را ۷/۵ درصد و نرخ بیکاری زنان را ۱۵/۶ درصد گزارش کرد. «اشتغال خانگی» که یکی از سیاست‌های دولت برای بیرون راندن زنان از محیط کار جمعی و کارگاه‌ها است و هم‌چنین مشاغل فصلی که در دو فصل بهار و تابستان زنان کارگر را با دستمزد اندک جذب می‌کنند، می‌توانند دو عامل افزایش اندک شمار زنان شاغل در بهار امسال باشد. رفع محدودیت‌های وضع شده به منظور کنترل همه‌گیری کرونا هم می‌تواند یکی دیگر از دلایل افزایش کم شمار زنان شاغل که بخش زیادی از آنان در بخش خدمات مشغول به کار هستند، باشد.

در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال که در گزارش رسمی به عنوان «نیروی کار جوان» شناخته می شود هم نرخ بیکاری زنان (۲۷/۸ درصد) بیش از دو برابر مردان (۱۲/۹ درصد) است. این وضعیت نابرابر و تبعیض آمیز در بیکاران دانش آموخته دانشگاهی نیز به چشم می خورد؛ در حالی که ۱۳/۲ درصد مردان دانش آموخته دانشگاهی در هفته منتهی به آمارگیری بیکار بودند، این شاخص برای زنان ۲۲/۳ درصد گزارش شد. سیاست های محدود کننده دولت در باره حجاب و پوشش زنان در محل کار و همچنین سیاست های جمعیتی که معطوف به خانه نشین کردن زنان است، می تواند در فصل های بعدی نرخ مشارکت اقتصادی زنان را از آنچه که هست کمتر کند و در برابر آن نرخ بیکاری آنان را افزایش دهد.

نابرابری جغرافیایی

فاصله نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری در میان استان های ایران به ترتیب به ۱۲/۱ درصد و ۱۰ درصد می رسد. کهگیلویه و بویراحمد ۳۵/۷ درصد کم ترین نرخ مشارکت اقتصادی - به معنای جمعیت شاغل یا جویای کار در هفته آمارگیری - را دارد و پس از آن سیستان و بلوچستان (۳۶ درصد) قرار دارد. بیش ترین نرخ مشارکت اقتصادی هم به استان های زنجان (۴۷/۸ درصد) و یزد (۴۶/۸ درصد) تعلق دارد. فارس (۳۶/۹)، قم و مرکزی (۳۷/۱) و گلستان (۳۷/۲) از دیگر استان های با نرخ مشارکت پایین تر از ۴۰ درصد هستند.

نرخ بیکاری استان کرمانشاه ۱۵/۴ درصد اعلام شده است. پس از آن نیز هرمزگان (۱۵/۳)، خوزستان (۱۴/۱)، لرستان (۱۲/۸)، سیستان و بلوچستان (۱۲/۸) و اصفهان (۱۲/۳) قرار دارند. کردستان، چهارمحال و بختیاری و یزد هم سه استان دیگر با نرخ بیکاری بزرگ تر از ۱۰ درصد هستند.

کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، لرستان، خوزستان و هرمزگان که نرخ بیکاری بزرگ تر از ۱۲ درصد را تجربه کردند از مناطق سکونت اقلیت های ملی و مذهبی در ایران به شمار می روند.

نرخ بیکاری در اصفهان به عنوان یکی از قطب های صنعتی ایران در مقایسه با بهار ۱۴۰۰ بیش از سه درصد افزایش یافته است. خوزستان هم به عنوان قطب انرژی و

صنعت شاهد افزایش یک درصدی نرخ رسمی بیکاری بوده است. افزایش نرخ بیکاری در این دو استان می‌تواند نتیجه تامین نشدن حق‌آبه و ممنوعیت کشت کشاورزان باشد. کشاورزان در سال گذشته بارها در اعتراض به تامین نشدن حق‌آبه تجمع کردند. چندی قبل استاندار همدان نرخ بیکاری اعلام شده را «غیر واقعی» خوانده و گفته بود: «آمار اشتغال در همدان غیر واقعی است، نرخ بیکاری استان همدان بر روی کاغذ، جدول و نمودار در وضعیت خوبی قرار دارد اما در ارتباط مستقیم با مردم استان، موجی از بیکاری را شاهد هستیم.»

علیرضا ورناصری، نماینده مسجد سلیمان در مجلس شورای اسلامی هم هم‌زمان با سفر وزیر کشور به استان خوزستان، گفته بود که بیکاری ابر مشکل حوزه انتخابیه او است.

شعبده‌بازی‌های مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران

مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران با یک تاکتیک دو مرحله‌ای، آمار پایین بیکاری را پایین می‌برد: در محاسبه افراد شاغل محدودیتی ندارد اما در محاسبه افراد بیکار برعکس است و به شدت تنگ‌نظر و محدودگرایانه عمل می‌کند. یعنی هر که را دوست دارد شاغل به حساب می‌آورد و در مقابل برای این که کسی را بیکار بداند تا دل‌تان بخواهد اما و اگر می‌گذارد و جمعیت را هر چه می‌تواند محدودتر می‌کند.

اگر به عنوان مثال، یک خانواده ۵ نفره، پدر خانواده با وجود داشتن مهارت فنی و یا تحصیلات دانشگاهی، کارگر ساده روزمزد باشد ولی به دنبال شغل بهتری هم نگردد؛ مادر خانواده با این که تحصیلات دارد ولی امیدی به یافتن کار نداشته باشد؛ سه فرزند خانواده هم دانشجوی، سرباز و یا فارغ‌التحصیل از دانشگاه باشد که روزها بدون دستمزد درب مغازه یکی از نزدیکان خود وقت می‌گذرانند براساس تعریف مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در این خانواده صفر است. این نرخ صفر بیکاری به معنای اشتغال ۱۰۰ درصدی همه اعضای خانواده نیست، بلکه شعبده و بازی با روش‌های آمارگیری است تا بیکاری ۸۰ درصدی در این خانواده، صفر اعلام شود.

برای درک شعبده‌ای که در نتیجه آن این آمارها به دست می‌آیند باید مفاهیم پایه‌ای را دانست. براساس روش آمارگیری مرکز آمار ایران، تمام افرادی که در طول هفته

مرجع (یک هفته قبل از نمونه‌گیری آماری)، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند.

به بیان دیگر اگر شما در هفته گذاشته به مدت یک ساعت به جای برادران درب مغازه‌اش ایستاده باشید و برای این یک ساعت ۱۰ هزار تومان از او پول گرفته باشید، به جمعیت شاغلان کشور اضافه شده‌اید. حتی اگر این اتفاق تا یک سال دیگر هم تکرار نشود مهم نیست شما تا سال آینده در خیل شاغلان کشور طبقه‌بندی شده‌اید.

اما نکته مهم‌تر این است که حتی اگر شما بدون مزد هم برای برادران کار کرده باشید، در مزرعه فامیل‌هایتان به آن‌ها در برداشت یا کاشت محصول یاری رسانده باشید، در کارگاه دوست‌تان به او برای سفت کمک کنید و پولی هم نگرفته باشید باز هم جزو جمعیت شاغلان محسوب می‌شوید. یعنی صرف انجام کار بدون وجود مناسبات مزدی هم اشتغال محسوب می‌شود.

سومین ترفند مرکز آمار، این است که اگر در جایی کارآموز باشید و هیچ الزام برای به‌کارگیری هم وجود نداشته باشد، مزدی هم در کار نباشد باز هم شاغل هستید.

چهارمین نکته این‌که اگر برای فرار از سربازی یا به امید یافتن شغل بهتر یا آموختن مهارت در مراکز فنی و حرفه‌ای مشغول آموزشید یا در دانشگاه‌ها به تحصیل مشغولید باز هم شاغل به حساب می‌آیید.

پنجم این‌که اگر سربازی هم رفته باشد باز هم شما شاغلید.

ششم این‌که اگر شما کار موقت با ساعت محدود و مزد اندک دارید ولی به شدت به دنبال یافتن کار بهتری هستید باز هم شاغلید. به این گروه افراد با اشتغال ناقص می‌گویند.

پس حتی اگر خودتان کاری که به آن مشغولید را شغل در نظر نگیرید باز هم شاغلید.

به این ترتیب معیارها برای این‌که چه کسی شاغل است آن قدر بی‌حساب و کتاب است که بخش زیادی از جمعیت در هر گروه سنی به‌ویژه جوانان می‌توانند در آن قرار بگیرند در حالی که در واقعیت این جمعیت بزرگ بیکارند.

برای نمونه به گفته معاون وزارت ورزش و جوانان، ۴۲ درصد افراد در سن ۱۸ تا ۳۵ سالگی در ایران به تحصیل در دانشگاه و یا دیگر مراکز حرفه‌آموزی مشغولند. این ۴۲ درصد هم اکنون به عنوان شاغل محاسبه می‌شوند در حالی که نه مشغول به کارند و نه درآمدی دارند.

چه کسی بیکار است؟

در روش آمارگیری مرکز آمار ایران کسی بیکار است که اولاً در هیچ کدام از گروه‌های بالا نباشد (یعنی دانشجو، سرباز، کارآموز، محصل و کمک‌کننده به خانواده و دوستان بدون مزد و کسانی که اشتغال ناقص دارند) و دوم این که مشغول به کار تمام‌وقت و پاره‌وقت نباشد و سومین و مهم‌ترین مسئله این که «به صورت فعال» به دنبال پیدا کردن شغل باشد.

یعنی از جمعیت باقی‌مانده پس از کسر گروه‌های بالا، اگر شما ناامید از یافتن شغل باشید یا راه پیدا کردن شغل را بلد نباشید یا درخواست شغل به کسی نداده باشید با وجود این که بیکارید و مایل به کار کردن هم هستید باز هم بیکار محسوب نمی‌شوید. در این صورت شما را «جمعیت غیرفعال» در نظر می‌گیرند. پس برخلاف گروهی که مرکز آمار آن‌ها را شاغل در نظر می‌گیرد، وقتی می‌خواهد کسی را بیکار بداند آن قدر شرط و شروط محدودکننده وضع کرده که تنها درصد اندکی از جمعیت بیکار را دربر می‌گیرد.

وضعیت بیکاری در ایران

داده دیگری در جداول آماری وجود دارد که به آن «نرخ مشارکت» می‌گویند. نرخ مشارکت از تقسیم جمعیت فعال (کسانی که با تعریف مرکز آمار شاغلند به علاوه کسانی که با همین تعریف در جستجوی کارند) بر جمعیت در سن کار (۱۵ سال و بیش‌تر). حاصل این کسر در ۱۰۰ ضرب می‌شود و نرخ مشارکت به دست می‌آید. با همین آمار دست‌کاری شده و معمول مرکز آمار ایران نرخ مشارکت در ایران این چنین است: در مجموع حدود ۴۲ درصد.

معنای این عدد آن است که تنها ۴۲ درصد از جمعیت کشور که در سن کار کردن هستند در جمعیت شاغلان و بیکاران با همان تعاریف مرکز آمار ایران قرار می‌گیرند و ۵۸ درصد جمعیت یا تمایلی به کار ندارند، در جست‌وجوی کار نیستند، ناامید از یافتن شغلند یا وضع‌شان به شکلی است که در دو گروه شاغل و بیکار قرار نمی‌گیرند. آمار رسمی بازار کار در دو دهه گذشته، نشان می‌دهد جمعیت فعال کشور تقریباً ثابت مانده و به جمعیت غیرفعال افزوده شده است. به بیان دیگر، نرخ مشارکت در روندی

نزولی قرار گرفته است. این نشانه بیماری در اقتصاد ایران است چرا که به صورت طبیعی و با توجه به هرم جمعیتی ایران در این دوره زمانی که بیش تر جمعیت جوان داشته است می بایست نرخ مشارکت متناسب با ورودی های جدید به سن کار صعودی می شد. معنای این کاهش نرخ مشارکت آن است که در دهه گذشته به خیل جمعیتی که امیدی به یافتن کار در بازار بی قاعده مشاغل در ایران دارند افزوده شده است.

بیکاری در میان زنان

این آمار وقتی بر اساس جنسیت در نظر گرفته شود گویای واقعیتی تلخ در بازار کار ایران است. نرخ مشارکت مردان حدود ۶۹ درصد و نرخ مشارکت زنان در سن کار حدود ۱۴ درصد است. به بیان دیگر ۸۶ درصد زنان ایرانی براساس تفسیر مرکز آمار ایران به دنبال کار نبوده اند و تنها ۱۴ درصد آن ها یا شاغلند و یا بیکار و به صورت فعال در جست و جوی کار.

براساس نتیجه تحقیقی که مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی انجام داده است، نرخ مشارکت زنان در ایران یکی از پایین ترین نرخ های مشارکت در مقایسه با سایر کشورهاست و تنها در شش کشور فلسطین (نوار غزه و کرانه باختری)، اردن، عراق، سوریه، الجزایر و افغانستان نرخ مشارکت زنان کم تر از ایران بوده است. این موضوع باعث شده است که نرخ مشارکت کل در بازار کار ایران یکی از پایین ترین نرخ های مشارکت در جهان باشد.

شکاف میان دستمزد و هزینه ها

مشکلات جامعه کارگری به نبود امنیت شغلی و کارهای سخت محدود نمی شود؛ بزرگ ترین مسئله آن ها دریافت حقوق کم است؛ به طوری که درآمد آن ها با واقعیات روز جامعه فاصله ای زیاد دارد.

نماینده های جامعه کارگری هزینه سبد معیشت یک خانواده چهار نفری را بر اساس ۳۳ قلم کالای ضروری حدود ۱۰ میلیون تومان تخمین زده اند. این رقم را بانک مرکزی نیز برای خط فقر اعلام کرده و این در حالی است که حقوق کارگران در بهترین حالت هم چنان از هشت میلیون تومان فراتر نمی رود.

دستمزد کارگران را با هزینه‌های جاری زندگی، هیچ خوانایی ندارد. دستمزدها دست کم سه برابر زیر خط فقر است. به عبارت دیگر، کارگران با دستمزد فعلی فقط قدرت تهیه حدود ۳۰ درصد از نیازهای سبد معیشت خود را دارند.

کودک کار و کودک خیابانی

کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند که این امر آن‌ها را در بیش‌تر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آن‌ها را تهدید می‌کند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثمارگری تلقی می‌شود.

کار کودکان بسیار معمول است و می‌تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی‌گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا، گل‌فروشی و...) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی‌ترین شکل‌های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن‌فروشی کودکان است. موارد کم‌تر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت‌ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان می‌باشد. کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. کار کودکان همچنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد.

بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده‌وار، روسپی‌گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر سرنوشت‌های کودکان قاچاق است

موضوع کودکان کار موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است و عوامل گوناگونی در آن اثر گذار هستند. از جمله حرص و ولع سرمایه‌داری، عدم توجه دولت‌ها، ساختار خانواده، فقر،

تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و ... (که منجر به مهاجرت به کشورهای همسایه برای کار با دستمزد بیش‌تر می‌شود) و هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست. کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به‌سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فسادو... قرار گیرند. و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیش‌تر از این کودکان سلب می‌کند. کودک خیابانی کودک بی‌خانمانی است که دوره‌ای از زندگی خود را در خیابان سپری می‌کند. کودک خیابانی یک ناهنجاری اجتماعی است.

کودک خیابانی بر اساس ماده یک پیمان‌نامه حقوق کودک، به افرادی اطلاق می‌شود که زیر ۱۸ سال می‌باشند، در خیابان زندگی و کار می‌کنند. خانواده ندارند و یا امکان دسترسی به خانواده برخی از آن‌ها وجود ندارد و بازگشت آن‌ها نیز به خانواده امکان دارد و خانواده نیز منتظر بازگشت آن‌ها است و همین‌طور کودکانی که خانواده منتظر آنان نمی‌باشد.

عواملی مانند سیاست‌های اقتصادی حاکمیت، ناکامی خانوادگی، جنگ، فقر، حوادث و سوانح طبیعی یا انسانی، سوءاستفاده توسط بزرگسالان، مهاجرت و خشونت از مهم‌ترین عوامل کشانده شدن کودکان به خیابان‌ها هستند.

بازماندن از تحصیل، خانه و کاشانه نامناسب، قرار داشتن در معرض استفاده افراد سودجو، احتمال آلوده شدن به مصرف مواد مخدر از حداقل تهدیدهایی است که کارشناسان علوم اجتماعی برای زندگی کودکان کار خیابانی مطرح می‌کنند که همین مسایل توجه به ساماندهی آنان را ضروری کرده است.

بخش عمده‌ای از فشار اقتصادی خانواده در مناطق کم‌تر توسعه یافته و محله‌های فقیرنشین حاشیه شهر، بر روی شانه‌های نحیف این دختران و پسران کم سن سال و سال است آنان با فعالیت‌هایی چون واکس زدن کفش‌ها، گل‌فروشی، فال‌فروشی، دست‌فروشی، اسفند دود کردن، شیشه پاک‌کنی و سایر مشاغل کاذب و آسیب‌زننده مشغول کسب درآمدی اندک هستند.

کارشناسان حوزه اجتماعی اعتقاد دارند که فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی روزبه‌روز بر تعداد کودکان کار و خیابانی می‌افزاید.

کودکان کار خیابانی نان آوران کوچکی هستند که به دلایل مرگ، بیماری یا اعتیاد والدین خود برای تامین مخارج زندگی خود و خانواده‌هایشان چاره‌ای جز انجام فعالیت‌های کاذب به‌صورت مداوم ندارند.

بازماندن از تحصیل، خانه و کاشانه نامناسب، قرار داشتن در معرض استفاده افراد سودجو، احتمال آلوده شدن به مصرف مواد مخدر از حداقل تهدیدهایی است که کارشناسان علوم اجتماعی برای زندگی کودکان کار خیابانی مطرح می‌کنند که همین مسایل توجه به ساماندهی آنان را ضروری کرده است.

بخش عمده ای از فشار اقتصادی خانواده در مناطق کم‌تر توسعه یافته و محله‌های فقیرنشین حاشیه شهر، بر روی شانه‌های نحیف این دختران و پسران کم سن سال و سال است آنان با فعالیت‌هایی چون واکس اندک هستند.

کارشناسان حوزه اجتماعی اعتقاد دارند که فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی روزبه‌روز بر تعداد کودکان کار و خیابانی می‌افزاید.

مروئه وامقی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی و پژوهش‌گر حوزه کودکان کار و خیابان به ايسنا، ۲۲ خرداد ۱۴۰۱، می‌گوید: براساس مطالعات انجام شده در این حوزه بخش قابل توجهی از کودکان خیابانی تحت تاثیر یکی از انواع آزارهای خیابانی از جمله خشونت‌های کلامی و خشونت‌های جسمی که بعضا ممکن است از سوی مردم اتفاق بیفتد را تجربه می‌کنند.

وی ادامه می‌دهد: این کودکان از سوی ماموران ساماندهی کودکان خیابانی نیز خشونت‌هایی را تجربه می‌کنند؛ کودکانی که دست‌فروشی می‌کنند در معرض دید ماموران بوده و خشونت‌های جسمی و روانی در قالب جمع کردن وسایل شان، پس ندادن وسایل آن‌ها و... از سوی برخی ماموران تجربه می‌شود. بخش دیگری از خشونت‌ها نیز مربوط به حضور در خیابان است. به‌طور مثال این کودکان در هوای بسیار گرم یا سرد و در شرایطی که افراد در خودروهای خود بخاری یا کولر روشن کرده‌اند، ساعتها

سر چهارراه‌ها مشغول به کار هستند و این موضوع بسیار مهم است. برخی از کودکان کار خیابانی نیز به دلیل حضور در خیابان تصادف کرده و صدمه می‌بینند.

۳ درصد این کودکان جایی برای «خواب» ندارند

حدود ۱۴ درصد تجربه تصادف با خودرو دارند

وامقی با اشاره به میزان خشونت‌های جنسی وارد شده به کودکان کار خیابانی اظهار می‌کند: در مورد خشونت‌های جنسی نیز می‌توان حدس زد که وجود دارد، هرچند که در مطالعه انجام شده آمار آن چندان بالا نبوده و خشونت‌های جنسی در مقایسه با خشونت کلامی کم‌تر گزارش شده است؛ اما در بخش کیفی مطالعه، کودکان کار و حتی پسران مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند.

این پژوهش‌گر حوزه کودکان کار و خیابان با اشاره به پژوهش انجام شده در سال ۱۳۹۶ در حوزه خشونت‌های وارده بر کودکان کار و خیابان با جامعه آماری ۸۵۰ کودک خیابانی در ۶ استان کشور، یادآور می‌شود: براساس مطالعات انجام شده ۱۳/۸ درصد از کودکان خیابانی تجربه تصادف با ماشین را داشته‌اند. ۲۲/۷ درصد با سرما یا گرمای شدید روبه‌رو بوده، ۲۰/۰۷ درصد گرسنگی را تجربه کرده و ۳ درصد هم جایی برای خواب نداشته‌اند. ۲ درصد کودکان کار و خیابان از سوی برخی مردم مورد «توهین و کتک» قرار گرفته‌اند. به گفته وی و بر اساس مطالعات صورت گرفته، ۲۱ درصد از کودکان خیابانی از سوی برخی مردم و ۱۵/۴ درصد از سوی ماموران مورد توهین و کتک قرار گرفته‌اند، ۱/۶ درصد از آن‌ها مورد آزار جنسی قرار گرفته و ۳۴ درصد از آن‌ها هیچ یک از انواع آزار را تجربه نکرده‌اند.

این عضو هیات علمی دانشگاه علوم توان‌بخشی و سلامت اجتماعی با تاکید بر این که به‌طور کلی کودکان کار و خیابان بیش‌تر مورد خشونت‌های کلامی قرار می‌گیرند، اظهار می‌کند: در جمعیت عادی کودکان نیز خشونت روانی در صدر خشونت‌ها قرار دارد و بعد از آن خشونت جسمی و جنسی است.

این پژوهش‌گر حوزه کودکان کار و خیابان با اشاره به این که بخشی از کودکان خیابانی دارای خانواده‌های آسیب‌دیده و پرمشکلی هستند، می‌گوید: یکی از مسائلی که باعث می‌شود این کودکان به سطح خیابان بیایند خشونت‌های داخل خانه است که آن‌ها برای این که خشونت‌های خانه را کمتر تحمل کنند به خیابان می‌آیند اما متأسفانه در خیابان هم امنیتی وجود ندارد و خشونت را به شکل چندجانبه تجربه می‌کنند.

وامقی در پاسخ به این سؤال که منشاء خشونت‌ی که از سمت جامعه علیه کودکان کار و خیابان وارد می‌شود، چیست؟ می‌گوید: به‌نظر بخشی از خشونت‌ها مربوط به تفکری که درباره علت حضور این کودکان در خیابان وجود دارد، است؛ به‌عبارتی دیگر به این سؤال که چرا این کودکان در خیابان هستند به‌خوبی پرداخته نشده است...

این عضو هیات علمی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی بیش‌ترین علت کار کودکان را اغلب ناشی از فقر، عدم دسترسی به آموزش و تعدد فرزندان عنوان می‌کند و می‌گوید: این کودکان کاسب حرفه‌ای نیستند و به اندازه سن‌شان برخورد می‌کنند. نباید واکنش یک فرد بزرگ‌سال را از این کودکان داشت. از سوی دیگر، برخی افراد تصور می‌کنند اگر از کودکان دست‌فروش خرید نکنند، کار آن‌ها کم خواهد شد. ممکن است این سؤال مطرح شود که باید با کودکان کار و خیابانی چگونه برخورد شود؟ واقعیت این است که برای انجام دادن کار اصولی در راستای کاهش کار کودکان، مطمئناً خرید نکردن راه اصلی نیست، بلکه باید دستگاه‌ها و ارگان‌ها والدین آن‌ها را توانمند و برای آن‌ها اشتغال ایجاد کنند.

الهه خوشنویس، روان‌شناس و فعال حقوق کودک نیز با اشاره به نبود آمارهای قابل استناد از تعداد کودکان کار در کشور و با بیان این‌که گرچه با وجود سازمان‌های متعدد متولی موضوع کودکان کار، هیچ آمار رسمی قابل استنادی از تعداد کودکان کار اعلام نمی‌شود، به ایسنا گفت: این‌که در دوران پاندمی کرونا و تورم، بحران اقتصادی و مشکلات معیشتی ناشی از آن، تعداد کودکان کار به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و در واقع کودکان به‌عنوان یکی از ضعیف‌ترین حلقه‌های اجتماعی از قربانیان اصلی این وضعیت بوده‌اند، موضوعی غیرقابل انکار است، چراکه وقتی خانواده دچار بی‌کاری، فقر و استیصال شود به ناچار برای بقا خود، فرزندش را وارد بازار کار می‌کند.

وی با با کودکان کار و خیابان اظهار کرد: مردم باید آگاه باشند که این کودکان به‌ترحم نیاز ندارند؛ در مواجهه با این کودکان در خیابان، پشت چراغ قرمز و... یا زمانی که برای فروش کالا، شستن شیشه اتومبیل و... مراجعه می‌کنند آن‌ها را نادیده نگیریم، البته این رفتار به این معنا نیست که آن‌ها را سؤال پیچ کنیم که چند سالت؟ خونه‌ات

کجاست؟ پدر و مادر داری؟ مدرسه میری؟ چرا توی این گرما یا سرما کار می‌کنی؟ چه کسی به کار مجبور کرده است؟

این فعال حقوق کودک با اشاره به این که نباید به کودکان کار به عنوان افرادی اضافی و بزه‌کار نگاه شود، تاکید کرد: زمانی که کودکان کار و خیابانی برای ارائه خدمات‌شان سماجت می‌کنند نباید به آن‌ها توهین و پرخاش شود.

خوشنویس در پاسخ به این پرسش که با چه روش‌هایی می‌توان به کودکان کار و خیابانی کمک کرد؟، گفت: با افزایش جمعیت، با افزایش فقر و با گسترش جهانی شدن اقتصاد، استثمار، ظلم و تجاوز به کودکان افزایش یافته است، اما به طور کلی ابعاد مختلف فقر (فقر اقتصادی، فقر اجتماعی و فقر فرهنگی) عوامل اصلی تشدیدکننده آن هستند. این فعال حقوق کودک، اظهار کرد: کار کودک یعنی آن‌چه که فعالین حقوق کودک همواره برای مقابله با آن تاکید دارند چراکه موجب محروم شدن کودک از حضور در مدرسه و آموزش کودک در ابعاد مختلف ذهنی، روانی، اجتماعی و اخلاقی و آسیب به وی می‌شود، در نتیجه به منظور پیش‌گیری و مقابله با این آسیب‌ها لازم است افراد اطلاعات خود را در زمینه پیش‌گیری از کار کودک و نحوه برخورد با این کودکان افزایش دهند و تلاش کنند که آگاهی عمومی در این مورد نیز افزایش یابد. همچنین افراد می‌توانند برای ترویج حقوق کودکان و نیز مقابله با کار کودک در فعالیتهای اجتماعی و سازمان‌های مردم نهاد همکاری کنند و در صورت امکان با حمایت مالی از پروژه‌های آنها در این زمینه حمایت کنند.

وی همچنین از مردم خواست تا نسبت به کار کودک حساس بوده و در زمینه پیش‌گیری، مقابله و تدوین قوانین حمایتی از مسئولان مطالبه‌گری کنند.

آمارهای متناقض از کودکان کار در ایران / ۱۴ هزار کودک کار یا ۷۷ میلیون نفر؟ (تجارت‌نیوز ، ۱۲ آبان ۱۴۰۱)

آمار دقیقی از کودکان کار در کشور در دست نیست. اظهارات مقامات از هفت میلیون کودک کار تا هفت هزار نفر در سال‌های اخیر متغیر بود. در جدیدترین اظهارنظر، سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفته ۱۴ هزار کودک کار در کشور داریم که نیمی از آن‌ها شناسایی شده‌اند.

به گزارش تجارت نیوز، دسترسی به آمار کودکان کار در ایران از آن دست آماری است که حکم گذراندن هفت خان رستم را دارد. با گذراندن هفت خان هم به آمار رسمی وزارتخانه‌ای نمی‌رسید. یکی می‌گوید هفت میلیون کودک کار در ایران داریم و آن یکی می‌گوید هفت هزار نفر.

آمارهای جدید از کودکان کار در ایران، بار دیگر وضعیت نگران‌کننده آن‌ها را پیش روی عموم مردم قرار داد. کودکانی که از حقوق اولیه خود محروم‌اند. در حال حاضر به گفته سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، ۱۴ هزار کودک کار در کشور داریم که نیمی از آن‌ها شناسایی شده‌اند.

۵ مهر سال ۱۳۹۶، ناهید تاج‌الدین، نماینده مجلس شورای اسلامی، گفته بود: کارشناسان مسائل اقتصاد شهری آمار کودکان کار ایران را بین سه تا هفت میلیون عنوان می‌کنند. ضمن این‌که این رقم برای تهران نیز ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.» (خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران)

۲۱ شهریور ۱۳۹۹، حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور: مسئله کودکان کار جزء مسائل اجتماعی پنهان محسوب می‌شوند. طی مطالعاتی که با دانشگاه علوم بهزیستی انجام شد، حدوداً ۷۰ هزار کودک خیابانی در کشور داریم که یک بازه زمانی را در خیابان سپری می‌کنند. البته وضعیت کودکانی که در کارگاه‌ها کار می‌کنند متفاوت است و آمار دقیقی از این افراد در دست نیست.» (ایسنا، ۲۱ شهریور ۱۳۹۹)

۲۳ فروردین ۱۴۰۰، محمود علی‌گو، رییس اورژانس اجتماعی کشور: براساس آمار بهزیستی حدود ۱۴ هزار کودک کار در خیابان در کل کشور تخمین زده شد. براساس اطلاعات سازمان‌های مردم‌نهاد در تهران نزدیک به چهار هزار کودک زباله‌گرد وجود دارد.»

۲۸ تیر ۱۴۰۰، وحید قبادی‌دانا، رییس سازمان بهزیستی کشور: ۱۲ هزار کودک کار و خیابان تحت پوشش خدمات روزانه بهزیستی بودند. با همکاری تشکلهای مردم نهاد این تعداد به ۱۶ هزار نفر افزایش پیدا کرده است.» (خبرگزاری مهر، ۲۸ تیر ۱۴۰۰)

حالا محمدرضا حیدرهای، سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور به ایسنا گفته که بر اساس برآوردها ۱۴ هزار کودک کار و خیابانی در کشور وجود

دارد. تا کنون هفت هزار کودک کار و خیابانی در کشور شناسایی و از این مراکز خدمت دریافت کرده‌اند.

به‌طور کلی گزارش‌های رسمی از وضعیت فعالیت کودکان ۱۰ تا ۱۷ ساله نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۶، از حدود ۹ میلیون کودک، حدود ۴۹۹ هزار نفر کودک فعال بودند. یعنی حدود نیم میلیون کودک یا در جست‌وجوی کار بودند یا شاغل. البته گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار نشان می‌داد که از میان آن‌ها، ۴۱۰ هزار نفر شاغل بودند.

طبق آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۸۵، از مجموع ۱۳ میلیون و ۲۵۳ هزار کودک رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال، سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک به‌صورت مستقیم درگیر کار بوده‌اند و از این تعداد یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر پسر و ۴۰۰ هزار نفر را دختران ۱۰ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دهند.

پس در آن سال طبق آمار فوق، بیش از سه میلیون و ۶۰۰ هزار نفر کودک از حق تحصیل محروم هستند.

سایت فرارو، ۱۸ اسفند ماه ۱۳۸۹، نیز در گزارشی به ارائه آمار دیگر مبادرت ورزیده و می‌نویسد: «گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، بیش از دو میلیون و پانصد هزار کودک کار در ایران وجود دارد که در معرض جدی کودک آزاری جسمی، جنسی و اعتیاد قرار دارند. این در حالی است که به‌نظر خسرو صالحی، فعال حقوق کودکان، در ایران نزدیک به هفت میلیون نفر از این بچه‌ها در کنار ما در حال کار هستند که متأسفانه آمار پنهان مانده‌ای است و دیده نمی‌شود.»

باید توجه داشت که هر کاری که کودکان انجام می‌دهند، شامل کار کودکان نمی‌شود. سازمان بین‌المللی کار هم در این مورد گفته اصطلاح «کودک کار» اغلب به‌عنوان کاری تعریف می‌شود که کودکان را از دوران کودکی، توانایی و منزلت آن‌ها دور کند. بنا بر تعریف این سازمان کاری که برای رشد جسمی و ذهنی مضر است. اما چه کاری برای کودک مضر است؟

بر اساس تعریف این سازمان کاری که از نظر جسمی، اخلاقی و اجتماعی برای کودکان مضر است. کاری که فرصت حضور در مدرسه را از آن‌ها می‌گیرد، یا در تحصیل کودکان دخالت می‌کند.

همچنین کاری که کودکان را به ترک پیش از موعد از مدرسه ملزم می‌کند یا از آن‌ها بخواهد که حضور در مدرسه را با کار بسیار سنگین ترکیب کنند، نیز جزء کار مضر حساب می‌شود.

با پیوستن دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون‌های مربوط به حقوق کودک، منطقاً دیگر می‌بایست افرادی که در فاصله سنی بین صفر تا ۱۸ سالگی قرار دارند، به‌عنوان کودک در نظر گرفته شوند. اما در عرصه قوانین مدنی، کیفری و قانون کار در این عرصه تناقضات بسیاری دیده می‌شود.

برای مثال، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌گوید: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند.» بلافاصله در تبصره همان ماده می‌گوید: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» از طرفی قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۱۲۱ در مورد سن بلوغ شرعی چنین می‌گوید: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.» هر چند مسئولیت کیفری دختران در قانون ایران ۹ سال است اما اگر همان دختر ۱۳ یا ۱۴ ساله شد و جرمی در مورد او رخ داد شهادت او برای دادگاه ارزشی ندارد. بنابراین مفهوم کودک و نوجوان با استناد به قانون مدنی و کیفری در میان دختران و پسران متفاوت است.

یک کودک دختر ۹ ساله همانند یک زن ۵۰ ساله در دادگاه‌ها محاکمه می‌شود چون مبنای این حکم را سن بلوغ شرعی می‌دانند، به‌طوری که در پیمان نامه حقوق کودک، این سن صراحتاً ۱۵ سال اعلام شده است. باز در اینجا مفهوم کودک و نوجوان با استناد به قانون مدنی و کیفری در میان دختران و پسران متفاوت است.

از نظر سیاسی نیز افراد واقع در زیر ۱۶ سالگی بدلیل عدم بلوغ سنی و کودک‌سالی نمی‌توانند در انتخابات سیاسی کشور شرکت کرده و رای دهند.

در قانون تامین اجتماعی تنها فرزندان آن دسته از بیمه شدگان می‌توانند از خدمات بیمه‌ای و درمانی استفاده کنند که دختران تا سن ۲۵ سالگی و پسران تا سن ۱۸ سالگی به‌صورت مجرد در خانه پدری زندگی کنند.

افرادی که زیر ۱۸ سال می‌باشند اجازه درخواست برای گواهی رانندگی را ندارند.

...

این ارقام با توجه به منابع موجود کشور، رقم بسیار نامطلوب و جان‌کاه است. در واقع به جرات می‌توان گفت که در صورت ادامه وضعیت موجود، این امر موجب استمرار فرایند

فقر برای این طیف از کودکان در سنین بزرگسالی می‌شود. در واقع هر ساله پای تعداد بسیار زیادی از کودکان کار به محیط‌های کار دولتی و غیردولتی، باز می‌شود. متأسفانه با وجود این همه کودک محروم از تحصیل در کشور، حتی در هنگام تعیین و تصویب بودجه سالیانه آموزش و پرورش، هیچ بودجه‌ای برای جلب و جذب این کودکان محروم از تحصیل اختصاص داده نمی‌شود.

براساس قوانین جهان‌شمول، دولت‌ها موظف‌اند بدون توجه به موقعیت والدین، امکان تحصیل و بهداشت و درمان کودکان را تا ۱۸ سالگی تامین کند اما در جمهوری اسلامی ایران، کودکان خانواده‌های محروم و فقیر، به‌شدت استعمار می‌شوند و کودکی خود را در فقر و فلاکت و کابوس دایمی سپری می‌کنند و در بزرگسالی نیز نمی‌توانند از این کابوس‌های هولناک رها شوند.

فصل ششم

گرانی و تورم سرسام‌آور

از منظر اقتصادی، تورم و کاهش ارزش پول ملی به آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد که فقر، بالا رفتن سرقت و کیف‌قاپی و زورگیری و اعتیاد و طلاق و... تنها بخشی از آن‌هاست.

«فردا نیوز» - اعتماد، ۹ خرداد ۱۴۰۲، نوشت: نرخ تورم در آخرین آمار اعلام‌شده توسط مرکز آمار در استانه ۵۵ درصد قرار گرفته که نسبت به ۶ سال پیش رشد بسیار بالایی را نشان می‌دهد. این اتفاق چگونه بر سطوح مختلف جامعه تاثیر می‌گذارد؟ از منظر اقتصادی، تورم و کاهش ارزش پول ملی به آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد که فقر، بالا رفتن سرقت و کیف‌قاپی و زورگیری و اعتیاد و طلاق و... تنها بخشی از آن‌هاست.

برای این که بدانیم تورم و افزایش گرانی‌ها چه تاثیری در سطح جامعه داشته به یک شاخص به نام «نزاع ثبت شده در پزشکی قانونی» نگاه می‌کنیم. در سال ۹۶ نزدیک به ۵۴۴ هزار «نزاع» در سازمان پزشکی قانونی ثبت شد. اما ۴ سال بعد این رقم به بیش از ۵۸۶ هزار رسید. آمار پزشکی قانونی می‌گوید در بهار پارسال هم میزان دعا ۸ درصد نسبت به بهار ۱۴۰۰ بالاتر است. اما از سال ۹۲ تا ۹۶ آمار نزاع ثبت شده در پزشکی قانونی از ۶۰۷ هزار به ۵۴۴ هزار مورد کاهش پیدا کرده بود. چه چیزی موجب تغییر این شاخص و معکوس شدن روند نزاع در ایران در اواخر دهه ۹۰ شده است؟

شاید عوامل زیادی موجب چنین چیزی شده‌اند اما بخش بزرگی از آن‌ها را باید در شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم دید. نرخ تورم از سال ۹۲ تا ۹۶ روندی کاهشی طی کرد و از حدود ۳۳ درصد به حدود ۹۹ درصد کمتر شد. اما از سال ۹۶ روند افزایشی به نرخ تورم برگشت تا این که همین امسال به ۵۵ درصد رسید. در واقع اینجا یک اتفاق عجیب افتاده و به ازای افزایش ۱ درصد به تورم، موارد نزاع ۱۲۰۰ مورد بالا رفته است.

یعنی اگر تورم ۱۰ درصد در یک بازه زمانی رشد کرده موارد نزاع ۱۲ هزار مورد بالا رفته است.

حذف کالاهای ضروری از سبد ایرانی‌ها

تورم به حدی رسیده است که شهروندان ایرانی کالاهای اساسی را از سبد خانوار حذف کرده‌اند. مسعود رسولی، دبیر انجمن صنعت گوشت و مواد پروتئینی در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ (۶ اسفند ۱۴۰۱) با اشاره به این که «هر انسان روزانه به حدود ۵۰ گرم پروتئین احتیاج دارد» اعلام کرد: «مردم ایران در سال ۱۳۹۷ سالانه ۱۲ کیلو گوشت مصرف می‌کردند که این آمار در سال جاری به سه کیلوگرم رسیده است.» به گفته دبیر انجمن صنعت گوشت: «در دنیا فقط کشور هند از ما گوشت کم‌تری مصرف می‌کند که آن هم به این دلیل است که تعداد گاوپرستان آن جا زیاد هستند و گوشت قرمز نمی‌خورند.»

بر اساس گزارش‌های رسمی و غیررسمی، قیمت هر کیلوگرم گوشت قرمز در روزهای گذشته به بیش از ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. این رقم در بعضی فروشگاه‌های عرضه کننده مواد پروتئینی تا ۷۵۰ هزار تومان هم گزارش شده است. یکی از شهروندان در مورد حذف و کاهش اقلامی چون گوشت و وسایل بهداشتی به رادیو زمانه می‌گوید:

با یک حساب سرانگشتی مصرف گوشت و مرغ، برای ما که خانواده پنج نفره هستیم، به کم‌تر از ۴۰ درصد رسیده. اول همراه با خانمم مایحتاج ماه آینده را می‌نویسیم، برای اسفند خرید گوشت و بعضی از وسایل بهداشتی را نداریم. یعنی مجبور شدیم حذفش کنیم. چون حقوقم به خریدهای ضروری‌تر مثل برنج و روغن و کرایه خانه نمی‌رسید. یکی دیگر از شهروندان در مورد شیوه مصرف گوشت در آشپزی می‌گوید: «الان تقریباً از نصف قیمه‌ای که قبلاً برای خورشت مصرف می‌کردم، استفاده می‌کنم. حتی تکه‌ها را کوچک‌تر کردم و خودم برای هر کدام از اعضای خانواده یک تعداد می‌کشم. هر ماه کمتر گوشت مصرف می‌کنیم. این مشکلات فقط مال الان نیست، همیشه این‌طوری بوده ولی الان بیش‌تر شده.»

شهروندی دیگر در این رابطه به رادیو زمانه می‌گوید:

بی‌پولی و قید خیلی از چیزها را زدن، قصه هر روزه ماست. واقعا پیش آمده هیچی تو منزل نداشتیم و مجبور شدم نان خالی بخورم. سه ماه هم می‌شود که وعده‌ها را کم کرده‌ام و ساعتشان را جابجا کردم. مثلاً صبحانه را ساعت ۱۱ می‌خورم و ناهار را ساعت ۷ عصر که شام نخورم. گوشت و مرغ را فقط وعده‌ای می‌خرم. آن هم نه کامل، مثلاً فقط یک قسمت مرغ را می‌خرم، آن هم آن قدر کم در آشپزی به کار می‌برم که اصلاً معلوم نیست مرغ دارد.

طبق گزارش‌ها، افزایش قیمت‌ها تمام اقلام خوراکی و غیرخوراکی را دربرگرفته است. در همین زمینه مجید نامی، نایب رییس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرات نساجی و پوشاک گفته است:

با افت قدرت خرید مردم و افزایش قیمت پوشاک نو، تمایل برای خرید لباس دسته دوم سعودی شده.

یکی از شهروندان جوان به رایو زمانه می‌گوید:

من شغل ندارم و از پدرم پول توجیبی می‌گیرم. نه تفریح دارم نه شادی، نه لباس می‌خرم نه کفش، سفر هم نمی‌روم. چند روز پیش پدرم می‌گفتم از این که با این همه کار و عرق‌ریزی، حتی یک قران هم پس‌انداز نداریم، کلافه شده‌ام. دلم نیامد پول توجیبی بگیرم. وقتی پول هم نداشته باشی نمی‌توانی با دوستان حتی برای یک چای خوردن به کافه بروی. قید خیلی چیزها را زدم.

فارغ از کاهش چشم‌گیر مصرف کالاهای اساسی، تمایل مردم به خدمات پزشکی نیز کاهش بی‌سابقه‌ای یافته است، به طوری که برخی از بیماران مصرف داروهای تجویز شده را حذف یا به حداقل رسانده‌اند.

یکی از شهروندان مبتلا به دیابت در این باره به رادیو زمانه می‌گوید: «قیمت داروهای من دو ماه پیش حدود ۸۰۰ هزار تومان بود. حالا رسیده به دو میلیون و سیصد تومان. واقعا پول نداشتم که همه‌اش را بگیرم. دو سه قلم را گرفتم شد یک میلیون. حالم روزبه‌روز بدتر می‌شود. حتی پول ویزیت دکتر را نمی‌توانم پرداخت کنم. یکی از فامیل‌هایمان دانشجوی پزشکی است، همه‌اش از اون مشاوره می‌گیرم. با این حال اجاره‌خانه را دو ماه یک بار پرداخت می‌کنم. خوراکم هم کمتر از نصف شده. یک سال است حتی یه جفت جوراب هم نخریدم.»

شهروندی دیگر در مورد مصرف کالاهای بهداشتی خود می‌گوید:

به دلیل مشکلات پوستی ناچار بودم از وسایل بهداشتی درجه یک استفاده کنم. ولی حالا نمی‌توانم بخرم. درآمد به خرید خوراک و اجاره‌خانه نمی‌رسد، چه برسه به وسایل بهداشتی. شامپو بدنم را تبدیل به صابون کردم. به جایی رسیده‌ام که خجالت نمی‌کشم بگویم موهایم را به خاطر این که زیاد شامپو مصرف نکنم کوتاه کردم. نمی‌دانم از چی بگویم. مصرف میوه‌ام شده دو هفته یک بار، آن‌هم فقط چند عدد.

اگرچه شهروندان ایرانی ناچار به حذف یا کاهش مصرف برخی از اقلام خوراکی و بهداشتی شده‌اند اما مقامات مسئول به جای حل مشکلات در سطح کلان، مردم را به کاهش خواسته‌هایشان دعوت می‌کنند.

در همین زمینه محمد صالحی، رییس هیات مدیره انجمن پسته، با دعوت مردم به مصرف «پسته ریز» گفته است:

افرادی که پسته درشت و مرغوب می‌خواهند هزینه بیش‌تری هم پرداخت می‌کنند، در بازار پسته ۴۰۰ هزار تومانی هم موجود است اما کمی ریزتر است. ما خودمان هم پسته ریز می‌خریم.

با شرایطی که سطح خواسته‌های ضروری مردم به‌طرز چشمگیری کاهش یافته، اما مسئولان نظام گویی برنامه‌ای برای کنترل قیمت‌ها ندارند. احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت رئیسی و یکی از مخالفان تصویب گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، ۲ اسفند سال جاری در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از اقدامات عملی دولت برای اصطلاح شیوه حکمرانی اقتصادی پرسیده بود، گفت: «جلسه بعد مطرح کنید؛ برای این سؤال آماده نیستیم.»

بهمن سال ۱۴۰۱ برای هشتمین ماه پیاپی نرخ تورم سالانه کشور بالای ۴۰ درصد اعلام شد. براساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه‌ای در بهمن ماه ۱۴۰۱ به ۵۳/۴ درصد رسیده است. یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۵۳/۴ درصد بیش‌تر از بهمن ۱۴۰۰ برای خرید یک مجموعه کالا و خدمات یک‌سان هزینه کرده‌اند. براساس این گزارش بیش‌ترین میزان تورم ماهانه در بخش‌های گوشت ۱۰/۵ درصد و سبزیجات ۱۲/۴ درصد به ثبت رسیده است که بالاترین سطح افزایش در میان تمام اقلام ضروری به شمار می‌آید. هم‌چنین نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۱/۳ درصدی به ۷/۵ درصد و «کالاهای غیرخوراکی

و خدمات» با افزایش ۲/۳ درصدی به ۴۳/۵ درصد رسیده است. با این وجود مسئولان جمهوری اسلامی برخلاف وعده‌هایشان پاسخ و برنامه شفاف‌ی در جهت کنترل قیمت‌ها ندارند.

با وجود این که رسانه‌های ایرانی از «اجاره‌بهای دلاری مسکن» در برخی نقاط تهران گزارش می‌دهند و نیز بهای آن موجب افزایش سرسام‌آور کالا و خدمات در کشور شده است، وزیر اقتصاد در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا گفته است: «ترخی که در کانال‌های کاغذی معاملات تلگرامی و قمار انجام می‌شود هیچ ارتباطی با تجارت کشور ندارد». این درحالی ست که به گفته رییس اتحادیه گوشت گوسفندی ایران: «دامداران دام خود را به قیمت دلار عرضه می‌کنند و با وجود تامین جو کیلویی ۱۳ هزارتومانی، یونجه ۹ هزارتومانی، کاه ۶ هزارتومانی، راغب نیستند محصول خود را به تومان به فروش برسانند».

در همین رابطه، ۲ اسفند سال جاری خبرگزاری‌های دولت از راه‌اندازی «مرکز مبادله ارز و طلای ایران» با مصوبه شورای پول و اعتبار خبر دادند. با راه‌اندازی این مرکز، ابراهیم رئیسی، اظهار امیدواری کرد که جلوی افزایش قیمت دلار در بازار آزاد گرفته خواهد شود، و از دستگاه‌های اجرایی دولت خواست تا از سیاست‌های بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز و طلا حمایت کنند.

البته افزایش بهای دلار و قیمت‌ها از سوی شهروندان ایرانی بی‌پاسخ نماند و در روزهای گذشته تجمع‌های اعتراضی در برخی شهرها از جمله تهران و سنج برگزار شد.

یکی از کسبه‌ها در این رابطه به رایو زمانه می‌گوید:

مغازه‌ام خالی شده است، نمی‌توانم جنس جدید بخرم. فروشگاه‌های عمده، فاکتورها را ساعتی اصلاح می‌کنند. با این قیمت دلار هر چیزی را باید چند برابر به مردم بفروشی، خودم خجالت می‌کشم. بعضی‌ها فکر می‌کنند ما داریم گران‌فروشی می‌کنیم، ولی همه چیز مشخص است. وقتی من کالایی را یک ماه پیش ۱۰۰ هزار تومان می‌خریدم امروز باید همان کالا را ۱۷۰ هزار تومان بخرم، پس مجبورم گران‌تر هم به مشتری بفروشم. تا آخوندها سرکار باشند مملکت از این بهتر نمی‌شود.

یکی از بازنشستگان معترض در مورد راه‌اندازی «مرکز مبادله ارز و طلا» در ایران به رایو زمانه می‌گوید:

تاثیری ندارد، هزار وعده برای پایین آوردن قیمت دلار داده‌اند حتی هزار تومان هم کاهش نیافته. مشکل فساد در خون حکومت وجود دارد. من با ۶۳ سال سن یاد نمی‌آید چیزی در ایران ارزان شده باشد. مسئولان نظام همه‌شان مفسدهای اقتصادی هستند، اگر بهترین اقتصاددان‌های جهان هم برای ایران برنامه‌ریزی بکند، باز مشکلی از مشکلات مردم حل نمی‌شود، چون مسئولان عامل اصلی فساد هستند. تنها باید این‌ها بروند تا مردم خیال‌شان آسوده شود.

هزینه‌های رفاهی تورم

تورم هزینه‌های بسیار سنگینی به خانوارها تحمیل می‌کند. در صورتی که افزایش درآمدهای خانوار به اندازه افزایش قیمت‌ها نباشد قدرت خرید خانوارها یا درآمد واقعی خانوار که با تورم تعدیل شده است، کاهش می‌یابد. درآمد واقعی معیاری برای حفظ استاندارد زندگی و رفاه است در نتیجه در شرایط تورمی رفاه خانوارها کاهش می‌یابد. معمولاً افزایش قیمت‌ها به صورت همسان نیست؛ قیمت برخی کالاها و خدمات مانند کالاهای قابل مبادله به صورت روزانه تغییر می‌کند و برخی دیگر مانند دستمزدها که طبق قراردادهای تعیین می‌شود در طول مدت قرارداد ثابت می‌ماند و در اصطلاح اقتصاد چسبندگی دارد. در هر محیط تورمی، افزایش نابرابر قیمت‌ها به ناچار قدرت خرید برخی از مصرف‌کنندگان را کاهش می‌دهد و این فرسایش درآمد واقعی یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌های تورم است.

بررسی تورم در دو گروه عمده خوراکی‌ها و کالاهای غیرخوراکی با توجه به ضریب اهمیت متفاوت این دو گروه بر دهک‌های مختلف درآمدی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. سیاست‌های قیمت‌گذاری که به صورت گسترده بر خوراکی‌ها اعمال می‌شود، رفتار این گروه از هزینه‌ها را معنادار کرده است. در دوره‌هایی که اقتصاد ایران دچار بحران ارزی شده، تورم گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به صورت فزاینده‌ای بیش‌تر از سایر کالاها و خدمات بوده است، مانند بحران ارزی سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱. با توجه به وزن متفاوت کالاها و خدمات در سبد مصرفی خانوارهای مختلف، تاثیرپذیری گروه‌های مختلف درآمدی از تورم به یک میزان نیست.

بررسی وضعیت تورمی دهک‌های اول و دهم در حد فاصل سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که تورم دهک دهم (دهک ثروتمندتر) بالاتر از دهک‌های ضعیف‌تر است. اما از مهر سال ۱۴۰۰ و با روی کار آمدن دولت جدید در ایران، تورم دهک‌های ضعیف‌تر نسبت به دهک‌های ثروتمندتر بیش‌تر بوده و در حال حاضر این فاصله بیش‌تر از ۹ درصد است.

این مسئله به این معناست که وضعیت قشر ضعیف در حال حاضر با سرعت بیش‌تری نسبت به سایر اقشار تضعیف می‌شود. با توجه به تورم بسیار بالاتر اقلام خوراکی و سهم بیش‌تر این گروه از کالاها در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد، وضعیت به وجود آمده قابل پیش‌بینی بوده است.

اما یکی از ریشه‌های اصلی افزایش تورم، تغییراتی است که در متغیرهای پولی کشور ایجاد می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که روند تغییرات اجزای منابع پایه پولی در طول سال‌های گذشته، نقش موثری در بررسی متغیرهای اسمی اقتصاد ایران یعنی پول و تورم دارد.

در دهه شصت و هفتاد، خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی متغیر اصلی افزایش پایه پولی بود. در انتهای دهه شصت، به دلیل عدم امکان تامین مالی از محل بودجه عمومی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیربنایی، شرکت‌های دولتی از منابع بانک مرکزی وام دریافت می‌کردند. نکته دیگر سررسید تعهدات ارزی در اوایل دهه هفتاد است که بازپرداخت بخشی از این بدهی‌ها به همراه کاهش قیمت نفت، موجب افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در قالب حساب ذخیره تعهدات شده است. این دو عامل در عمل به صورت استقراض از بانک مرکزی به منبعی برای افزایش پایه پولی و در نهایت حجم نقدینگی تبدیل شده است.

از برنامه سوم توسعه، تنظیم بودجه‌های سالانه دولت بدون اتکا به استقراض از بانک مرکزی در مجلس تصویب شده است. این طرح در چند سال ابتدایی محقق شد. اگرچه در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیز بر عدم استقراض از بانک مرکزی و نظام بانکی تاکید شده بود، اما با افزایش کسری تراز عملیاتی (تفاوت بین درآمدهای غیرنفتی و اعتبارات هزینه‌ای)، در عمل به جای استقراض دولت از بانک مرکزی که ممنوع شده بود، افزایش بدهی دولت به بانک‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (مانند وام‌های

زودبازده و طرح مسکن مهر) معمول شد. در نتیجه افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، عنصر اصلی افزایش پایه پولی در این دوره شد. از سال ۱۳۹۷ میانگین رشد پول ۵۲ درصد شده است که بیش از دو برابر رشد شبه پول است. از سال ۱۳۹۷، تورم از افزایش نقدینگی بیش تر بوده، به گونه‌ای که نسبت نقدینگی به سطح عمومی قیمت‌ها نزولی است. این شیب منفی نشانه‌های اولیه‌ای از خارج شدن کنترل اوضاع اقتصادی کشور از دست مقامات پولی است. یعنی هیچ‌یک از ابزارهای سیاست‌گذاری توان کنترل انتظارات مردم را نداشته و اقتصاد با سرعت در حال حرکت به سمت ابرتورم است.

در مجموع می‌توان گفت که با توجه به این که در حال حاضر تورم سبب مصرفی خانوارهای کم‌درآمد از خانوارهای پردرآمد بیش تر است افزایش سطح قیمت‌ها، درآمد حقیقی خانوارهای آسیب‌پذیر را بیش تر تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ این به معنی کاهش توان خانوار برای حضور در بازار محصول و در نتیجه کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات از سوی این خانوارهاست. ایجاد تورم و فضای پرنوسان سبب ایجاد نااطمینانی در بازار هم می‌شود. نااطمینانی مخاطره سرمایه‌گذاری را به شدت افزایش می‌دهد. در فضای پرمخاطره، افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت می‌شود و فعالیت‌های نامولد یا واسطه‌گری رونق می‌گیرد. به علاوه، عدم انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت آینده رشد اقتصادی را به خطر می‌اندازد.

فصل هفتم

جامعه پزشکی ایران

محمد رئیس‌زاده، رییس کل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، از شباهت وضعیت ۹۸ درصد پزشکان ایران با دیگر کشورهای جامعه خبر داد و گفت که در حال حاضر بسیاری از پزشکان زیر خط فقرند. او با بیان این که رزیدنت‌ها به آینده خود امیدی ندارند، افزود: «یک رزیدنت چشم‌پزشکی ماهی دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درآمد دارد.»

محمد رئیس‌زاده، رییس کل جدید سازمان نظام پزشکی که به‌تازگی از افزایش تمایل پزشکان برای مهاجرت به کشورهای دیگر خبر داده بود، در «نشست هم‌اندیشی با نمایندگان مجلس» از مشکلات مالی بسیاری از پزشکان پرده برداشت و تصریح کرد که بسیاری از آنان در زیر خط فقرند. او پیش‌تر نیز گفته بود که پزشکان «به دلیل غیرواقعی بودن تعرفه‌ها، سختی‌های گذراندن طرح و استقبال نکردن از ادامه تحصیل و گرفتن تخصص» خروج از ایران را گزینه مناسبی می‌دانند.

رئیس‌زاده، با انتقاد از «توزیع نامناسب» و «هجمه‌های مکرر علیه پزشکان» گفت: «از فروردین تا الان چند موضوع سنگین همچون ادغام آموزش پزشکی در وزارت علوم، نظام طب سنتی و مکمل، اصلاح نظام آموزش پزشکی و بحث افزایش ظرفیت پزشکی مکرر مطرح شده، در حالی که عرق جامعه پزشکی در صف مبارزه با کرونا هنوز خشک نشده و معوقات خیلی از این عزیزان و کسانی که شهید شده‌اند، همچنان پرداخت نشده است.»

به گزارش خبرگزاری ایسنا، رییس سازمان نظام پزشکی در ادامه سخنان خود با نقد عملکرد صداوسیما که ذهن مردم و جامعه پزشکی را «خسته» کرده است، افزود:

«احساس جامعه پزشکی این است که دولت و حکومت و نظام هم به جامعه پزشکی مزد خوبی نداده‌اند و نخواهد داد و از آن‌ها تقدیر نمی‌کنند.»

در آبان ۱۴۰۰، حسینعلی شهرباری، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ایران، در نامه‌ای به علی خامنه‌ای با ابراز نگرانی از کاهش تعداد نیروهای کادر تخصصی درمان نوشت: «متأسفانه با افزایش درخواست مهاجرت پزشکان به خارج از کشور مواجهیم که بدون شک این عارضه عواقب جبران‌ناپذیری در پی دارد.»

علیرضا صداقت، رییس سازمان نظام پزشکی مشهد، هم این موضوع را تایید کرده است. به گزارش خبرگزاری ایرنا، او با بیان این که در شرایط کنونی، مهاجرت پزشکان از مشهد و سایر مناطق ایران نگران‌کننده شده، گفته است: «سال گذشته سه هزار پزشک از ایران مهاجرت کرده‌اند که این میزان چندین برابر سال‌های پیش بوده است و بخشی از آن‌ها ساکن مشهد و خراسان رضوی بوده‌اند.»

صداقت با بیان این که مهاجرت پزشکان علل متعددی دارد، افزود: «یکی از علل مهاجرت پزشکان پایین بودن تعرفه‌ها است و به طور یقین عوامل مهم اجتماعی دیگری در این زمینه دخالت دارند که پزشک مجبور می‌شود برای داشتن زندگی بهتر و وطنش را ترک کند.»

اگرچه آمار مهاجرت پزشکان و پرستاران از ایران پیش از همه‌گیری کرونا هم بالا بود، بر اساس اعلام مقام‌های سازمان نظام پزشکی، در دوران همه‌گیری شدت بیشتری یافته بود. در همه‌گیری اخیر، کادر درمان در ایران با چالش‌های متعددی مواجه شدند؛ فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت اصولی برای پیش‌گیری و کنترل بیماری از یک سو و نبود امنیت شغلی و ساعت‌های کار طولانی از سوی دیگر بسیاری از آنان را تا مرز ناامیدی پیش برد؛ به‌خصوص این که بیماری و گاه مرگ همکاران خود در مراکز درمانی به دلیل ابتلا به کرونا را نیز شاهد بودند.

سوء تغذیه کودکان ایران

در حالی که بر اساس آمارهای رسمی حدود ۱۶ درصد کودکان زیر شش سال در ایران به سوء تغذیه دچارند و ۸۰۰ هزار کودک در سنین رشد، با کمبود انرژی و مواد پروتئینی و کمبود ریزمغذی‌ها مواجه‌اند، تداوم افزایش قیمت مواد غذایی و سقوط روزانه قدرت خرید مردم، به‌ویژه موجب تشدید سوء تغذیه مادران باردار و نوزادان شده و در استان‌هایی با جمعیت عمدتاً کم‌درآمد چون سیستان و بلوچستان و هرمزگان، به پیامدهایی چون «مرده‌زایی» و «کوتاهی قد نوزادان» انجامیده است.

سایت خبری رکنا، یک‌شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۳۰ آوریل ۲۰۲۳، در گزارشی با تاکید بر افزایش پدیده «مرده‌زایی» و «کوتاهی قد نوزادان» در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان و هرمزگان و دیگر استان‌هایی که عمده ساکنان آن به لحاظ درآمدی در دهک‌های کم درآمد و فقیر قرار می‌گیرند، در مورد تاثیرگذاری نرخ بالای تورم، به‌ویژه گرانی روزافزون مواد غذایی، بر سلامتی نوزادان و کودکان در این استان‌ها هشدار داد و تاکید کرد سیاست حکومتی «ترویج فرزندآوری، بدون ثبات اقتصادی و کاهش تورم و ارائه بسته‌های حمایتی به زنان باردار و کودکان، یک خطای مدیریتی» با پیامدهای گسترده انسانی و نسلی است.

روزنامه هم‌میهن نیز پیش‌تر در گزارشی در شماره دهم بهمن ماه ۱۴۰۱، با اشاره به این‌که آمارها «از کمبود وزن ۱۱ درصد کودکان در ایران و لاغری شدید حدود پنج درصد از کودکان» حکایت دارد، در پیوند با آثار نسلی گرانی‌های روزافزون و تداوم نرخ

تورم بسیار بالا در ایران و پیامد آن بر وضعیت سلامتی نوزادان و کودکان، هشدار داد. بنا به این گزارش، تاثیر تورم (منجر به نارسایی تغذیه) در طول دوره جنینی، در تمام طول عمر فرد باقی می‌ماند و «حتی یک واحد بیش‌تر شدن تورم در یک ماه بارداری مادر و دسترسی کمتر مادر به مواد غذایی مورد نیاز»، از چندین وجه به سلامت جنین حمله می‌کند و از جمله خطر کوتاه‌قدی را تا نزدیک به یک درصد افزایش می‌دهد.

این تاثیرها، بسته به ماه بارداری مادر در زمانی که در معرض کمبود مواد غذایی قرار می‌گیرد، نتایج متفاوتی دارد و رژیم‌های غذایی نامناسب و فاقد مواد مغذی کلیدی مانند ید، آهن، فولات، کلسیم و روی در دوران بارداری، می‌تواند «باعث کم‌خونی، پره

اکلامپسی، خونریزی و مرگ مادر شود، و همچنین می‌تواند به مرده‌زایی، وزن کم نوزاد هنگام تولد، و کاهش وزن و تاخیر در رشد کودکان» بینجامد.

علی‌اکبر سیاری، استاد دانشگاه علوم پزشکی بهشتی و رئیس هجدهمین کنگره تغذیه کودکان و نوجوانان، نیز بهمن ۱۴۰۱ با نام بردن از پنج استان رکورددار سوءتغذیه کودکان در ایران، گفت: «سوءتغذیه کودکان بیش‌تر در سیستان بلوچستان، هرمزگان، جنوب کرمان و خراسان جنوبی شایع است.»

وی تاکید کرد سوءتغذیه از یک‌سو با فقر اقتصادی، و از سوی دیگر با فقر علمی و فرهنگی مرتبط است.

رئیس هجدهمین کنگره تغذیه کودکان و نوجوانان گفت «سوءتغذیه باعث کمبود ریزمغذی‌ها، مانند آهن و روی، و مواد پروتئینی و قندی در کودکان» می‌شود و به «بروز بیماری‌هایی متابولیک» منجر می‌شود. این استاد دانشگاه در ادامه افزود: «تغذیه سالم و نیازهای تغذیه‌ای در شیرخواران و کودکان نوپا بسیار مهم بوده زیرا سوءتغذیه یکی از مشکلات سلامت است که باعث می‌شود کودک رشد مناسبی پیدا نکند و دچار بیماری شود.»

پیش‌تر نیز جواد حسینی، رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنائی، در هشتم خرداد ۱۴۰۰ گفت: «براساس نتایج سنجش، استان‌های کردستان، مازندران و سیستان و بلوچستان بیش‌ترین درصد کوتاهی قد را در میان استان‌های ایران دارند.»

محمدتقی حسینی طباطبایی، دبیر علمی هجدهمین همایش اورژانس‌ها و بیماری‌های شایع طب کودکان، نیز آبان ۱۴۰۱ «سوءتغذیه در استان‌های محروم کشور» را نگران‌کننده خواند و گفت: «چون رشد مغزی کودکان در شش سالگی اتفاق می‌افتد، به‌همین دلیل تغذیه درست و سالم نقش مهمی دارد.»

حسینی طباطبایی افزود: «بر اساس مطالعات انجام‌شده در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد، کوتاهی قد، کم‌وزنی و لاغری شیوع بالایی دارد که ناشی از سوءتغذیه است.»

با وجود تاکیدهای مقام‌های حکومتی درباره برنامه‌های کمیته امداد، بهزیستی و آموزش و پرورش برای حمایت از مادران باردار و کودکان دچار سوءتغذیه، این اظهارات اغلب در حد اقدامات تبلیغاتی باقی مانده و اجرایی نشده است.

فصل هشتم

مسکن

در اسفند ماه ۱۴۰۱، ارزان‌ترین منطقه به روایت خبرگزاری مهر چیتگر است با هر یک مترمربع پنت‌هاوس ۷۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون تومان؛ بیش‌تر از دستمزد یک‌سال یک کارگر ساده با تمام مزایای آن. گران‌ترین منطقه هم نیاوران در شمال پایتخت است که حداقل قیمت یک مترمربع پنت‌هاوس در آن ۲۸۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است. ارزش یک مترمربع پنت‌هاوس در نیاوران تا ۳۰۰ میلیون تومان هم پیش رفته است.

افزایش قیمت مسکن، به ویژه در چهار سال اخیر متقاضیان واقعی مسکن به جهت استفاده را کاهش داده است. تلاش حکومت برای تحریک تقاضا با تزریق وام بانکی هم تاثیری در کاهش دوره انتظار خرید مسکن برای مزدبگیران ندارد. فرشید حاجت‌پور، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن در این وضعیت پیش‌بینی کرده است حتی در صورت تداوم کاهش تقاضا، قیمت مسکن باز هم افزایش یابد چرا که به گفته او «دولت عزمی برای کنترل قیمت ندارد.»

حاجت‌پور افزایش قیمت تمام شده و هزینه خدمات نهادهای دولتی را از جمله عوامل گرانی مسکن برشمرد. او میانگین هزینه ساخت یک مترمربع مسکن را ۹ میلیون تا ۱۳ میلیون تومان برآورد کرد که معادل یک ششم تا یک چهارم میانگین قیمت مسکن در تهران است.

دولت که وعده کرده بود هزینه زمین برای ساخت مسکن را به حداقل برساند و سالانه یک میلیون واحد مسکونی بسازد، از این وعده عقب نشست. محمدرضا مخبر، معاون اول رییس دولت در سیزدهم دی ۱۴۰۱ ساخت مسکن را وظیفه بخش خصوصی دانست و گفت: «ما می‌گوییم مسکن باید ساخته شود نه این که دولت بسازد.»

به فرض ثابت بودن قیمت مسکن و توان خانواده‌ها برای پس‌انداز کردن، دوره انتظار خرید مسکن برای مزدبگیران در تهران از صد سال هم بیش‌تر شده است. مرکز آمار ایران میانگین قیمت یک مترمربع مسکن در تهران برای دی ۱۴۰۱ را ۵۴ میلیون و ۹۶۳ هزار تومان اعلام کرد. این رقم ۴/۵ میلیون تومان بزرگ‌تر از قیمت مسکن در آذر امسال است.

بر بنیاد این گزارش تورم ماهانه مسکن در دی ماه به نزدیکی ۱۰ درصد (۹/۸ درصد) رسید، رقمی بزرگ که نزدیک به پنج برابر نرخ تورم بحرانی است. بر اساس تعاریف مرکز آمار نرخ تورم ماهانه ۲/۵ درصد به معنای تورم بحرانی است.

این رقم بالاترین نرخ تورم ماهانه مسکن در پایتخت طی یک دهه اخیر است. این گزارش نرخ تورم نقطه‌ای مسکن در دی ماه را هم ۶۶ درصد اعلام کرده است. بالاترین نرخ تورم نقطه‌ای مسکن در دو سال اخیر در فروردین ۱۴۰۰ با رقم (۸۲/۶ درصد) ثبت شده است.

مرکز آمار نرخ تورم سالانه مسکن را ۴۰/۶ درصد برآورد کرده است. این رقم در مقایسه با آذر امسال ۳/۵ درصد افزایش و در مقایسه با دی سال ۱۴۰۰، ۱/۲ واحد درصد کاهش را نشان می‌دهد.

بر بنیاد این گزارش میانگین قیمت مسکن در سال ۱۴۰۰ تا هفتمین ماه سال افزایش بزرگ‌تر از ۵۰ درصد داشته است و پس از آن نیز در پنج ماه باقی مانده فراتر از ۳۰ درصد.

نرخ تورم مسکن در سال جاری تا مرداد ماه کمتر از ۳۰ درصد گزارش شده اما پس از آن در یک روند افزایشی از ۳۰/۳ درصد در شهریور ماه به ۴۰/۶ درصد در دی ماه رسیده است. معنای این رقم این است که میانگین قیمت مسکن در دی ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل (۱۴۰۰) به همین میزان گران شده است. نمودار زیر روند تورم مسکن در تهران در سال ۱۴۰۰ و ۱۰ ماه نخست سال ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد.

بر اساس برآورد نهادهای رسمی و ادعای معاون وزیر راه و شهرسازی دوره انتظار خرید مسکن در ایران از ۱۵ سال به ۳۴ سال رسیده است. این شاخص برای شهر تهران که گران‌ترین شهر ایران به شمار می‌رود از ۷۲ تا ۱۰۰ سال عنوان شده است.

مشکل بزرگ برای اجاره‌نشین‌ها در پایتخت اما توان پس‌انداز است. برآوردهای مرکز آمار و بانک مرکزی ایران در سال‌های گذشته بیانگر این است که دهک‌های درآمدی

پایین - اول تا پنجم - امکان پس انداز را به صورت کلی از دست داده اند. رشد نرخ تورم، به ویژه تورم مواد غذایی و سرکوب دستمزد در یک دوره طولانی اصلی ترین علت از بین رفتن توان پس انداز خانوار است. از همین جهت بانک مرکزی در آبان امسال گزارش کرده بود یک کارگر برای خرید یک خانه نقلی باید حداقل به مدت ۱۳۵ سال یک سوم درآمد خود را هزینه کند.

در کنار پشت بام خوابی، ماشین خوابی و اتوبوس خوابی در تهران اکنون پدیده جدیدی به نام «اجاره کوتاه مدت» یا «اجاره روزانه» به انواع اجاره مسکن افزوده شده است. مالک، خانه خود را به شکل روزانه و در بازه های زمانی کمتر از یک سال، به متقاضیان اجاره می دهد.

چالش تامین اجاره بهای خانه

شاید اگر از کارگران پرسیم که در شرایط کنونی بزرگ ترین مشکل آن ها چیست، پاسخ بسیاری از آن ها این باشد که برای تامین اجاره بهای مسکن مشکل دارند. کارگرانی که در تنگنای اقتصادی اند، از نیازهای ضروری خود می کاهند؛ به عنوان مثال اگر بیمار باشند، درمان خود را پیگیری نمی کنند یا از نیازهای ضروری مثل غذای مناسب و پوشاک چشم پوشی می کنند اما اجاره خانه را باید به موقع پرداخت کنند و درصد زیادی از حقوق دریافتی آن ها برای همین موضوع هزینه می شود.

متأسفانه در برخی مناطق، اجاره پشت بام منازل نیز مرسوم شده است؛ این نشان دهنده سطح پایین زندگی کارگران است.

در سال جاری دو بار قدرت خرید جامعه کارگری کاهش یافت: یک بار وقتی ارز گران شد و بار دیگر وقتی که هزینه های مسکن و مواد خوراکی افزایش یافت و باعث شد به معیشت کارگران به شدت آسیب رسد.

فصل نهم

مذهب و تبلیغات اسلامی هم‌چنان پررنگ‌ترین بخش هزینه‌ای

بررسی ردیف‌های بودجه سه سال اخیر در بخش مذهب و تبلیغات اسلامی روایتی دیگر از رشدهای قابل تامل را به تصویر می‌کشد. هرچند رشد بودجه‌های سنواتی با توجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران اجتناب‌ناپذیر است، با این حال سال‌هاست که انتقادهایی نسبت به اختصاص ردیف‌هایی برای امور تبلیغات مذهبی صورت می‌گیرد که دولت جمهوری اسلامی بی‌توجه به انبوه انتقادات هم‌چنان بر مصارف این بخش‌ها می‌دمد، به‌طوری که در سال‌های اخیر بودجه بخش‌های مذهبی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی رشدهای قابل ملاحظه‌ای داشته است.

در بودجه ۱۴۰۲، فصل دین و مذهب قرار است دو هزار و ۲۵ میلیارد تومان بودجه دریافت کند. در ذیل این ردیف بودجه، ردیف‌هایی برای اقامه نماز و اعتلای معنویت و امر به معروف و نهی از منکر، برنامه تبیین و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی و البته زیرمجموعه‌های شورای عالی حوزه‌های علمیه قم قرار دارد.

امسال برای امر به معروف و نهی از منکر معادل ۱۲۶ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، برای تعمیر تجهیزات ستاد امر به معروف و نهی از منکر هم رقمی در حدود یک میلیارد و ۵۷۰ میلیون تومان قرار است پول پرداخت شود. «راهیان نور» در بودجه امسال ۴۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان دریافت خواهد کرد. به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم هم امسال قرار است ۴۱۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان پول پرداخت شود.

هم‌چنین، شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز چهار هزار و ۷۵۵ میلیارد تومان بودجه دریافت خواهد کرد. برای شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه خاوران هم بودجه‌ای به میزان یک هزار و ۲۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که نسبت به سال‌های قبل رشد عجیبی دارد.

این ارقام وقتی در کنار بودجه توزیع شیر در مدارس که ۳۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده یا توسعه مدارس عشایر که فقط ۴۰ میلیارد تومان از بودجه امسال را به خود اختصاص داده قرار می‌گیرد، تفاوت‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری در دولت جمهوری اسلامی را بیش‌تر نشان می‌دهد.

در بودجه سال ۱۴۰۲، برای سازمان تبلیغات اسلامی سه هزار و ۳۵۴ میلیارد تومان و برای شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ۱۷۴ میلیارد تومان بودجه لحاظ شده است. این در حالی است که بودجه سازمان ملی استعدادهای درخشان در همین سال رقمی در حدود ۱۴۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان است.

این ارقام در شرایطی قرار است از منابع کل کشور پرداخت شود که بودجه ورزش و تفریحات برای جمعیت ۸۷ میلیونی ایران ۲۲ هزار و ۳۱۵ میلیارد تومان، بودجه فرهنگ و هنر ۲۵ هزار و ۴۴۰ میلیارد تومان و بودجه آموزش عمومی ۲۲ هزار و ۴۹۵ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

بودجه امسال بنا به گفتهٔ رحیم ممینی، معاون سازمان برنامه و بودجه، ۷۹۴ هزار میلیارد تومان کسری دارد. دولت بنا دارد که بخشی از هزینه‌های خود را با فروش اموال مازاد جبران کند که تحت عنوان طرح «مولدسازی» تعریف شده است.

با احتساب درآمد ناشی از خصوصی‌سازی و فروش سهام شرکت‌های دولتی، جمع واگذاری‌ها دو میلیون و ۲۶۳ هزار همت (هزار میلیارد تومان) درآمد برای دولت ایجاد می‌کند که بخشی از این درآمد قرار است خرج موارد یادشده شود.

بانک‌ها و صندوق‌های بازنشتگی، ستاد اجرایی امام و بنیادها و...

محسن زنگنه نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرد که یکی از دلایل تورم فروش محصولات شرکت‌های بزرگ صادرکننده فولاد و پتروشیمی به دلار تلگرامی، یعنی دلاری است که نرخ آن در کانال‌های تلگرامی خارج کشور تعیین می‌شود. به گفته او، زور دولت به این شرکت‌ها نمی‌رسد زیرا بخشی از سهام‌داران آن را بانک‌ها و صندوق‌های بازنشتگی، ستاد اجرایی امام و بنیادها تشکیل می‌دهند.

سؤال آن است که اگر این بانک‌ها و بنیادها دولتی هستند پس چگونه می‌توانند در مقابل دولت بایستند و اگر دولتی نیستند و خصوصی هستند چرا ملی و دولتی نمی‌شوند؟ چگونه ممکن شده است که گردانندگان نهادهای عمومی از اموال عمومی برای سود شخصی خود استفاده کنند؟ مشکل در کجاست و راه حل چیست؟

مشکل از آنجا آغاز شد که براساس توصیه‌های صندوق پول و کارگزاران آن در ایران و اتاق بازرگانی، بخش عمومی و دولتی تابع معیارهای سودآوری سرمایه‌داری و معیارهای فعالیت بخش خصوصی شد. یعنی به جای آن که فعالیت‌های بخش خصوصی و دولتی تابع منافع عمومی شود، فعالیت بخش عمومی تابع سودآوری به هر دو بخش خصوصی و دولتی شد نه برای مردم و رفاه عمومی.

اکنون یک شبکه فاسد مافیایی دولتی در حول محور قداست سودآوری شکل گرفته که دیگر جواب‌گوی مردم نیستند.

موسی غنی نژاد در مناظره با علی علیزاده مطرح کرد که ۹۹ درصد اختلاس کنندگان و خارج‌کنندگان ارز از ایران مدیران بخش دولتی هستند و این نتیجه اقتصاد دولتی است. البته فساد و اختلاس، صرفاً عامل وضع موجود یا نتیجه دولتی بودن اقتصاد نیست، عارضه و پیامد خصوصی کردن اقتصاد نیز است. اختلاس نتیجه سیستمی است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دچار بحران و فساد است. به علاوه بخش خصوص در ایران، همانند بخش خصوصی در سیستم‌های جافتاده سرمایه‌داری در جهان غرب نیست. خصوصی‌سازی در ایران، عمدتاً دست به دست شدن منابع جامعه بین مدیران دولتی با مدیران دولتی سابق و یا نزدیکان آن‌ها به ویژه سپاه پاسداران است.

به این ترتیب، افزایش بی‌سابقه فساد و اختلاس در عین حال نتیجه مجموع سیاست‌های سرمایه‌داری دولتی و خصوصی است که از جمله امثال غنی‌نژاد به توصیه صندوق بین‌المللی پول در ایران به اجرا گذاشتند.

بنابراین فساد و اختلاس در بخش دولتی نه عامل وضع موجود است و نه خارج از مجموعه واقعیت اقتصاد ایران. عارضه و پیامد مجموعه‌ای از سیاست‌های کلان حاکمیت است. سیستم تولیدی و اقتصادی که هدف خود را سودآوری قرار دهد و نه رفع نیازهای مردم، چه در بخش دولتی و چه در بخش غیردولتی، نتیجه‌اش همین

واقعیت امروز جامعه ایران خواهد بود. یعنی سودآوری در بخش دولتی و خصوصی، به زبان رفاه و توسعه ملی و رشد و گسترش اختلاس و فساد به زیان مردم است. برای برون رفت از این چرخه راهی نیست جز تغییر حاکمیت. یعنی تغییر پایه‌ای حاکمیت باهدف سیستم تولیدی از ایجاد سود، به رفع نیازهای ملی و مردم. یعنی دخالت عموم مردم در سرنوشت خویش. در این صورت مدیریت جدید جامعه ایران، در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی و دیپلماسی، منافع مردم عمومی جامعه و مردم را مدنظر داشته باشد و نه منافع حاکمیت و یا سرمایه‌داری خصوصی را.

جامعه المصطفی العالمیه و امام صادق‌ها

در ردیف بخش‌های مذهبی و تبلیغاتی بودجه‌های سالانه دولت جمهوری اسلامی، مؤسسات و دانشگاه‌هایی که پایه مذهبی و تبلیغاتی دارند، همیشه مورد توجه قرار داشته‌اند. به‌رغم آن‌که در بودجه ۱۴۰۲، به‌دلیل ادغام ردیف‌های بودجه دستگاه‌ها، به‌روشنی مشخص نیست که نهادها و مؤسسات مذهبی که در سال‌های قبل ردیف بودجه مجزا داشتند، امسال چه وضعیتی دارند، با این حال جامعه المصطفی العالمیه از آن مؤسسات مذهبی و تبلیغات اسلام شیعی است که هم‌چنان ردیف بودجه مستقل خود را حفظ کرده است.

در بودجه امسال، این نهاد تبلیغات اسلامی قرار است یک هزار و ۱۷ میلیارد تومان بودجه دریافت کند. علاوه براین، برای کمک به صندوق این موسسه هم رقمی در حدود ۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که با بودجه مصوب شده جمعاً یک هزار و ۱۲۲ میلیارد تومان امسال برای این موسسه هزینه خواهد شد.

این موسسه، هم‌چنین در سال گذشته ۴۸۵۴۸۵ میلیارد تومان و به‌علاوه ۲۰۰ میلیارد تومان یارانه از محل تبصره ۱۴ دریافت کرده است.

جامعه المصطفی العالمیه که در سال ۱۳۸۷ از ادغام دو مجموعه «سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور» و «مرکز جهانی علوم اسلامی» با دستور علی خامنه‌ای تشکیل شد، هر سال ردیف بودجه مستقلی را در اختیار دارد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که این مرکز تبلیغات مذهب شیعه در ۶۰ کشور جهان شعبه دارد و وظیفه‌اش این است که افراد مناسب برای آموزش اسلام را شناسایی و آن‌ها را

برای آموزش طلبگی به قم اعزام کند. این دانشگاه از بین افراد غیرایرانی هم دانشجوی می‌پذیرد.

این نهاد در سال ۲۰۲۰ از جانب وزارت خزانه‌داری آمریکا به اتهام ارتباط با فعالیت‌های نظامی-اطلاعاتی نیروی قدس سپاه پاسداران تحریم شد. دولت کانادا نیز این مرکز را به دلیل گسترش ایدئولوژی خود در خارج از ایران و استخدام نیروهای شبه‌نظامی خارجی تحریم کرد.

علاوه بر جامعه المصطفی العالمیه، یکی از دانشگاه‌هایی که فارغ‌التحصیلان آن در سال‌های اخیر مستقیم وارد مناصب اجرایی حاکمیت شده‌اند، دانشگاه امام صادق است؛ دانشگاهی که توسط محمدرضا مهدوی کنی پایه گذاری شد و با این که در تعریف یک دانشگاه غیردولتی است، هر سال از بودجه عمومی کشور بودجه دریافت می‌کند. این دانشگاه در سال جاری قرار است حدود ۱۷۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بودجه از اموال عمومی کشور دریافت کند.

مقبره خمینی: گران‌ترین و پرهزینه‌ترین مقبره دنیا

در سی و چهارمین سال پس از مرگ روح‌الله خمینی، هزینه‌های برگزاری مراسم بزرگداشت خمینی نیز همپای تورم رشد کرده است.

از سال ۱۳۶۸ که آیت‌الله خمینی درگذشت، علاوه بر تکلیف به دستگاه‌های اجرایی برای پرداخت بخشی از بودجه‌های سالانه خود برای ساخت فضای سرپوشیده آرامگاه، ساخت مسجد و محوطه آن که مساحتی بالغ بر ۷۵ هزار متر مربع را در بر می‌گیرد، هر سال بودجه‌ای هم برای برگزاری مراسم بزرگداشت او اختصاص می‌یابد؛ هزینه‌ای که دولت آن را از دستگاه‌های دولتی طلب می‌کند.

در سی و چهارمین سالگرد مرگ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، درحالی که نرخ تورم دو ماه منتهی به سال جدید از ۷۰ درصد فراتر رفته، برخی گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد که هزینه برگزاری مراسم امسال همگام با تورم رشد کرده است.

در یک فقره وزارت نفت ۵۰ میلیارد تومان برای مراسم امسال هزینه کرده است. سایر دستگاه‌ها از جمله شهرداری تهران، بانک‌ها و نهادهایی مثل سازمان تامین اجتماعی، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام و وزارتخانه‌های نفت، صمت، راه و شهرسازی، اقتصاد، نیرو و جهاد کشاورزی ملزم هستند که بخشی از منابع خود را تحت عنوان

اعتبارات «خارج از شمول» برای برگزاری این مراسم که شامل اسکان افراد از سراسر ایران، مهمانان خارجی و تهیه غذای شرکت کنندگان است، هزینه کنند. دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی که به آن‌ها تکلیف می‌شود که هزینه برگزاری این مراسم را تأمین کنند، به اعتبارات خارج از شمول در بودجه مراجعه می‌کنند. «اعتبارات خارج از شمول» عنوان بخشی از بودجه کل کشور است که برای هزینه‌های اضطراری برخی دستگاه‌ها در موارد خاص هر سال در بودجه پیش‌بینی می‌شود. به لحاظ قانونی، نحوه هزینه کرد این اعتبارات از قانون محاسبات عمومی کشور استثنایافته است. در سال ۱۴۰۰، میزان اعتبارات خارج از شمول دستگاه‌ها ۸۲ هزار میلیارد تومان اعلام شد. در بودجه ۱۴۰۲ اعتبارات این بخش با ۳۰ درصد رشد نسبت به سال قبل به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

۳۴ سال پس از مرگ آیت‌الله خمینی، در حالی که برخی برآوردها از هزینه بیش از دو میلیارد دلار برای ساخت مقبره او خبر می‌دهند، اما کسی به‌درستی نمی‌داند که در طول این سال‌ها چه قدر برای ساخت و نگهداری مقبره و همچنین مراسم بزرگداشت او هزینه شده است.

مقبره آیت‌الله خمینی که اصطلاحاً «مرقد» نامیده می‌شود، بنایی عظیم با مساحت ۱۵ هزار متر مربع در «بهشت زهرا» در حومه تهران واقع شده است. علاوه بر سازه این بنا و شش مسجد بزرگ آن، در اطراف مجموعه نیز دانشگاه، موزه و شهر آفتاب در مساحتی به میزان ۶۰ هزار متر مربع مساحت احداث شده است.

این مقبره و مجموعه‌های پیرامون آن توسط جهاد سازندگی و سپاه پاسداران پس از درگذشت آیت‌الله خمینی ساخته شده است و ساخت‌وساز در آن همچنان ادامه دارد. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که سازه اصلی این بنا دارای پایداری در برابر زمین‌لرزه‌ای به بزرگای ۱۰ است که از برج میلاد مقاوم‌تر است. اسکلت فولادی ساخته‌شده برای گنبد ۳۴۰ تن وزن دارد و وزن روکش آن هم ۴۰ تا ۵۰ تن است که در مجموع به ۴۰۰ تن می‌رسد. در اطراف مقبره چهار گلدسته به بلندی ۹۱ متر و به‌نشانه سن آیت‌الله خمینی ساخته شده است. همچنین در مجموع دارای پنج گنبد است که گنبد اصلی فلزی و چهار گنبد دیگر کاشی‌کاری شده است.

علاوه بر تکالیفی که به دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی برای برگزاری بزرگداشت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی محول می‌شود، نگهداری مقبره خمینی در

بودجه‌های سالانه دارای ردیف اعتباری اختصاصی تحت عنوان «استان مقدس امام خمینی» است.

در بودجه سال ۱۳۹۸ اعتبار پیش‌بینی شده برای نگهداری مقبره خمینی ۱۰ میلیارد و ۵۷۱ بوده که این رقم در سال ۱۳۹۹ به ۱۴ میلیارد تومان رسیده و در سال ۱۴۰۰ هزینه نگهداری آن به ۱۸ میلیارد و ۲۰۰ تومان افزایش یافته است.

پس از تغییر در ردیف‌های بودجه در سال ۱۴۰۱، بودجه نگهداری مقبره تحت عنوان ردیف اعتبارات متفرقه به ۴۰ میلیارد تومان افزایش یافت. اعتبار این مجموعه در ردیف بودجه ۱۴۰۲ به میزان ۴۶ میلیارد تومان برآورد شده است.

این اعتبار به جز ردیف بودجه‌ای است که هر سال تحت عنوان «نشر آثار امام» در بودجه‌های سالانه در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در بودجه امسال برای «نشر آثار امام» به میزان ۱۱۲ میلیارد و ۲۷۷ میلیون تومان بودجه اختصاص یافته است.

از میزان هزینه‌ای که برای احداث مقبره روح‌الله خمینی صرف شده، اطلاع دقیقی در دست نیست. اواخر سال ۱۳۹۴، مهدی چمران، رییس شورای شهر تهران، گفته بود برای مجموعه محوطه مقبره تا پایان آن سال هزار میلیارد تومان هزینه شده است؛ رقمی که امروز با توجه به ادامه‌دار بودن ساخت‌وساز و رشد نرخ تورم به مبالغ بالاتری هم رسیده است.

ساخت مقبره، محوطه، سازه و تزئینات پرهزینه‌ای که در آن انجام شده، اعتراض‌هایی را حتی در میان برخی چهره‌ها و رسانه‌های طرفدار حکومت هم به دنبال داشته است. مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای انتقادی به زرق‌وبرق این سازه اعتراض کرد.

با این حال محمدعلی انصاری، سرپرست مقبره امام خمینی، در پاسخ، اقدامات انجام‌شده برای ساخت این مقبره را «طاقت‌فرسا و سخت» توصیف و سازه را حاصل حمایت چهار رییس جمهور، نمایندگان ادوار مجلس، شهرداران و همه اعضای ادوار شورای شهر تهران عنوان کرد.

بودجه‌ای که هر سال برای توسعه و نگهداری مقبره خمینی اختصاص می‌یابد، یک پیوست قانونی هم دارد و آن ماده ۳۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی است.

بر اساس این ماده، به دولت تکلیف شده است که هر سال به منظور زنده و نمایان نگهداشتن اندیشه‌های دینی و سیاسی آیت‌الله خمینی اعتباراتی برای تبلیغات در نظر گرفته شود؛ اعتباراتی که هر سال همگام با تورم کشور رشد می‌کند.

فصل دهم

جنبش‌های اعتراضی سال‌های اخیر

جنبش دی ۱۳۹۶

اعتراضات دی ۱۳۹۶ ایران، مجموعه‌ای از اعتراضات خودرهبری مردمی و ضدحکومتی در سراسر ایران بود که از ۷ دی ۱۳۹۶ از مشهد و شهرهای بزرگ استان خراسان آغاز شد. فراخوان شرکت در این تظاهرات که در آغاز «نه به گرانی» و اعتراض به سیاست‌های دولت شیخ حسن روحانی نامیده شد، در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت. این خیزش مردمی در ابتدا با مطالبات اقتصادی، علیه فساد در حاکمیت و میزان بالای بیکاری بود؛ اما با فراخوان‌های بیش‌تر، دامنه همگانی آن فراتر از مشکلات اقتصادی رفت و مخالفت‌ها حاکمیت سیاسی ایران و رهبر آن سیدعلی خامنه‌ای را نیز در بر گرفت. «تنفر» از جمهوری اسلامی ایران در میان معترضان، یکی از عوامل اصلی این اعتراضات در نظر گرفته شده و اقدامات و شعارهای ساختارشکن و تخریب‌گر، نشان از وجود «تنفر» دارد. «نداشتن رهبر مشخص»، «شروع حرکت از پیرامون به مرکز» از دیگر خصلت‌های این اعتراضات است. از دیگر ویژگی‌های مهم این اعتراضات این است که برخلاف سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، اصلاح‌طلبان حکومتی کم‌ترین نقشی در این اعتراضات نداشتند. گستردگی و پراکندگی در کشور و ماهیت ضدحکومتی، از ویژگی‌های آن هستند. این حرکت مداوم برخلاف انقلاب ۱۳۵۷، کاملاً مبری از شعارهای مذهبی بود.

در ۷ دی تجمع‌های اعتراضی با عنوان «نه به گرانی» گزارش شد. براساس برخی فیلم‌های انتشار یافته در شبکه‌های اجتماعی، تجمع اعتراضی در مشهد به دنبال واکنش

نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد و مأموران برای متفرق کردن تجمع‌کنندگان از ماشین آب‌پاش و گاز اشک‌آور استفاده کردند. براساس گزارش‌ها، تجمع‌های اعتراضی روز ۸ دی در تعدادی از شهرهای ایران از جمله کرمانشاه، همدان، رشت، اصفهان، اهواز، قم ساری، زاهدان، قزوین لرستان، قوچان، ساوه و ... پس از تاریک شدن هوا نیز ادامه یافته‌است. شعارهایی از قبیل زندانی سیاسی آزاد باید گردد، یا مرگ یا آزادی، از تظاهرات مردم مخابره شد.

اعتراضات ۹ دی در حالی شدت گرفت. گزارش‌هایی از درگیری‌ها و اعتراضات در تهران، در خیابان انقلاب و مقابل دانشگاه تهران شده است. در ورودی دانشگاه تهران، نیروهای امنیتی و دانشجویان درگیر شدند و از ماشین‌های آب‌پاش برای متفرق کردن دانشجویان استفاده شد. مدیرکل روابط عمومی متروی تهران، محسن محمدیان، گفت ایستگاه‌های مترو در انقلاب و ولیعصر به دلیل تجمع‌های اعتراضی و مسائل امنیتی تعطیل شدند. استانداری استان تهران، شایعه‌منع رفت‌وآمد شبانه را تکذیب کرد. در شهر ابهر نیز در عصر روز ۱۰ دی مردم با تجمع در میدان انقلاب علیه نظام و حکومت شعارهای تندی سر دادند. تجمع مردم ابهر به میدان انقلاب محدود نشد و مردم با گردهمایی در اطراف فرمانداری شهرستان ابهر پایین انداختن تابلوی (بیلورد) علی خامنه‌ای به سر خط خبرهای رسانه‌های فارسی‌زبان ماهواره تبدیل شدند. با پخش شدن خبر اعتراضات مردم ابهر بلافاصله درگیری‌هایی بین جوانان و نیروهای امنیتی شکل گرفت که در نتیجه آن چندین نفر بازداشت و شماری نیز مجروح شدن هیچ‌گاه آمار دقیقی از کشته‌های شهر ابهر منتشر نشد و هنوز نیز در هاله‌ای از ابهام است.

رحمان فضلی، وزیر کشور از معترضان خواست تا اقدام به درخواست مجوز کنند و از حضور در تجمعات بدون مجوز قانونی خودداری کنند.

فرمانداری تهران، تهران از دستگیری ۲۰۰ نفر در روز ۹ دی در این شهر خبر داد و معترضین را «عوامل بیگانه» معرفی کرد که به مراجع قضایی سپرده شدند. دادستان تهران نیز به نقل از دستگیرشدگان گفت که آن‌ها اعلام کردند «احساساتی» شده‌اند. وی افزود: «این که مسجد یا حسینیه را که نه نگهبان دارد و نه حفاظ؛ آن هم در

ساعات نیمه شب آتش بزنند؛ یا به افراد بسیجی حمله کنند، کاملاً موید دخالت عوامل بیگانه در این وقایع و مجرمانه بودن آن است.»

در ۱۰ دی شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام به‌صورت موقت روی شبکه‌های تلفن همراه بسته شدند. در صبح یک‌شنبه ۱۰ دی برخی از رسانه‌های ایران ویدئوها و تصاویری از تجمع «علیه سیاست‌های اقتصادی دولت» در دانشگاه تهران منتشر کرده‌اند.

دامنه اعتراضات ضدحکومتی روز پیش تا شب ۱۰ دی (۳۱ دسامبر) نیز ادامه داشت. در برخی شهرها از جمله اراک، تهران (نزدیکی پل کالج - تقاطع خیابان انقلاب و خیابان حافظ - گوی دانشگاه)، کرج، گوهردشت، بندعباس، اهواز، دورود، ساوه و ...، درگیری‌های پیوسته روز پیش ادامه داشته و آتش زدن و حمله به بانک‌ها، ساختمان‌های دولتی و خودروهای نیروی انتظامی گزارش شد. در تویسرکان نیروهای نظامی به مردم تیراندازی کردند.

طبق گفته‌های صدا و سیمای ایران، تنها در روز یک‌شنبه ۱۰ تن از معترضین کشته شدند. به گفتهٔ صدا و سیما عده‌ای از تظاهرکننده‌ها قصد تصرف مسلحانه برخی ایستگاه‌های پلیس و پایگاه‌های نظامی را داشتند که مأموران مقاومت نمودند. به گفته فرماندار دورود یکی از جان‌باختگان ۱۲ الی ۱۵ سال سن داشت و زیر ماشین آتش‌نشانی رفته. او افزود که این ماشین برای خاموش کردن حریق بانک اعزام شده بود و توسط معترضان به زور گرفته شده بود. فرماندار ایذه، از شهرهای بختیاری‌نشین خوزستان، نیز در این روز گفت که دو نفر کشته و شماری زخمی شده‌اند. وی گفت مشخص نیست که تیرانداز نیروی انتظامی بوده یا از تظاهر کنندگان است. هدایت‌الله خادمی، نماینده ایذه، «سقوط» شهر را تکذیب نمود. نماینده ایذه، همچنین ادعا کرد که اسلحه داشتن مردم در منطقه برای مأموران از قبل هم مشکل‌آفرین بوده است و در خانه برخی از دستگیرشدگان اسلحه‌ها و بمب‌های دست‌ساز یافته‌اند. محمدعلی نجفی شهردار تهران، ضمن ابراز تاسف از رویدادها گفت خسارات اندکی به تأسیسات شهری وارد شده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخن‌گوی وقت قوه قضاییه، تعداد کشته‌شدگان اعتراضات را ۲۵ تن اعلام کرد و نیز از مرگ دو زندانی در زندان‌های اوین و اراک خبر داد. اما جواد کریمی قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی در مجلس، بعدها در یک سخنرانی تعداد کشته‌شدگان را ۵۴ نفر اعلام کرد. عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر کشور وقت، بر اساس گزارشی که از سوی شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی ایران تهیه شده و با استناد به گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی، عوامل نارضایتی‌ها را داخلی و بدون هیچ‌گونه دخالت از خارج کشور عنوان کرد و گفت «یک جرعه کافی است تا اعتراضات شعله‌ور شود.» رحمانی فضل‌ی تعداد بازداشت‌شدگان را بیش از ۵ هزار نفر خواند و گفت تظاهرات به سرعت در روزهای ابتدایی به ۱۰۰ شهر رسید و در ۴۲ شهر هم درگیری اتفاق افتاد. طی این تظاهرات گسترده ۶۰ دفتر امام جمعه در سراسر کشور تخریب و به آتش کشیده شد. علی ربیعی، در مصاحبه‌ای گفت: «ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۶۰ شهر را دربر گرفت.»

سیداحمد علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای و امام جمعه مشهد، پیش از آغاز اعتراضات گفته بود «اگر بنا شد سطح گرانی برود بالا و در عین حال مردم زندگی‌شان تأمین نشود، مردم حق دارند مطالبه کنند و بخواهند عزیزان مسئول ما به مطالبات مردم توجه کنند که کارد به استخوان‌شان نرسد تا وسط خیابان فریاد بزنند.» سردبیر روزنامه خراسان نوشت که «احساس ناامیدی، تبعیض و بی‌پناهی» عامل اعتراضات بوده. اعتراضات ۱۳۹۶ نمایش ناامیدی گسترده‌ای بین قشرهای مردم بود.

عبداله گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران، در سرمقاله‌ای عوامل متعددی را مورد تحلیل قرار داد از جمله دلیل اقدامات و شعارهای ساختارشکن را «تنفر» مردم ناشی از انباشته شدن احساس تحقیر، تبعیض و فاصله طبقاتی و عملکرد اشتباه دستگاه‌های حاکمیت در رسیدگی به مشکلات عنوان کرد و این‌که رفتارهای اشتباه کسانی که «تابلوی انقلاب» را در دست دارند در کنار «ادراک‌سازی» مخالفان از عملکرد نظام برای جوانان ریشه این موضوع است و نظام باید از این به گفته وی «اغتشاشات» درس مهمی بگیرد که مشکلات و دلیل تنفر را آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی کرده و به اصلاح آن بپردازد.

با وجود تمام زمینه‌های قبلی به‌ویژه فساد سیستماتیک در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، آغاز این اعتراضات وسیع از مشهد و هم‌زمان با دو برابر شدن قیمت تخم مرغ (پس از تنظیم و ارائه بودجه ۱۳۷۹ به مجلس) بود. از این تظاهرات با عنوان شورش گرسنگان نیز یاد شده‌است، این عنوانی‌ست که بر اساس شرایط مالی مردم یک ماه پیش از آن نیز مطرح شده بود.

محسن رضایی، هانی طلفاح، برادرزن صدام حسین را به دست داشتن در اعتراضات متهم کرد. عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور بر خلاف علی خامنه‌ای که بر دخالت و سازماندهی تظاهرات به دشمنان بارها تأکید کرده است، بر اساس گزارشی که از سوی شورای امنیت کشور تهیه شده و با استناد به گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی، عوامل نارضایتی‌ها را داخلی و بدون هیچ‌گونه دخالت از خارج کشور عنوان کرد و گفت دو عامل باعث اعتراضات شده است.

در ۱۳ دی حامیان جمهوری اسلامی ایران با دعوت نهادهای دولتی، در شهرهای مشهد، ارومیه، اردبیل، اصفهان، اهواز، خرم‌آباد، آبادان، بوشهر، گرگان، اراک و بیرجند، قوچان، کاشمر، سبزوار و نیشابور، ده‌ها هزار نفر برای محکوم کردن معترضان، تظاهرات برگزار کردند. محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، این روز را «روز پایان فتنه ۹۶» خواند.

تظاهرات حامیان حکومت در ۱۵ دی پس از نماز جمعه برگزار شد، در شهرهای تهران، کرمان، اصفهان، تبریز، شیراز، مازندران، بوشهر، گیلان، مشهد و همه شهرستان‌های کشور؛ آنان شعارهای «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر ضد ولایت فقیه»، «مرگ بر فتنه‌گر» و «ما همه با هم هستیم پشت ولایت هستیم» سر دادند. در خطبه‌های نماز جمعه، اتهاماتی علیه معترضان بیان شد؛ احمد خاتمی در تهران گفت که «در فتنه اخیر، پول را عربستان داد و آمریکا طراحی کرد، قرار بود از اتاق آمریکا در اربیل کم‌کم سلاح به ایران بیاید و در بهمن کار را در ایران تمام کنند.» او افزود «در طول حدود دو دهه انقلاب، ۷۸، ۸۸ تا ۹۶، سه فتنه داشتیم. فتنه اول فتنه کوی دانشگاه،

فتنه دوم سال ۸۸ و فتنه سوم این فتنه چند روزه سال ۹۶ بود.» برخلاف او، یک امام جمعه دیگر، عبدالحمید اسماعیل زهی از اصطلاح فتنه برای اشاره به اعتراضات استفاده نکرد، او با اشاره به «تجمعات» و «راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز» گفت «مسئولان امر باید به تجمعات و راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیزی که این‌روزها در کشور در جریان است توجه کنند و حرف معترضین را بشنوند. باید تا جایی که دین اسلام و قانون اساسی آزادی داده‌است به مردم آزادی داده شود و فشارها برداشته شوند.» او تأکید کرد «باید یکسری تغییرات در سیاست‌ها و قوانین کشور ایجاد شود تا مشکلات مردم حل شوند و رضایت ملت حاصل شود.»

اعتراضات پراکنده ۱۶ دی در شهرهای ایران همچون خمین، جوی‌آباد اصفهان، مسجد سلیمان، تبریز، تهران، لاهیجان، تاکستان، مشهد و اراک ادامه داشت. حسن روحانی در ۱۸ دی در برنامه دیدارش با وزیر و معاونان وزارت امور اقتصادی و دارایی با اشاره به این‌که هیچ استثنایی در «کشور برای انتقاد کردن وجود ندارد و در کشور ما معصوم نداریم» گفت «مذهب شیعه همان‌طور که مرحوم شریعتی نیز به آن اشاره کرده است، مذهب نقد و اعتراض است.» او افزود که «این‌که خواسته مردم فقط به اقتصاد محدود شود، آدرس غلط و توهین به مردم است.»

زندانیان سیاسی رجایی‌شهر در بیانیه‌ای در این روز از ادامه اعتصاب غذایی خود سخن گفتند که ۱۰ روز است «در قبال رفتارهای غیرانسانی و عدم توجه مسئولین زندان به خواسته‌های به حق» جاری است و «از پذیرش جیره غذای زندان» (صبحانه، نهار، شام)، خودداری می‌نمایند؛ «هم‌چنان به روش‌های اعتراض خود تا برآورده شدن خواسته‌های قانونی خویش ادامه خواهیم داد.» آتنا دائمی نیز طی نامه‌ای سرگشاده زندان نگاشته بیان کرد که «ما مردم ایران طلب‌کار حقوقی هستیم که آگاهانه از ما سلب شده‌است و معترض به شرایطی هستیم که هوشیارانه بر ما تحمیل شده‌است.»

سخنگوی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ دی گفت که نمی‌تواند آمار دقیقی از بازداشت‌شدگان این اعتراضات ارائه کند و افزود بسیاری از تجمع‌کنندگان انگیزه ضدامنیتی نداشتند و تأکید کرد که بازداشت‌ها توسط دادستانی و با حکم آن و بر اساس ضابط قضایی انجام می‌شود و در این مورد وزارت کشور مرجع نیست.

در روز ۱۷ دی ۱۳۹۶، کارگران حمل و نقل خلیج فارس، برای چندمین بار در ماه گذشته به دلیل مشکلات صنفی متعدد در اسلام شهر اقدام به تجمع اعتراضی کردند.

اعتراضاتی در برابر زندان اوین تهران در ۱۹ دی برپا شد، حاضران در شعارهای خود خواستار آزادی دانشجویان و درویش زندانی شده‌اند. وزارت اطلاعات در بیانیه ۲۰ دی خود از شناسایی و بازداشت شمار دیگری از معترضان خبر داد.

در ۲۰ دی بیانیه‌ای با امضای ۱۴۶ چهره فرهنگی ایرانی در همبستگی با معترضان منتشر شد، امضاءکنندگان خواستار تغییرات ساختاری در کشور شده‌اند تا موجب رفع مشکلات معیشتی، بی‌عدالتی اجتماعی، تبعیض ملی-مذهبی، تبعیض جنسیتی و اعمال خشونت بر مردم شود.

در ۲۰ دی ماه ۱۳۹۶، کارگران هپکو در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی برای چندمین بار در مقابل استانداری اراک تجمع کردند. کارگران معترض هپکو اراک برای سومین هفته متوالی اعتصابشان را ادامه می‌دهند. همچنین با اعتصاب کامیون‌داران حمل سوخت پالایشگاه اصفهان در این روز، در حدود ۹۰ درصد جایگاه‌های سوخت این استان تعطیل شدند.

غلامحسین اژهای، سخن‌گوی قوه قضاییه در ۲۴ دی اعلام کرد که ۲۵ تن در این اعتراضات در خیابان کشته شده‌اند.

حسن روحانی در ۲۴ دی به «آشغال» نامیدن معترضان از تریبون نماز جمعه تهران واکنش نشان داد، او گفت «هر کسی می‌آید خیابان یا خس و خاشاک است یا گوساله و آشغال؟ چرا به مردم بی‌احترامی می‌کنیم؟ همه را به یک چوپ نرانیم. دقیق حرف بزنیم. مخصوصاً در تریبون‌های مقدس، دقیق‌تر حرف بزنیم.»

در روز شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۶، مال باختگان بدر توس خراسان در مقابل موسسه کاسپین در بلوار خیام تجمع کردند. همچنین در پی اعتصاب کارگران شرکت هفت‌تپه، کارگران مانع ورود تراکتورهای حامل شکر به کارخانه شدند. در زاهدان مال باختگان کیشک‌ور خودرو به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری و دادگستری شهرستان سرباز دست زدند. همچنین کارگران شیفت شب شرکت هفت‌تپه نیز به اعتصابات این کارخانه پیوستند.

در روز یکشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۹۶، در تهران طلب کاران شهرداری مقابل شورای شهر تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در روز دوشنبه، ۲۵ دی ماه ۱۳۹۶ سایر بخش‌های شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه نیز به اعتصابات این کارخانه پیوستند. پس از آن، دو تن از کارگران این شرکت به نام‌های علیپور و اسماعیل بخشی در بین سایر کارگران به سخنرانی اعتراضی پرداختند. اسماعیل بخشی به این که معترضان توسط کاظم صدیقی امام جمعه تهران آشفال خوانده شده بودند اعتراض کرد. پس از آن در بعد از ظهر همان روز و در راه برگشت وی به خانه، گروهی با قمه و اسلحه گرم درحالی که پلاک خودروهایشان را مخدوش کرده بودند، به وی حمله‌ور شده و آسیب‌های جدی با قمه به وی رساندند که با دخالت مردم محلی جان اسماعیل بخشی نجات پیدا کرد. مشهد نیز مال باختگان بدر توس مقابل صدا و سیما مشهد تجمع کردند.

در روز سه‌شنبه، ۲۶ دی ۱۳۹۶، جمعی از کارگران گشت راهداری استان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها مطالبات خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. همچنین در ابهر، غارت‌شدگان کاسپین در مقابل این مؤسسه تجمع اعتراضی برگزار کردند و این تجمع باعث بسته شدن خیابان طالقانی شد. در تهران نیز جمعی از پرسنل شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس مقابل ساختمان سازمان بورس و اوراق بهادار به علت تعیین تکلیف نکردن وضعیت بحرانی این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. در قزوین نیز کارگران ایران قوطی مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان قزوین شعبه شهرک صنعتی البرز به دلیل عدم دریافت ۹ ماه حقوق و مزایا تجمع کردند. در تبریز نیز اعتراضات ۲۲۰ تن از کارگران ماشین‌آلات تراکتورسازی تبریز، پس از گذشت بیش از یک ماه همچنان ادامه دارد. آن‌ها در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۰ ماه حقوق عقب‌افتاده و پلمپ کارخانه از روز پنج‌شنبه ۲۳ آذر اعتراض خود را شروع کردند.

اعتراضات کارگری در ۲۷ دی در قزوین مقابل استانداری برگزار شد. در ۲۷ و ۲۸ دی تجمعاتی اعتراضی نیز در برابر موسسات کاسپین و ثامن در تهران و بدر توس در مشهد برگزار شد. در تهران مردم با حمله با تخم مرغ به مؤسسه کاسپین سعادت‌آباد، این شعبه را به تعطیلی در این روز کشیدند.

در ۲۷ دی، هم‌چنین رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد در مقابل ساختمان شورای شهرتهران تجمع کردند.

در روز شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۶، تجمع اعتراضی مالباختگان موسسه مالی ولیعصر در شهرستان رباط کریم برگزار شد. در این تجمع مردم شعارهایی از قبیل «حسین حسین شعارشون دزدی افتخارشون» و «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز زندگی مال‌باخته روی هواست امروز» سر دادند. در خلال برگزاری این تجمع، خودروی نیروی انتظامی به میان جمعیت آمد و یکی از تجمع‌کنندگان زن را زیر گرفت. هم‌چنین شماری از کارگران کارخانه کاغذسازی پارس در استان خوزستان در اعتراض به شیوه اجرای قانون طرح طبقه‌بندی مشاغل در این واحد صنعتی دست به برگزاری تجمع زدند. در شهرستان ملایر نیز جمعی از کارگران کارخانه کیان‌گُرد در اعتراض به تعویق حقوق و سایر مطالبات صنفی خود در مقابل این کارخانه تجمع کردند. در شهرستان کنگان بوشهر نیز کارگران کنگان فاز ۱۴ شرکت احداث در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق پرداخت نشده خود دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. ۶ اسفند ۱۳۹۶، با گذشت بیش از یک‌ماه کارگران اهواز از جمله کارگران فولاد اهواز شعار «مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر» سر دادند؛ شعاری که پیش از این کارگران هپکو اراک در پاسخ وعده مقاماتی مانند علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی وقت داده بودند درباره پرداخت مطالبات تا پایان مهرماه. هم‌زمان به‌صورت پراکنده هم‌چون در کرج از شعار «مرگ بر دستفروش، درود بر شهرداری» در راهپیمایی دستفروشان استفاده شده بود.

۷ اسفند ۱۳۹۶، در منابع خبری اعلام شد که ۳ روز از اعتصابات در بانه و پیرانشهر در نتیجه بسته شدن مرز با عراق می‌گذرد و خبرهایی از اعتصاب در مریوان و سردشت و پیوستن شهرهایی دیگر منتشر شد.

۱۸ اسفند ۱۳۹۶، چند صد تا چند هزار کشاورز اصفهانی که به بی‌آبی معترض بودند، اقدام به تخریب خط لوله آب زاینده رود به یزد کردند که با برخورد نیروهای پلیس مواجه شدند.

«در این تظاهرات هیچ نیروی متوازن کننده که بتواند نقش واسطه را میان معترضان و حکومت بازی کند وجود نداشته و بنابراین معترضان در وسط خیابان تصمیم می گیرند که چه شعاری بدهند و تا کجا پیشروی کنند.» بعضی از دیدگاه ها بیان می کنند که «دغدغه های اصلی تظاهرکنندگان مشکلات روزمره اقتصادی است» اما به نظر می رسد از نظر برخی تظاهرکنندگان «کوچک ترین مسائل هم در چارچوب تنگ سیاسی نظام حاکم قابل حل نیستند.»

روز ۱۸ دی ماه، درگذشت سینا قنبری در قرنطینه زندان اوین تأیید شد، او جوان ۲۲ ساله تهرانی بود که در اعتراضات تهران دستگیر شد. سپس محمود صادقی، نماینده مجلس از تهران، در توییتی با اشاره به مرگ سینا قنبری، نسبت به تکرار وقوع آن چه «کهریزک دوم» نامید، به رئیس جمهور هشدار داد.

وحید حیدری جوان ۲۳ ساله اهل اراک، در زندان این شهر درگذشت. در سه شنبه ۱۹ دی، دادستان عمومی و انقلاب استان مرکزی، مرگ دومین بازداشتی اعتراض ها در ایران را تأیید و ادعا کرد او نیز خودکشی کرده است. کمپین حقوق بشر در ایران به نقل از نزدیکان وحید حیدری گزارش داد که در زمان رویت جنازه، روی سر او آثار ضرب و شتم و کبودی دیده شده است.

آریا روزبهی بابادی، جوانی از طایفه بابادی ایل بختیاری که جنازه وی در ۱۹ دی در روزد کارون پیدا شد. وی در طی تظاهرات دی ماه مفقود شده بود.

سارو قهرمانی جوان ۲۴ ساله اهل سنندج که در ۱۲ دی دستگیر شد و در تاریخ ۲۳ دی ماه جنازه وی برای دفن سریع به خانواده اش تحویل شد. مادر سارو قهرمانی تأکید کرد که بر روی جنازه او آثار ضرب و شتم وجود داشته است.

کیانوش زندی، جوان ۲۴ ساله اهل سنندج که بعد از اعلام خبر کشته شدن سارو قهرمانی، توسط اقوام سارو اعلام شد فردی به نام کیانوش زند نیز همانند سارو در زندان و تحت شکنجه کشته شده است. در ۳۰ دی ۱۳۹۶ و ۶ روز پس از آنکه سرهنگ بازنشسته نیروی انتظامی و شوهر خاله سارو قهرمانی یعنی محمدرضا آرین، به فرد دیگری به نام کیانوش زند اشاره کرد که همراه با سارو در زندان سنندج جان خود را از

دست داده بود، کمپین حقوق بشر در ایران اعلام کرد که در گفت‌وگو با خانواده کیانوش زندی، به آن‌ها اعلام شده است که در ۲۳ دی ماه مأموران وزارت اطلاعات با مراجعه به خانه کیانوش زندی، مادر او را برای دفن جسد در قبری که از پیش در در بهشت محمدی سندیج آماده کرده بودند برده و او را دفن کرده‌اند. براساس گفته خانواده وی، کیانوش در ۱۲ دی مفقود شده بود.

علی پولادی جوان ۲۶ ساله اهل روستای گویترا از توابع بخش مرزن آباد شهرستان چالوس، به ظن تیراندازی توسط نیروی انتظامی دستگیر و در ۲۳ دی ماه به خانواده وی اعلام شد که برای تحویل جنازه وی مراجعه کنند.

سیدشهاب‌الدین ابطیحی‌زاده، جوان ۲۰ ساله اهل اراک که در ۱۲ دی دستگیر شد و جنازه وی در ۲۲ دی در مقابل منزلش رها شد. قاسم عبداللهی رییس کل دادگستری استان مرکزی در ۲۷ دی ماه ضمن تأیید پیدا شدن جنازه این فرد در جمعه ۲۲ دی در یک منزل متروکه در حاشیه شهر اراک، اعلام کرد که با بررسی‌های انجام شده، این فرد به دلیل تزریق مواد مخدر جان خود را از دست داده است. بر روی بدن شهاب ابطیحی، جراحاتی دیده می‌شد که به‌نظر می‌رسید بر اثر جراحات باتوم ایجاد شده بود.

مریم (فروزان) جعفرپور، جوان ۲۷ ساله دانشجوی مهندسی برق که به نقل از پدرش، در یکی از تجمع‌های اعتراضات سراسری بازداشت می‌شود و سپس جسد او را پس از کالبدشکافی تحویل خانواده می‌دهند. فعلاً جزئیات بیشتری از این فرد در دسترس نیست.

طالب بساطی، کارمند اورژانس شهرستان ملکشاهی و دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه ایلام که جنازه وی هشت روز پس از بازداشت در یک‌شنبه ششم اسفند به خانواده وی تحویل شد. به گفته خانوادگی وی، در گواهی فوت آقای بساطی ذکر شده بود که وی به دلیل «ترومای مغزی» فوت کرده است. پس از انتشار اخبار درگذشت وی در رسانه‌ها، نماینده وقت ایلام اعلام کرد که طالب بساطی بعد از ناآرامی‌های دی ماه بازداشت شده و بر اثر سکت در زندان فوت کرده‌است.

مهدی صالحی قلعه شاه‌رخی که در ۱۲ آبان ۹۸ توسط نیروهای امنیتی به‌دلیل شرکت در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ بازداشت شده، و به اعدام و پنج سال حبس تعزیری محکوم شده بود، «بر اثر تزریق داروی اشتباه» به اغما رفته و در ۲۵ فروردین ۱۴۰۱ در زندان خمینی‌شهر اصفهان جان باخت.

شهریار شمس، در تجمعات اعتراضی دی‌ماه ۱۳۹۶ توسط نیروهای امنیتی سپاه پاسداران در تهران بازداشت شد و پس از انتقال به بازداشتگاه و تفهیم اتهام و تحمل ۱۰ روز سلول انفرادی با تودیع قرار وثیقه آزاد شد. او در زمان بازداشت در اعتراضات دی، ۱۸ ساله و دانشجوی ترم اول رشته مکانیک بود.

در پی اعتراضات دی ۱۳۹۶، دست‌کم، چندین تن، توسط جمهوری اسلامی، اعدام شدند؛ از جمله:

در بهمن ۱۳۹۸، ۵ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۱۳۹۶ در اصفهان به نام‌های مهدی صالحی، محمد بسطامی، مجید نظری‌کندری، هادی کیانی و عباس محمدی هرکدام به ۲ بار اعدام و ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند. مصطفی صالحی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۱۳۹۶، که در کهریزسنگ اصفهان بود، در صبح ۱۵ مرداد ۱۳۹۹ اعدام شد.

فهرست برخی از شعارها

مرگ بر دیکتاتور

مرگ بر خامنه‌ای

مرگ بر روحانی

مرگ بر روسیه

مرگ بر حزب‌الله

اسلام رو پله کردید، مردم رو ذله کردید

حسین، حسین، شعارشه؛ تجاوز، افتخارشه!
سید علی حیا کن، مملکتو رها کن
اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا
رهبر فدای ملت
این همه لشکر آمده، علیه رهبر آمده
سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن
شعار هر ایرانی، مرگ بر گرانی
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
ملت گدایی می کند، آقا خدایی می کند
سید علی بخشین، دیگه باید بلند شین
پلیس برو دزد رو بگیر
نترسید نترسید ما همه با هم هستیم
خامنه ای قاتله، ولایتش باطله، سید علی بدونه، به زودی سر نگونه
نان، کار و آزادی
آخوندها حیا کنید، مملکت رو رها کنید
کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است
عزا عزاست امروز، حقوق ملت ما زیر عباس است امروز
توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه
جوون بیکار نشسته، آخوند تو کاخ نشسته

جنبش سال 1398 ایران

جنبش آبان ۱۳۹۸ یا آبان خونینی ایران، مجموعه اعتراضات مردمی و ضد حکومتی در سراسر ایران بود که در ۲۴ آبان ۱۳۹۸ و پس از انجام مجدد سهمیه‌بندی بنزین افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین آغاز شد. این اعتراضات که عمدتاً در محلات کارگری و فقیرنشین شهری متمرکز و در ابتدا مسالمت‌آمیز بود، در واکنش به افزایش قیمت بنزین آغاز شد ولی سپس جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن را هدف گرفت. بر اساس گزارش نهادهای امنیتی ایران، ۲۹ استان و صدها شهر دستخوش ناآرامی‌های پس از افزایش قیمت بنزین بودند.

از شامگاه ۲۴ آبان ۱۳۹۸، اعتراضات در شهرهای مشهد، تهران، اهواز، کرمانشاه، سنج، مریوان، ارومیه، بوکان، یرجان، شیراز و... آغاز شد و سریعاً به بندرعباس، اصفهان، کرمان، قزوین، شهرک اندیشه، ماهشهر، گچساران، خرمشهر، بابل، رشت، بیرجند، جیرفت، شوشتر، اندیشک، کازرون، بهبهان، بوشهر، دهدشت و... گسترش یافت.

کمپین نه به خرید بنزین، خاموش کردن و توقف خودروها در خیابان‌ها، جاده‌ها و معابر، اعتصاب، بستن بازارها و مغازه‌ها در برخی شهرها، بستن جاده‌ها و خیابان‌ها با راهپیمایی، سنگ، خاک و روشن کردن آتش، نشستن در خیابان و سرودخوانی دسته‌جمعی، نشان دادن کیلومتر خودروها به نشانه حرکت ندادن آن‌ها، انجام فعالیت‌های مختلف در خیابان‌های عاری از خودرو مانند: فوتبال‌بازی کردن، والیبال‌بازی کردن، تخته نرد بازی کردن، قلیان کشیدن، سبزی پاک کردن، رقصیدن، بزه‌گویی مردم عرب در خوزستان، خوابیدن در خیابان با کفن، دادن گل به ماموران و نیروهای انتظامی، سه‌چرخه‌سواری

با سه‌چرخه کودکان، سر دادن شعار و... از جمله این روش‌ها برای اعتراض بود. با وحشی‌گری حکومتیان و ماموران حکومتی، اتفاقاتی مانند تخریب و آتش زدن اموال دولتی و حمله به حوزه‌های علمیه و دفترهای امامان جمعه رخ دادند. حکومت با هدف تشدید سرکوب، خود اقدام به تخریب اموال عمومی کرد و آن را به معترضان نسبت داد.

در روز اول اعتراضات اینترنت تلفن همراه در شهرهای مشهد، اهواز، بهبهان، امیدیه و...، مختل شد و از ۲۵ آبان به دستور شورای عالی امنیت ملی، قطعی سراسری اینترنت آغاز شد. با گسترش تجمعات اعتراضی در ۲۵ آبان، محمدجعفر منتظری، دادستان وقت کل ایران، معترضان به افزایش قیمت بنزین را «اخلال‌گر» خواند و تهدید کرد که با آنان برخورد جدی خواهد شد. هم‌زمان با آن نهادهای امنیتی ایران با ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز به تلفن‌های همراه بعضی شهروندان شرکت کرده در تجمعات، آن‌ها را تهدید به پیگرد قانونی در صورت تکرار شرکت در تجمعات غیرقانونی کردند. دو روز پس از سه برابر شدن قیمت بنزین، علی خامنه‌ای، از تصمیم سران قوا مبنی بر افزایش قیمت بنزین حمایت کرد. او آتش‌زدن بانک‌ها و ایجاد ناآرامی را به «اشرار و ضدانقلاب و دشمنان ایران» نسبت داد و با اشاره به جان‌باختن تعدادی از معترضان، اجرای طرح افزایش قیمت سوخت را ضروری دانست. خامنه‌ای در این سخنرانی، ۲۶ پنج بار بر سر رشته نداشتن یا تخصص نداشتنش در مورد مسائل اقتصادی تأکید کرد. سخنان خامنه‌ای در ۲۶ آبان از سوی مخالفانش به فرمان «سرکوب اعتراضات» تعبیر شد، اما افراد نزدیک به حکومت صحبت‌های او را «فداکارانه» و «باعث پایان آشوب‌ها» ارزیابی کردند. رویترز در گزارش ویژه خود در ۲ دی ۱۳۹۸ نوشت که خامنه‌ای در جلسه‌ای با حضور مقامات امنیتی و دولتی، از آن‌ها خواسته تا به هر قیمتی که شده اعتراضات مردم را متوقف کنند.

مردم اهواز با تجمع در مناطقی از شهر با سر دادن شعار «اهوازی با غیرت، ماشین‌ات رو خاموش کن» خواستار خودداری شهروندان از خرید و مصرف بنزین شدند. در فلکه کیان اهواز تجمع و تظاهرات گسترش یافت که با حمله موتورسواران ضدشورش مردم با آن‌ها درگیر شدند.

در سیرجان با شدت گرفتن اعتراضات، دست‌کم یک پمپ بنزین به آتش کشیده شد و یک نفر به نام جواد نظری فتح‌آبادی (نخستین فرد کشته‌شده در این اعتراضات) در حمله نیروهای امنیتی به تجمع‌کنندگان کشته شد. به گفته خبرگزاری وابسته به دولت، ایرنا، معترضان سیرجانی سعی داشتند انبار نفت شهر را آتش بزنند که با واکنش نیروی انتظامی مواجه شده و ناکام ماندند.

در مشهد معترضان به گران شدن بنزین، خودروهای خود را در بلوار وکیل آباد خاموش کرده و از حرکت سر باز زدند. آن‌ها شعار می‌دادند: «روحانی حیا کن، مملکت را رها کن» و «دیکتاتور حیا کن، مملکت را رها کن». نیروهای امنیتی برای مقابله با معترضان به شلیک گاز متوسل شدند.

در بهبهان مردم معترض شعار می‌دادند: «بنزین گران‌تر شده، فقیر فقیرتر شده» و یک شعبه بانک ملی به آتش کشیده شد.

در امیدیه، مردم دست به تجمع و اعتراض زدند و جاده این شهر به آغاچاری را بستند و ترافیک بسیار سنگینی را ایجاد کردند.

در شهر قدس تهران، مردم در شامگاه ۲۴ آبان تجمع و اعتراض کرده و یکی از خودروهای یگان ویژه را واژگون کردند.

شنبه ۲۵ آبان اعتراضات در تهران بالا گرفت و مردم برخی از اتوبان‌ها از جمله اتوبان همت، اتوبان کرج-تهران، بلوار بابایی و تهران پارس را بستند و در زیر پل ستارخان شعار سر دادند: «مرگ بر گرانی» و «مرگ بر دیکتاتور»، «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه».

معترضان در شرق تهران، با سنگ و آجر اتوبان امام علی را بستند و با نیروهای انتظامی که به سمت مردم گاز اشک‌آور پرتاب کردند، درگیر شدند.

در شیراز و اصفهان مردم معترض خودروهای خود را در خیابان‌ها خاموش کردند، مسیر را بسته و علیه سران حکومت شعار سردادند.

دامنه اعتراضات و درگیری‌ها به بندرعباس، اصفهان، ماهشهر، گچساران، خرمشهر، بابل، بیرجند، شوشتر، اندیمشک و قم گسترش پیدا کرد و در اصفهان و کرمان چند پمپ بنزین به آتش کشیده شد.

اعتراضات شنبه ۲۵ آبان در اراک، تبریز، بوشهر، ارومیه، کرج، کرمانشاه، سپل ذهاب، سقز، مریوان، رشت، گرمسار، کردستان، لرستان، اسلامشهر، ساری، گرگان، یاسوج، دهدشت، جیرفت، نجف‌آباد، شاهین‌شهر، رامهرمز، مریوان، جوانرود، پاسارگاد، شهر قدس، دماوند، سمنجان، بندر ریگ، یزد، نیشابور، چابهار، اهر، رودهن، گچساران، زاهدان، فردیس کرج، قزوین، همدان و خرم‌آباد لرستان ادامه داشت.

در شهریار معترضان مجسمه انگشتر سیدروح‌الله خمینی که در میدان امام خمینی آن شهر نصب شده بود را به آتش کشیدند و آن را وسط خیابان اصلی شهر (خیابان ولیعصر) قرار دادند. گزارش‌ها از تیراندازی و تیر خوردن تعدادی از معترضان در شهریار حکایت دارند.

چند بانک در تهران، اندیشه، اسلام‌شهر، بهبهان، جاده ساوه و رباط کریم و یک حوزه علمیه در اصفهان به آتش کشیده شد.

در بسیاری از ویدئوهای منتشر شده از اعتراضات، مأموران پلیس، مستقیم به جمعیت تیراندازی می‌کنند. در بعضی از این ویدئوها، شماری از کشته‌شدگان دیده می‌شوند که از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند. زمانی که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی اقدام به سرکوب خشن اعتراضات کردند، اعتراض‌کنندگان جسورتر شدند و در بسیاری از شهرها، خیابان‌ها به صورت منطقه جنگی درآمد و ساختمان‌های دولتی، خودروها، خودروهای پلیس، بانک‌ها و بعضی از مغازه‌ها توسط معترضان و نیروهای امنیتی تخریب و جریان عادی کسب و کار و آمد و شد مختل شد. در برخی مناطق شهری شبکه بانکی، مخابراتی، سوخت‌رسانی و ترابری شهری تخریب و فروشگاه‌های دولتی غارت شدند.

میچل باچله، کمیسر حقوق بشر سازمان ملل، در ۱۵ آذر ۱۳۹۸ گفت: «تصاویری دریافت کرده‌ایم که به نظر می‌رسد نیروهای امنیتی از روی بام ساختمان‌ها و سوار بر بالگرد به معترضان در حال فرار از پشت سر تیراندازی می‌کنند، و این که مستقیم به صورت یا اعضای حیاتی معترضان تیراندازی می‌کنند.» او احتمال داد که تعداد زیادی از ضاربان به جرایمی متهم شوند که مجازات اعدام در پی داشته باشد.

در ۱۴ شهریور ۱۳۹۹، جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، طی گزارشی که به سازمان ملل متحد ارائه داد، برخورد «به شدت خشن» نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه معترضان را بی‌سابقه و حیرت‌آور توصیف کرد و از شکنجه افراد بازداشت‌شده خبر داد. او ضمن اشاره به مواردی هم‌چون شلیک نیروهای امنیتی به ارگان‌های حیاتی معترضان، با طرح این احتمال که آمار واقعی جان‌باختگان می‌تواند بسیار بیش‌تر از تعداد اعلام شده باشد، از حکومت جمهوری اسلامی به علت خودداری

از انتشار آمار قربانیان انتقاد کرد. هم‌زمان، سازمان عفو بین‌الملل طی گزارشی به شکنجه بازداشت‌شدگان به روش‌هایی مانند اعدام نمایشی، شوک الکتریکی، و القای حس خفگی با آب برای گرفتن اعتراف اجباری اشاره کرد.

خبرگزاری‌ها و سازمان‌های حقوق بشری خارج از کشور، بر اساس تحقیقات و منابع خود، تعداد جان‌باختگان اعتراضات را از چند صد نفر تا ۱۵۰۰ نفر اعلام کرده‌اند؛ این در حالی است که مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران از اعلام رقم دقیق کشته‌شدگان سر باز می‌زنند. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیش از ۷۵۰۰ مرگ بدون دلیل در پاییز ۱۳۹۸ و ۶۳۰۰ مرگ بدون دلیل در آبان ۱۳۹۸ ثبت شده است که علت این مرگ‌ومیر کوید ۱۹، آنفولانزای فصلی، تصادفات جاده‌ای و حوادث طبیعی نبوده است. آمار دقیقی نیز از بازداشت‌شدگان در دسترس نیست، اما جمع‌بندی سخنان مقامات رسمی جمهوری اسلامی و همچنین گزارش نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که در جریان اعتراضات دست‌کم ۸۶۰۰ نفر در ۲۲ استان ایران بازداشت شدند.

در نیمه‌شب ۲۴ آبان ۱۳۹۸، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، بدون اطلاع‌رسانی قبلی اعلام کرد که سهمیه‌بندی بنزین دوباره آغاز شده است. بر این اساس قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومان تعیین شد و نرخ هر لیتر بنزین آزاد از ۱۰۰۰ به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافت.

ساعاتی بعد از اعلام نرخ جدید، حسن روحانی دلیل این افزایش را تقسیم درآمد حاصله بین شصت میلیون ایرانی عنوان کرد و گفت «ریالی از این پول به خزانه نخواهد رفت.» او تلاش دولت برای جبران کسری بودجه از محل افزایش قیمت بنزین را تکذیب کرد و ادعا کرد این تصمیم به نفع مردم و قشر تحت فشار جامعه است. چنین ادعای رییس دولت جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر این که درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین، صرف قشر کم‌درآمد جامعه شود یک شوخی تلخ بیش نبود. با وجود آن که دولت، بارها علت اصلی سهمیه‌بندی بنزین را مبارزه با قاچاق سوخت، کاهش مصرف بنزین و بهبود شرایط محیط زیست اعلام کرده بود، پس از فروکش کردن ناآرامی‌ها

حسن روحانی، رئیس جمهور وقت، در توضیح شرایط اقتصادی بحران زده دولت، باز هم ادعا کرد:

«سالانه حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اداره کشور در خزانه نیاز است، بالاترین مالیاتی که پیش بینی می شود سال آینده بتوانیم بگیریم ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است، ۳۰۰ هزار میلیارد تومان دیگر که برای بودجه لازم است را از کجا بیاوریم؟ درآمد اصلی که کشور را اداره می کند پول نفت است.»

مطابق با آمارهای بین المللی، پس از برجام، فروش نفت ایران ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. اما بعد از خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم ها علیه ایران، تحریم ها علیه ایران، این عدد به ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته که از میزان فروش نفت ایران در دوران جنگ ایران و عراق نیز پایین تر است. طبق گفته الکساندر نوواک در سال ۸۹، وزیر انرژی روسیه، ایران در صدد بوده تا وامی به مبلغ ۲ میلیارد دلار از روسیه دریافت کند و حتی در تلاش بوده مبلغ این وام را تا سقف ۵ میلیارد دلار افزایش دهد که این خود نشان از وخامت اوضاع اقتصادی ایران در آن زمان دارد.

در نخستین روز اعتراضات، گزارش هایی منتشر شد مبنی بر این که معترضان ماهشهری اقدام به بستن جاده ماهشهر کرده اند. آن ها پس از هجوم نیروهای امنیتی به نیزارهای حاشیه شهرک چمران گریختند و در آنجا با رگبار سنگین آن نیروها قتل عام شدند. در آذر ۱۳۹۸، نیویورک تایمز در گزارشی به نقل از شاهدان عینی و خدمه پزشکی نوشت که در بندر ماهشهر، ماموران امنیتی ۴۰ تا ۱۰۰ تظاهرکننده (عمدتا شامل مردان جوان غیرمسلح را) در نیزاری که به آن پناه برده بودند حلقه کردند و به ضرب گلوله کشتند. این افراد جزو معترضانی بودند که برای سه روز جاده اصلی میان شهر و مجتمع پتروشیمی حومه شهر را بسته بودند. پیش تر وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه ای بسته شدن جاده ماهشهر به بندر امام توسط معترضان را تأیید کرده بود. پس از او تلویزیون جمهوری اسلامی هم کشته شدن معترضان در نیزار ماهشهر را تأیید کرد و آن ها را «اشرار مسلح و تجزیه طلب» نامید که قصد تصرف پتروشیمی آن شهر را داشتند.

تصاویر فراوانی که در جریان اعتراضات توسط شهروندان ضبط و منتشر شد، نشان می‌دهند که در نقاط مختلف کشور نیروهای امنیتی، سپاه پاسداران و بسیج با استفاده از سلاح‌های جنگی، به صورت مستقیم و هدفمند به سوی معترضان تیراندازی کرده‌اند. گزارش‌ها و فیلم‌های ضبط شده نشان می‌دهد در برخی از شهرها از جمله تهران، شیراز، شهریار، کرمانشاه و جوانرود، پلیس و نیروهای امنیتی به سوی معترضان شلیک شدید و مستقیم می‌کنند.

در گزارش عفو بین‌الملل از اعتراض‌های آبان ۹۸ که مبتنی بر تحقیقات چند ماهه است آمده‌است: «به جز چهار مورد، همه قربانیان بر اثر اصابت گلوله‌های نیروهای امنیتی - از جمله اعضای سپاه پاسداران و بسیج و مأموران نیروی انتظامی - جان باخته‌اند؛ گلوله‌های مرگبار این نیروها اغلب به سمت سر یا بالاته^۱ قربانیان شلیک شده، و این نشان می‌دهد که هدف آنان شلیک به قصد کشتن بوده‌است.» در موردی هم‌چون ماهشهر، تصاویر نشان می‌دهند که نیروهای سپاه پاسداران با استفاده از سلاح‌های نیمه سنگین جنگی، هم‌چون دوشکا و تیربار معترضان را هدف قرار داده‌اند.

در ۲۹ آبان ۱۳۹۸، اخبار ۲۰:۳۰، ضمن پخش اعترافات یکی از بازداشت‌شدگان به‌نام فاطمه داوند، از حضور پُررنگ زنان به‌عنوان لیدر و نقش آن‌ها در تحریک احساسات حاضرین و هدایت گروه‌ها سخن گفت. تلویزیون ایران این زن را یکی از عوامل اصلی اعتراضات شهر بوکان معرفی کرد که هنگام خروج از ایران توسط «سربازان گمنام امام زمان» دستگیر شده‌است. داوند در یکی از خیابان‌های بوکان گلوله خورده و بازداشت شده بود.

خبرگزاری رویترز در ۳ دی ۱۳۹۸، تعداد کشته‌شدگان را بر اساس آمار دریافتی از سه مقام وزارت کشور ایران که خواسته‌اند نامشان فاش نشود، حدود ۱۵۰۰ تن در ۱۹۰ شهر اعلام کرد.

محمد بریحی ۱۷ ساله در اهواز، ساسان ایدی‌وند ۱۷ ساله در اصفهان و امیررضا عبدالهی ۱۳ ساله در اسلامشهر هدف گلوله^۲ نیروهای امنیتی قرار گرفتند و جان

باختند. در ۷ آذر ۱۳۹۸، خردسال‌ترین قربانی این سرکوب‌ها، یک کودک ۹ ساله در شهریار تهران بوده است.

از سوی دیگر، مقام‌های حکومت جمهوری اسلامی نیز مرگ هفت نفر از ماموران امنیتی یا اداری شامل سه نفر بسیجی، دو نفر افسر پلیس، یک نفر کارمند شهرداری و یک نفر کارمند جهاد دانشگاهی را تایید کرده‌اند. در ۱۰ خرداد ۱۳۹۹، وزیر کشور در یک برنامه تلویزیونی، ادعا کرد: «حدود ۴۰ یا ۴۵ نفر یعنی حدود ۲۰ درصد کشته‌شدگان آبان، افرادی بودند که با سلاح‌های غیر سازمانی کشته شدند.»

در ۵ آذر ۱۳۹۸، حسین نقوی حسینی، سخن‌گوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس آمار بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری آبان را حدود ۷۰۰۰ نفر اعلام کرد.

در ۴ آذر اعلام شد به‌دلیل آمار بالای دستگیرشدگان و انتقال تعداد زیادی از آن‌ها به زندان فشافویه، بازداشت‌شدگان در وضعیت سخت و نامناسبی به‌سر می‌برند، به‌طوری که رئیس شورای اسلامی شهرستان ری نسبت به وضعیت زندان و تعداد بالای بازداشتی‌ها هشدار داده‌است.

قاسم میرزایی نیکو، نماینده دماوند و فیروزکوه در مجلس شورای اسلامی، گفته‌است که اعتراض‌ها در بیش از ۵۰۰ نقطه ایران رخ داده است؛ هر چند بر پایه برخی از منابع دیگر، اعتراضات در ۲۹ استان و ۱۰۴ شهر و ۷۱۹ جای کشور، رخ داده‌است.

شعارها جنبش ۱۳۹۸

شعارهای معترضان در اعتراضات آبان را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد. دسته اول شعارهایی بودند که به دیکتاتوری مذهبی، سرکوب و نبود آزادی‌های فردی و سیاسی و اجتماعی اعتراض می‌کردند و خواهان آزادی و حذف انواع تبعیض می‌شدند. گروه دوم شعارها خواست عدالت اجتماعی را مطرح می‌کردند و به گرانی، فقر، استثمار و فساد اعتراض می‌کردند.

جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم، نمی‌خوایم
اهوازی با غیرت، ماشینیت رو خاموش کن
آسید علی ببخشید، دیگه باید بلند شید
ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما
مرگ بر خامنه‌ای
روحانی حیا کن، مملکت را رها کن
دیکتاتور حیا کن، مملکت را رها کن
بنزین گرون تر شده، فقیر فقیرتر شده
مرگ بر گرانی
مرگ بر دیکتاتور
تترسید تترسید ما همه با هم هستیم
توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه
ایرانی با غیرت، حمایت، حمایت
خامنه‌ای به هوش باش، ما مردمیم نه اوباش
ملت چرا نشست، منجی خود تو هستی
ایرانی بسه دیگه، غیرتو نشون بده

دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست
ای ملاها جمع کنین، شرتونو کم کنین
خیابون‌ها خونی شد، آزادی قربانی شد
جواب ما تفنگ نیست، این همه کشته کم نیست
فقر، کشتار، گرانی، مردم شدن قربانی
پول نفت گم شده، خرج بسیجی شده
رهبر بی‌کفایت، نمی‌خوایم نمی‌خوایم
آزادی و عدالت، این است شعار ملت
ایرانی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد

...

اعتراضات 1401 و انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

اعتراضات ۱۴۰۱ ایران، شامل تجمع‌ها و اعتراضات گوناگونی در ایران است که در سال ۱۴۰۱ رخ داده‌اند. ریشه‌های این اعتراضات مشکلات اقتصادی، سیاسی، رخدادهای اجتماعی و فرهنگی است که به‌صورت اعتراضات خیابانی بدون ساختار رهبری علنی و خودجوش مردمی یا به‌صورت اعتراضات صنفی با ساختار رهبری و از پیش برنامه‌ریزی‌شده انجام می‌شود. این اعتراضات با ادامه اعتراضات و اعتصابات معلمان ایران شروع و با اعتراضات به گرانی مواد خوراکی در پی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و اعتراض خرداد پس از فروزیختن ساختمان متروپل گسترش یافت در شهریور ۱۴۰۱ نیز کشته‌شدن مهسا(ژینا) امینی توسط گشت ارشاد، زمینه‌ساز انقلاب «زن، زندگی، آزادی» شد.

در سال ۱۴۰۱، تجمع سراسری معلمان به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، در اعتراض به دستگیری معلمان، وضعیت معیشتی نامناسب معلمان شاغل و بازنشسته و همچنین کمبود امکانات آموزشی برگزار شد. تنها در شهر تهران، ۷۰ نفر در این گردهمایی بازداشت شدند و به علت برخورد شدید امنیتی، معلمان نتوانستند تجمع خود را در عمل برگزار کنند، اما در شهرهای دیگر این تجمعات برگزار شد.

در استانه روز معلم در ایران و برگزاری تجمعات اعتراضی، نیروهای امنیتی ایران چند فعال صنفی معلمان را احضار یا بازداشت کردند. علی‌اکبر باغانی، رسول بدایی، محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی از اعضای کانون صنفی معلمان ایران بودند که در تهران بازداشت شدند. این برخوردها یک روز پیش از فراخوان کانون صنفی معلمان برای برگزاری تجمع اعتراضی معلمان در مقابل مجلس و مراکز آموزش پرورش در شهرها و شهرستان‌های ایران صورت گرفت. در ادامه این تجمعات و اعتراضات مسعود فرهیخته و لطف‌الله جمشیدی، از فعالان صنفی معلمان در مقابل مجلس ایران بازداشت شدند.

یوسف نوری، وزیر آموزش و پرورش ایران معلمان معترض را به اخراج تهدید کرد و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، از دستگیری دو تبعه یک کشور اروپایی در ایران به اتهام تلاش برای ایجاد آشوب خبر داد و ادعا کرد آن‌ها با شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در ارتباط بوده‌اند.

در این اعتراضات شعارهایی هم‌چون «رئیزی، قالیباف، این آخرین پیام است. جنبش فرهنگیان آماده قیام است»، «یه سیسمونی کم بشه، مشکل ما حل می‌شه»، «تنگ ما، تنگ ما، وزیر الدنگ ما»، «معلم زندانی، آزاد باید گردد» و «مدعی عدالت، خجالت، خجالت» سر داده شد.

اعتراضات ۱۴۰۱ دانش‌آموزان ایران، پس از آن اوج گرفت که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان فراخوانی برای اعتصاب در مدارس اعلام کرد و با انتشار بیانیه‌ای از معلمان و دانش‌آموزان در سراسر کشور خواست تا در «همبستگی با معترضان جان به لب آمده» در کلاس‌ها حضور پیدا نکنند و به این وسیله اعتراض خود را به «بی‌عدالتی‌های حاکمیت» نشان دهند

اعتراضات سینماگران زن ایران، مجموعه افشاگری‌ها و اعتراضات نسبت به آزار جنسی در سینمای ایران است که توسط سینماگران زن اتفاق افتاد. این افشاگری‌ها و اعتراضات از فروردین ۱۴۰۱، زمانی که سمیه میرشمسی، دستیار کارگردان، اتهامی علیه فرهاد اصلانی، بازیگر شناخته‌شده سینمای ایران مطرح کرد شروع شد. و در پی طرح این اتهام آزار جنسی، بیش از ۵۰۰ نفر از زنان سینماگر از جمله صدها بازیگر و کارگردان زن شناخته شده در بیانیه‌ای بی‌سابقه، با تأیید وجود خشونت سیستماتیک علیه زنان در سینمای ایران، خواستار برخورد قانونی جدی با متخلفان شدند.

در واکنش به بیانیه زنان سینماگر، خانه سینما، جامعه اصناف سینمای ایران، هر گونه خشونت به‌ویژه خشونت جنسی به هر شکل در صنعت سینما را محکوم کرد و اعلام کرد که شورای صیانت خانه سینما مسئول رسیدگی به اتهامات مرتبط با خشونت رفتاری در سینماست. در مقابل زنان سینماگر امضای‌کننده بیانیه، ساختار خانه سینما را فاقد استقلال لازم برای بررسی این موارد دانسته و در رای‌گیری، پنج سینماگر زن را برای

تشکیل یک کمیته مستقل برای پیگیری مطالبات بیانیه و رسیدگی به موارد خشونت و آزار علیه سینماگران زن انتخاب کردند.

دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱، جمعی از رانندگان و کارگران شرکت واحد خطوط بی آر تی در مقابل اداره مرکزی شرکت واحد تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند. آن‌ها به حذف مصوبه مزد شورای عالی کار و اعمال ده درصد افزایش حقوق برای کارگران و رانندگان شرکت واحد، اعتراض داشتند و شعار می‌دادند: «شهردار بی‌لیاقت، استعفا، استعفا» و همچنین شعار «مدیر بی‌لیاقت استعفا استعفا».

یکشنبه ۲۵ اردیبهشت، جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تبریز، اهواز، قزوین، اراک، مشهد، اصفهان، ایلام و... در مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان دست به تجمع زده و شعار می‌دادند: «وزیر بی‌لیاقت، استعفا استعفا»، «معیشت منزلت حق مسلم ماست»، و «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون» سر دادند. آن‌ها مطالبات‌شان را افزایش حقوق در موازات خط فقر، اجرای قانون همسان سازی حقوق، رفع مشکلات بیمه تکمیلی، پرداخت پاداش آخر سال و همچنین محاسبه سوابق مشاغل سخت و زیان‌آور در محاسبات مربوط به حقوق‌شان، عنوان کردند.

دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه، جمعی از بازنشستگان در شهرهای تبریز، اهواز، قزوین، اراک، مشهد، اصفهان و ایلام در مقابل ادارات تامین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه‌شنبه، ۲۷ اردیبهشت نیز اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ادامه یافت. کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران می‌گویند تا محقق شدن مطالبات و آزادی کامل همکاران زندانی خود به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. همچنین گزارش شده‌است که از سه‌شنبه، کارگران واحدهای تعمیرگاه و توقفگاه‌ها نیز به رانندگان معترض ملحق شده‌اند.

پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت، جمعی از کشاورزان شهرستان سرپل ذهاب در استان کرمانشاه، در مقابل اداره جهاد کشاورزی این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. بر اساس گزارش رسانه‌ها، تجمع این کشاورزان در اعتراض به واگذاری بذر نامرغوب کلزا و چغندر از سوی این سازمان به کشاورزان صورت گرفته‌است.

یکشنبه ۱ خرداد، کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عقب افتادن دستمزد ۵ ماهه خود، در مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد دست به تجمع زدند.

به گفته یکی از کارگران: ۱۲ ساعت کار می‌کنیم، پول کرایه نداریم، مجبوریم مسیر را پیاده برویم. اگر اعتراض هم بکنیم به اخراج تهدیدمان می‌کنند. بنا به گزارش رسانه‌ها، شهردار یاسوج کارگران را تهدید به پایان دادن به این تجمع اعتراضی کرده‌است.

چهارشنبه ۴ خرداد، جمعی از کارگران قرار داد موقت وزارت نفت، در مقابل این وزارتخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران گفتند که طی ده سال اخیر، طبق مصوبات شورای عالی کار و قانون کار افزایش‌های سالانه را دریافت نکرده و اکنون باوجود افزایش ۵۷/۴ درصدی در سال جاری، به مدت ۱۰ سال مابه‌التفاوت افزایش حقوق را طلب کار هستیم.

سه‌شنبه ۱۰ خرداد، تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر در مقابل این مجتمع در اعتراض به عملی نشدن رای انفصال از خدمت مدیرعامل تجمع کردند. پنج‌شنبه ۱۲ خرداد، کارگران شرکت صنایع شیشه آذر تبریز در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد و معوقات حقوق چندین ماه گذشته در مقابل این شرکت دست به تجمع زدند.

چهارشنبه ۱۱ خرداد، تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر، در مقابل ساختمان اداری این کارخانه برای دومین روز جهت کسب مطالبات خود دست به تجمع زدند.

چهارشنبه ۱۱ خرداد، شماری از کارگران شرکت صنایع آذرب، در اعتراض به نداشتن کار در شرکت و معوقات ۲ ماهه، برای دو روز متوالی در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند.

شنبه ۱۴ خرداد، کارگری بنام مجید بهجت نژاد، متأهل و پدر ۳ فرزند به دلیل مشکلات معیشتی دست به خودسوزی زد. او پس از خودسوزی در بیمارستان یاسوج به کما رفته و جان خود را از دست داد.

شنبه ۲۱ خرداد، گروهی از کارگران مربوط به شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ داروگر، شامل کارخانه داروگر تهران و شرکت تولیدی تولی پرس قزوین در محوطه این کارخانه‌ها دست به تجمع اعتراضی زدند.

یکشنبه ۲۲ خرداد عده‌ای از کارگران کارخانه داروگر تهران، از شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ داروگر، برای دومین روز پی در پی در محوطه این کارخانه تجمع اعتراضی بر پا کردند.

شنبه ۲۸ خرداد، گروهی از کارگران شهرداری خرمشهر، در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و مطالبات چند ماهه خود، اعتصاب کرده و در برابر فرمانداری تجمع کردند. دوشنبه ۳۰ خرداد، گروهی از کارگران شهرداری لالی در استان خوزستان، به دلیل عدم دریافت معوقات مزدی و بیمه‌ای خود تجمع اعتراضی بر پا کردند.

شب دوشنبه ۳۰ خرداد نیز عده‌ای از کارگران شهرداری ایلام جلو واحد موتوری این شهرداری تجمع اعتراضی بر پا کردند. علاوه بر این، شماری از کارگران آرماتوربند پیمانی نیز در یکی از پارک‌های کرمانشاه تجمع اعتراضی داشتند.

سه‌شنبه ۳۱ خرداد، اعتصاب کارگران شاغل در شهرک‌های صنعتی محمودآباد، دولت‌آباد، بختیاردشت، میمه، رضوان‌شهر، نجف‌آباد و دوشاخ، برای چهارمین روز پی در پی ادامه داشت.

چهارشنبه ۱ تیر، کارگران داربست فاز ۱۴ عسلویه، کارگران پروژه پتروپالایش کنگان، کارگران پتروشیمی کیان، کارگران سایت‌های ۱ و ۲ پروژه پتروشیمی در بوشهر، کارگران پتروشیمی دماوند و کارگران داربست مربوط به پروژه پتروشیمی آرین متانول، در اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست‌های خود با فراخوان از قبل، به کارشان توقف زده و اعتصاب کردند. همچنین در چهارشنبه ۱ تیرماه ۱۴۰۱، عده‌ای از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر به عدم دریافت حقوق تجمع کردند.

پنج‌شنبه ۲ تیر، اعتصاب کارگران داربست‌بند(اسکافلدبند) که در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی مشغول به کار هستند، به بیش از ۲۲ شرکت و پتروشیمی گسترش پیدا کرد. شنبه ۴ تیرماه، گروهی از کارگران کارخانه داروگر تهران، به علت عدم رسیدگی به مطالباتشان، شامل پرداخت مطالبات مزدی، معوقات بیمه‌ای، تامین امنیت شغلی، تعیین تکلیف وضعیت و مدیریت کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۴ تیرماه، جمعی از کارگران راه‌آهن مربوط به شرکت رضوان درود، در مقابل ایستگاه راه‌آهن محمد حسن‌زاده در شهرستان زرند کرمان، تجمع اعتراضی بر پا

کردند. همچنین کارگران پیمانی نفت، گروهی از کارگران داربست‌بند پیمانکاری سلحشور که در پروژه «آی جی سی» فاز ۱۴ پارس جنوبی، مشغول به کار هستند، در اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست‌های خود، اعتصاب کردند. یک‌شنبه ۵ تیرماه، کارگران عایق‌بند مخازن سرد شاغل در پتروشیمی هنگام، با درخواست افزایش دستمزد اعتصاب کردند.

دوشنبه ۶ تیر، کارگران شرکت ایران افق (پایدار غرب آبان و تعمیرات چشمه خوش) در اعتراض به پرداخت نشدن درخواست‌های مزدی خود به کار توقف زده و اعتصاب کردند. دوشنبه ۶ تیرماه، کارگران اورهال در پالایشگاه نفت تهران در اعتراض به افزایش اجباری ساعات کاری‌شان به کار خود توقف زده و اعتصاب کردند.

سه‌شنبه ۷ تیر، کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران در ادامه اعتصاب خود در محوطه این شرکت خواستار رسیدگی به درخواست‌های خود شدند. اضافه شدن اجباری ساعات کار و دستمزدهای پایین از دلایل اعتراض این کارگران می‌باشد.

از روز یک‌شنبه ۱۲ تیرماه کارگران و کارکنان شهرداری زرنه از توابع شهرستان ایوان در استان ایلام، در اعتراض پرداخت نشدن مطالبات‌شان اعتصاب کردند. مطالبات این کارگران عبارتند از: ۵۳ ماه بیمه معوقه، ۷ ماه حقوق معوقه پرداخت نشده، معوقات چند سال صندوق بازنشستگی و مطالبات معوقه اضافه‌کاری، ماموریت و تعطیل کاری از سال ۹۴ تاکنون.

سه‌شنبه ۱۴ تیرماه، جمعی از کارگران حداقل ۵ شرکت مجتمع مس سونگون ورزقان از جمله در «آهن‌آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی»، به دنبال بازداشت دو نفر از همکاران‌شان و عدم رسیدگی به دیگر درخواست‌های خود اعتصاب کرده و در محل کار تجمع اعتراضی بر پا کردند. کارگران این مجتمع، ماه‌ها است که اجرای همسان‌سازی حقوق با کارگران رسمی و کارگران سایر معادن را با اعتراضات و اعتصابات پی در پی دنبال می‌کنند و همچنین خواستار اجرای کامل و صحیح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشند، اما تاکنون مدیریت مجتمع و شرکت‌های پیمان‌کاری به خواسته‌های این کارگران پاسخ نداده‌اند.

سه‌شنبه ۱۴ تیر، جمعی از کارگران سد سفارود در شهرستان رضوانشهر در برابر درب ورودی ساختمان فرمانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۱۵ تیر، کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان در ادامه تجمع دیروز تجمعی بر پا کردند.

در جریان تجمع روز گذشته ۱۴ تیر، دو تن از کارگران همین شرکت‌ها توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال یافتند.

پنج‌شنبه ۱۶ تیر، اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان برای سومین روز پی در پی انجام گرفت. این تجمع اعتراضی با دخالت نیروهای انتظامی به ضرب و شتم و بازداشت کارگران معترض انجامید.

هم‌چنین در پنج‌شنبه ۱۶ تیرماه، قریب به ۲۰ کارگر شهرداری ویسیان در استان لرستان در اعتراض به اضافه‌شدن معوقات مزدی خود اعتصاب کرده و از کار روزانه خود دست کشیدند.

جمعه ۱۷ تیر، کارگران مجتمع سونگون ورزقان برای چهارمین روز پی در پی به اعتصاب خود ادامه دادند. اعتصاب آن‌ها در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان انجام شده‌است. تا کنون از سرنوشت ۶ تن از کارگران دستگیرشده این مجتمع اطلاعی در دست نیست.

سه‌شنبه ۲۱ تیر، جمعی از کارگران پتروشیمی تبریز در مقابل درب ورودی این محل، طی برگزاری تجمعهایی اعتراضی خواهان رسیدگی به درخواست‌های خود شدند. شنبه ۲۵ تیر، کارگران فضای سبز شهرداری بهبهان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی‌شان دست به تجمع زدند.

سه‌شنبه ۱۴ تیر، جمعی از بازنشستگان در استان مازندران و در شهرهای کرمانشاه، بندرعباس و دورود، طی برگزاری تجمعهایی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. آن‌ها در این تجمع‌ها شعارهایی از قبیل «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، حقوق بازنشسته، زیر عباس است امروز»، «قالیباغ دروغگو، شعارت تو خالیه، رئیس مجلسی و یخچال ما خالیه» و هم‌چنین «هم دولت، هم مجلس، دروغ میگن به ملت»، سردادند. سه‌شنبه ۲۱ تیرماه، گروهی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، خرم‌آباد، قزوین، شیراز، همدان، بندرعباس، کرمانشاه، جوانرود، شهرکرد، یزد، ارومیه، تبریز، اهواز،

رشت، ساری و اراک با برگزاری تجمع‌هایی در برابر ساختمان مخابرات استان خود، خواهان رسیدگی به درخواست‌های خود شدند. تجمع این معترضان در اعتراض به ثابت ماندن کمک هزینه رفاهی، قطع و کاهش حق جذب، پرداخت نشدن معوقه‌های قانونی پاداش بهره‌وری و اجرا نشدن آیین‌نامه استخدامی کارکنان مخابرات مصوب در سال ۱۳۸۹ انجام شده است.

شنبه ۲۵ تیر، کارکنان مخابرات استان خوزستان برای رسیدگی به درخواست‌هایشان تجمع اعتراضی بر پا کردند.

یکشنبه ۲۶ تیر، گروهی از کارکنان مخابرات در شهرهای یزد، بجنورد و اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۱ مرداد، جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در برابر دفتر یکی از نمایندگان مجلس و در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، تجمع‌های اعتراضی برگزار کرده و خواستار رسیدگی به درخواست‌های خود شدند.

یکشنبه ۲ مرداد، گروهی از کارکنان مخابرات یزد در برابر ساختمان مرکزی مخابرات استان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۳ مرداد، گروهی از کارکنان شرکت برق منطقه‌ای خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد، در برابر شرکت برق منطقه‌ای خوزستان جهت رسیدگی به خواست‌های خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

یکشنبه ۹ مرداد، گروهی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، کرمانشاه، شهرکرد، کرج، تبریز، ارومیه، اصفهان، اهواز، بجنورد و سمنان، برای رسیدگی شدن به کاهش مبلغ حق جذب و عدم پرداخت پاداش‌های بهره‌وری و سایر درخواست‌هایشان دست به تجمع‌های اعتراضی زدند. ماموران نیروی انتظامی در تهران تجمع بازنشستگان را متفرق کرده و تعدادی را نیز بازداشت کردند.

یکشنبه ۹ مرداد، شماری از کارکنان کارخانه صنایع بسته‌بندی داروگر رشت در برابر این کارخانه، جهت رسیدگی به عدم دریافت ۵ ماه حقوق و معوقات بیمه‌ای خود تجمع اعتراضی برپا کردند.

چهارشنبه ۱۲ مرداد، گروهی از کارکنان استانداری ایلام در برابر ساختمان این نهاد دولتی تجمع اعتراضی برپا کرده و خواهان رسیدگی به درخواست‌های خود بودند.

شنبه ۱۵ مردادماه، گروهی از اپراتورهای برق منطقه‌ای در استان‌های هرمزگان، خوزستان و آذربایجان شرقی در اعتراض به «عدم صدور احکام حقوقی جدید» در مقابل ساختمان اداره برق منطقه‌ای استان‌های خود تجمع کردند.

پنج‌شنبه ۲۰ مرداد، جمعی از کارکنان صنعت نفت به‌طور هماهنگ در محل کار با در دست گرفتن پلاکارد و دست‌نوشته‌هایی نسبت به مشکلات معیشتی، عدم اجرای قوانین تصویب‌شده، ساعات کار، مالیات و دستمزدهای ناکافی تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار اجرای بی‌قید و شرط ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات کارکنان رسمی وزارت نفت بودند.

جمعه ۲۱ و شنبه ۲۲ مرداد، گروهی از کارکنان سازمان آب بندر عباس، جمعی از کارکنان مخابرات ارومیه، کارکنان رسمی شاغل در صنعت نفت، با برگزاری تجمع‌های اعتراضی خواهان رسیدگی به درخواست‌های خود شدند.

یک‌شنبه ۳۰ مرداد، گروهی از بازنشستگان فولاد اصفهان در برابر ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد، تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواهان رسیدگی به درخواست‌های خود شدند.

دوشنبه ۳۱ مرداد، گروهی از بازنشستگان بانک تجارت، در ساختمان مرکزی بانک تجارت تهران با شعار «تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم» تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سه‌شنبه ۱ شهریور، قریب به ۶۰ نفر از کارگران اخراج‌شده شرکت روغن نباتی جهان، در اعتراض به اخراج خود در برابر این شرکت و سپس در جلو استانداری زنجان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سه‌شنبه ۱ شهریور، جمعی از کارگران و بازنشستگان کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز، در اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست‌های‌شان، در این شهر تجمع اعتراضی بر پا کردند.

چهارشنبه ۲ شهریور، جمعی از کارگران اخراج‌شده شرکت روغن نباتی جهان برای دومین روز پی در پی در برابر ساختمان اداره کار شهرستان زنجان، تجمع اعتراضی داشته و با مطرح کردن شکایتی در اداره کار، خواهان رسیدگی به درخواست‌های صنفی، بازگشت به کار و برقراری مستمری بیمه بیکاری خود بودند.

چهارشنبه ۲ شهریور، جمعی از کارگران کشت و صنعت کارون شوستر، در اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست‌هایشان، در محوطه کار خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. س‌شنبه ۸ شهریور، گروهی از کارگران کارخانه آجر جیل در اعتراض به تعطیل‌شدن این کارخانه در برابر ساختمان فرمانداری کارون، تجمع اعتراضی داشتند.

سه‌شنبه ۸ شهریور، تعدادی از کارگران شهرداری اسالم در استان گیلان در اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست‌های مزدی و بیمه‌ای خود در برابر شهرداری این شهر، تجمع اعتراضی داشتند.

سه‌شنبه ۸ شهریور، گروهی از کارگران خدماتی خط ۳ مترو تهران در پل کالج، در اعتراض به عدم رسیدگی به حقوق معوقه خود، اعتصاب و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند.

یک‌شنبه ۱۳ شهریور، جمعی از کارگران کارخانه کیان‌تایر در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی و عدم پرداخت حقوقشان و دیگر مطالبات‌شان در محل کار خود با آتش زدن لاستیک، دست به تجمع زدند.

یک‌شنبه ۱۳ شهریور، جمعی از بازنشستگان فولاد اصفهان در اعتراض به عدم همسان‌سازی حقوقشان و معوقات ۱۸ ماهه خود و دیگر مطالبات‌شان در مقابل ساختمان صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد در این شهر دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۱۴ شهریور، شماری از کارگران کارخانه کیان‌تایر شهرستان اسلامشهر در ادامه تجمع اعتراضی روز قبل با به آتش کشیدن لاستیک خواستار تعیین تکلیف و پرداخت حقوق معوق خود شدند.

سه‌شنبه ۱۵ شهریور، شماری از کارگران کارخانه سیمان اردستان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان از جمله عدم دریافت حق سختی کار خود، در مقابل ساختمان اداره کار اردستان تجمع کردند.

یک‌شنبه ۲۰ شهریور، جمعی از کارگران شهرداری رودبار در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه معوقات مزدی سال جاری و ۴ ماه از دست‌مزدهای سال گذشته در این شهرستان تجمع اعتراضی برپا کردند.

یکشنبه ۲۰ شهریور، کارگران پروژه‌های پتروشیمی دنا در عملویه در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود، به کار توقف زده و اعتصاب کردند.

یکشنبه ۲۰ شهریور، گروهی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد در شهرهای تهران، اصفهان و اهواز، در اعتراض به عدم اجرای افزایش ۳۸ درصدی حقوق‌شان تجمع اعتراضی داشتند و با دادن شعارهایی مانند «تا حق خود نگیرم، از پا نمی‌نشینم» خواهان رسیدگی به درخواست‌های خود شدند.

سه‌شنبه ۲۲ شهریور، گروهی از دست‌یاران پزشکی، برای دومین روز پی در پی جلوی ساختمان وزارت بهداشت در تهران، در اعتراض به «طراحی نامناسب و غیر استاندارد سوالات آزمون گواهینامه تخصصی» تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شباهت و تفاوت‌های اعتراضات ۱۴۰۱ با سال‌های ۹۶ و ۹۸

نقش زنان

شاخص‌ترین تفاوت در نقش زنان است. زنان در این جنبش، نقش رهبری و سازمان‌ده را عهده‌دار شدند و این نقش خود را به بهترین وجهی نیز ایفا نمودند به طور که پدران و برادران نیز نه تنها مانع حضور فعال و پیشگام این‌ها در این جنبش نشدند، بلکه هم نقش رهبری آن‌ها را پذیرفتند و هم با تمام قدرت حامی‌شان شدند. در اثر این جنبش، برای اولین بار در تاریخ ایران، مردسالاری و پدرسالاری تضعیف شدند.

نسل جدید و دانش‌آموزان

یکی از تفاوت‌های اعتراضات امسال با هر دو اعتراض سراسری مطرح شدن موضوع حضور دهه هشتادی‌ها است. حضور دانش‌آموزان در اعتراضات دیگر تفاوت این اعتراضات نسبت به هر دو اعتراض سراسری گذشته است. برخی مقامات جمهوری اسلامی از جمله علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه گفته که معترضان از شبیه‌سازی اعتراضات خیابانی با بازی‌های رایان‌های استفاده کرده‌اند.

کودکان جان‌باخته

یکی از ویژگی‌های مشابه اعتراضات امسال با اعتراضات ۱۳۹۸ تعداد بالای کودکان کشته شده است. در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نیز حداقل ۲۳ کودک کشته شدند. عفو بین الملل نیز آمار کودکانی که تاکنون در این اعتراضات کشته شده‌اند را ۲۳ نفر ذکر کرده است.

حجاب اجباری و عملکرد گشت ارشاد عامل به راه افتادن اعتراضات مهر ۱۴۰۱ بود ولی معترضان به سرعت خواستار تغییرات بنیادین در جمهوری اسلامی ایران شدند.

شعارها

شعارهای اعتراضات سال ۱۳۸۸ بیش‌تر حول محور «رای من کو» بود و شعار کلیدی اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ در فضای عمومی «اصلاح‌طلب اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا» بوده است.

شعارهای معترضان در امسال تفاوت ساختاری با شعارهای هر سه اعتراض دارد. هر چند که شعار مرگ بر خامنه‌ای از اعتراضات سال ۱۳۸۸ شروع شد اما در دو اعتراض گذشته پررنگ‌تر مطرح شد. شعارهای امسال نیز برخلاف شعارهای سال ۱۳۸۸ که محمود احمدی‌نژاد رییس‌جمهور وقت را هدف قرار می‌داد تنها شخص اول حکومت را مخاطب قرار می‌دهد و به رییس‌جمهور حاشیه‌ای می‌پردازد. برخی شعارهای این اعتراضات از جمله شعارهای دانشجویان دانشگاه شریف اما به نسبت هر سه اعتراض گذشته بی‌سابقه بوده است.

شعارهای ۱۴۰۱، هم‌چنین برخلاف شعارهای سال ۱۳۸۸، بیش‌تر بر نفی کامل حاکمیت جمهوری اسلامی و به تعبیری براندازی تاکید دارد.

شروع از کردستان

اعتراضات سال ۱۳۸۸، عملاً از تهران آغاز شد و در این شهر ادامه یافت. نقطه شروع اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ نیز مشهد ذکر شده اما برخی نیز اعلام می‌کنند که پیش از

تجمع در مشهد تجمعی در تهران شکل گرفته بود. اعتراضات آبان ۱۳۹۸، اما پس از افزایش قیمت بنزین تقریباً به صورت همزمان در کشور کلید خورد. پس از قتل «مهسا امینی»، اعتراضات محدودی در مقابل بیمارستان کسری در تهران شکل گرفت اما اعتراضات اصلی همزمان با خاکسپاری این دختر جوان در زادگاهش در سقز و پس از آن اعتصابات سراسری در مناطق کردنشین ایران آغاز شد.

عدم رهبری علنی

اعتراضات سال ۱۴۰۱ را در جهت نداشتن رهبر می‌توان شبیه به اعتراضات ۱۳۹۸ و ۱۳۹۶ دانست. اعتراضات سال ۱۳۸۸ با فراخوان موسوی و کربوبی شکل گرفت و ادامه یافت. اما اعتراض ۱۴۰۱ مانند اعتراضات ۱۳۹۸ و ۱۳۹۶ بدون هیچ فراخوان رهبران شاخص شکل گرفت.

سرکوب همیشگی

یکی از شباهت‌های اعتراضات سال ۱۴۰۱ با ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ شدت سرکوب اعتراضات است. از اعتراضات سال ۱۳۹۶، به بعد ماموران امنیتی بدون محابا به معترضان شلیک می‌کنند. شکل سرکوب این اعتراضات در اکثر استان‌های ایران و به خصوص استان‌های کردنشین شبیه اعتراضات سال ۱۳۹۸ بوده و گزارش‌هایی درباره شلیک بی‌محابای گلوله توسط ماموران منتشر شده است.

در اعتراضات اخیر فرماندهان سپاه پاسداران به نسبت اعتراضات گذشته، کمتر سخن گفته‌اند و نام قرارگاه ثارالله تهران نیز کمتر مطرح شده است. در پی تغییر ساختار نیروی انتظامی و تبدیل آن به فرماندهی انتظامی، به این نیرو نقش بیش‌تری در سرکوب معترضان داده شده است.

موضع سران حکومت

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، هم‌چون گذشته اعتراضات گسترده ۱۴۰۱ را «اغتصابات پراکنده» خواند و تلویحا آن را از جمله واکنشی به «پدیده سلام فرمانده» توسط دشمن توصیف کرد.

نسبت دادن اعتراضات به کشورهای غربی یکی از ویژگی‌های دائم در سه اعتراضات اخیر است. در این دوره اما مقامات عبارت‌های جدیدی را نیز درباره معترضان مطرح کرده‌اند. در این اعتراضات اما رهبر جمهوری اسلامی از عبارت «خانواده‌های ساواکی» نیز برای معترضان به کار برد. همچنین مانند اعتراضات سال ۱۳۸۸ وزارت اطلاعات شهروندان بهائی را به نقش داشتن در این اعتراضات متهم کرده است.

حمایت گسترده جهانی و شبکه‌های اجتماعی

حمایت گسترده جهانی و به‌خصوص هنرمندان و ورزشکاران در داخل و خارج از اعتراضات امسال متفاوت با هر سه اعتراض گذشته است. هر چند که در سال ۱۳۸۸ نیز حمایت جهانی از اعتراضات وجود داشت اما حجم حمایت جهانی از اعتراضات متفاوت است.

یکی از تفاوت‌های اعتراضات امسال وجود شبکه‌های اجتماعی است. از سوی دیگر اما سیاست‌های حکومت برای کنترل بیش‌تر اینترنت در سال‌های اخیر توسعه یافته است.

نگاهی آماری به وضعیت کارگران در یک سال اخیر 1401-1402

خبرگزاری هرانا - یازدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، به‌عنوان روز جهانی کارگر، فرصتی دوباره برای توجه به وضعیت جامعه کارگری کشور و معضلات پرشمار آنان به‌خصوص در بحث حقوق و دستمزد، مشکلات صنفی، معوقات مزدی، امنیت محیط کار و همچنین حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری است.

بنا بر گزارش مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، طی بررسی ۲۳۱۴ گزارش کارگری منتشر شده در ۱۲ ماه اخیر (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ تا ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲)، کشته

و مصدوم شدن دست کم ۳۵۷۶ کارگر در این مدت در پی حوادث کار توسط رسانه‌ها یا سازمان‌های فعال در این حوزه مخابره شده است. در رابطه با مصدومان حوادث کار باید اشاره کرد، طی ۶ گزارش یا اظهار نظر رسمی در سطح کشوری و استانی مسئولین از زخمی شدن ۲۳۳۳ تن خبر دادند، علاوه بر این موارد، ۷۳۳ گزارش دیگر نیز توسط نهادهای مدنی یا کارگری گردآوری و اطلاع رسانی شده است.

دست کم ۵۱۰ تن از کارگران نیز در همین مدت در طی حوادث کار جان خود را از دست دادند. مسئولین و نهادهای مربوطه طی ۸ گزارش رسمی از جان باختن ۲۵۰ کارگر خبر دادند، نهادهای مستقل نیز تعداد ۲۶۰ مورد جان باختن کارگران که در اظهار نظر مسئولین مورد اشاره قرار نگرفته بود را جمع‌آوری و اطلاع‌رسانی کردند. علی‌رغم قابل توجه بودن آمارهای فوق باید اشاره کرد به دلیل عدم شفافیت نهادهای متولی و مسئولین در امر اطلاع رسانی عمده موارد مرتبط با حوادث کار به رسانه‌ها راه پیدا نمی‌کند.

برای درک بهتر این موضوع توجه کنید که «سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که ۱۵ هزار و ۹۹۷ نفر در سال (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶)، در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که ۱۵ هزار و ۷۶۷ نفر از این افراد مرد و ۲۳۰ نفر زن بودند.» بدین معنی که به طور متوسط در ده سال گذشته سالانه ۱۶۰۰ نفر بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس این آمار در حوادث کار عمده علت مرگ افراد سقوط از بلندی است. در ده سال گذشته ۴۱/۵ درصد از کل تلفات حوادث کار را کسانی که بر اثر سقوط از بلندی جان خود را از دست داده‌اند؛ در بر می‌گیرد.

ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه صد و دوم را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

همچنین بر اساس آمارهای گردآوری شده توسط مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دست کم ۱۴۲۳۲ کارگر بیش از ۷۱۲ ماه معوقات مزدی دارند.

بر اساس گزارشات گردآوری شده توسط بخش آمار این نهاد، ۸۰ درصد معوقات مزدی مربوط به سازمان‌های دولتی، ۱۴ درصد سازمان‌های خصوصی، ۴ درصد صنعت انرژی و ۲ درصد بخش‌های نامعلوم را شامل می‌شوند.

هر چند باید در نظر گرفت در میان گزارشات منتشر شده درباره معوقات مزدی، حجم زیادی از گزارشات بدون اشاره به تعداد کارگران طلب کار بوده که خود این موضوع از عوامل مهم در عدم امکان ارائه آمار دقیق کارگران مطالبه گر معوقات است.

در یک سال اخیر، جمعا ۱۶۱۶ گزارش از اعتصاب یا تجمع کارگری و صنفی در رسانه‌ها منتشر شد که نسبت به دوره مشابه قبل کاهش آماری داشته است.

برآورد می‌شود کاهش تجمعات کارگری متأثر از فضای ملتهب کشور ناشی از اعتراضات سراسری در شش ماه پایانی سال ۱۴۰۱ باشد.

از آمار کلی تجمعات و اعتصابات باید اشار کرد، در یک سال گذشته، در مجموع گزارشات خبری، تعداد ۲۲۵ تجمع کارگری و ۷۷۲ تجمع صنفی به دست رسانه‌ها یا نهادهای مدنی رسید. تجمعات صنفی با ۵۵ درصد و تجمعات کارگری با ۶۱ درصد کاهش نسبت به بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ همراه بوده است.

از مهم‌ترین رویدادها در ایران در بازه زمانی یک سال گذشته، می‌توان به اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه، شرکت کشت و صنعت کارون، کشاورزان، اعتراضات صنفی معلمان، بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی اشاره کرد.

طیف وسیعی از کارگران به دلیل عدم دریافت حقوق ماهیانه و عدم توجه به مطالبات بیمه‌ای‌شان به خیابان‌ها رفته و برخی از این کارگران به علت عدم پرداخت گاه تا ۳۰ ماه از حقوق شان، دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند. در دوره یک ساله اخیر ۱۱۳ اعتصاب کارگری و ۳۹۵ اعتصاب صنفی به وقوع پیوسته است. اعتصابات کارگری با ۷۰ درصد و اعتصابات صنفی با ۰/۰۵ درصد کاهش نسبت به دوره مشابه سال قبل همراه بوده است.

سطح مطالبه گری منسجم بخش های مختلف طبقه کارگر در یک سال گذشته کم سابقه بوده است. سرکوب و کارشکنی و عدم به رسمیت شناختن حقوق سندیکاهای و تشکلهای مستقل کارگری، زندانی کردن و صدور احکام حبس برای چندین فعال کارگری و همچنین ممانعت از حق اعتراض از جمله دلایل پراکندگی و نابسامانی برخی تجمعات و اعتراضات کارگری بود.

تشکل کارگری در ایران به معنای متعارف جهانی آن وجود ندارد و تشکلهای مستقل همانند سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، شورای

هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و اتحادیه آزاد کارگران در مظان اتهامات امنیتی و سیاسی قرار دارند.

کارگران بسیاری با طرح اتهاماتی همچون برگزاری تجمع مسالمت‌آمیز در روز جهانی کارگر، اعتراض به دستمزدهای پایین، امضای بیانیه در حمایت از اتحادیه‌های کارگری، انتشار عکس تظاهرات کارگری در اینترنت یا دریافت دعوت‌نامه برای شرکت در نشست‌های جهانی اتحادیه‌های کارگری احضار، بازداشت و یا محکوم شده‌اند.

طی ۱۲ ماه گذشته دست‌کم ۴۹ کارگر و فعال کارگری بازداشت شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این بازداشت‌ها می‌توان به بازداشت ۱۲ تن از رانندگان اعتصابی سندیکای کارگران شرکت واحد، ۱۶ تن از کارگران معترض در مجتمع سونگون ورزقان و ۷ تن از کارگران معترض کارخانه سیمان کارون اشاره کرد.

رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی، نسرين جوادى، آرش جوهرى، یدی بهاری و مهران رئوف از برجسته‌ترین فعالان کارگری هستند که همراه فعالان صنفی از جمله محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رسول بدایق، اسماعیل عبدی، لطیف روزی‌خواه و محمدرضا رمضانزاده در زندان به سر می‌برند.

همچنین می‌توان به محکومیت ۴۲ فعال کارگری و کارگر به ۱۶۲ ماه حبس تعزیری و ۱۲۹ ماه حبس تعلیقی، ۵۱۰ ضربه شلاق و پنجاه و یک میلیون جریمه نقدی، ۶ مورد خودسوزی، ۲۴ مورد خودکشی، احضار ۲۱ نفر به مراجع قضایی و امنیتی، ۱۸۳۸ مورد اخراج و تعدیل، ۴۲۲۸ مورد بیکاری، ۱۲۰۳۷۰۹ مورد نبود بیمه کار برای کارگران و ۲۷۸۳ مورد بلاتکلیف در یک سال اخیر اشاره کرد.

علاوه بر گروه‌های کارگری، در رسته اتحادیه‌ها و اصناف، جمعا ۱۶۲ بازداشت فعالان صنفی، ۸۶۳ ماه حبس برای ۳۴ تن از فعالان صنفی، ۶۵ مورد احضار به مراجع قضایی - امنیتی و ۱۴۳۵ مورد پلمپ اماکن گزارش شده است.

در سالی که گذشت، معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در شهرها و استان‌های مختلف کشور در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان دست به تجمعات و اعتصابات اعتراضی زدند. از این قرار، ۱۵۱ تجمع و ۲۰ اعتصاب به ثبت رسیده است. گفتنی است طی یک سال گذشته، ۱۴۸ مورد بازداشت، ۵۵ مورد احضار و ۳۸ مورد محاکمه در مراجع قضایی و امنیتی و ۱۱ مورد ضرب و شتم معلم گردآوری شده است.

همچنین ۳۴ تن از معلمان و فعالان این حوزه، به ۸۶۳ ماه حبس و چهل میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شدند.

لازم به ذکر است، عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور از موج شکایات کارگران به دیوان عدالت برای ابطال دستمزد خبر داد و گفت: «آن چه به عنوان مصوبه مزدی در شورای عالی کار با اصرار نمایندگان دولت در این شورا به تصویب رسید، هیچ سنخیت و تطابقی با قانون نداشت؛ تورم رسمی حداقل ۵۰ درصد بود اما مزد ۱۴۰۲ فقط ۲۷ درصد افزایش یافت.»

همچنین، نصرالله دریایی، دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران با بیان این که «بیمه کارگران به موقع پرداخت نمی شود»، گفت: «۹۰ درصد از کارگران در قالب قراردادهای سفید امضا مشغول به کار هستند.»

حسین حبیبی، عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، از طرح شکایت کارگران در دیوان عدالت اداری با مطالبه ابطال مصوبه افزایش ۲۷ درصدی دستمزد در سال ۱۴۰۲، خبر داد. حبیبی با بیان این که این افزایش حداقلی «با بندهای یک و دو ماده ۴۱ قانون کار همخوانی ندارد و لاجرم غیرقانونی است»، اظهار داشت: سؤال اصلی این است که آیا دیوان عدالت مصلحت اندیشی کرده و کارگران را قربانی سرمایه داران می کند یا به نفع کارگران رای می دهد. در مسئله امنیت شغلی و ابطال دادنامه ۱۷۹، ماهه است که شکایت به دیوان عدالت بی نتیجه مانده است؛ انتظار داریم شرایط تغییر کند.»

بعلاوه، دبیر اجرایی خانه کارگر زنجان، در رابطه با حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار با بیان این که «در تصمیم مزدی سال ۱۴۰۲ قانون شکنی رخ داده و قانون کار و تبصره های مصرح ماده ۴۱ اصلا ملاک قرار نگرفته است»، اظهار داشت: «در شرایطی که دولت خط فقر را چهارده میلیون و نیم اعلام کرد، چگونه دقیقاً نصف این مقدار را به عنوان مزد کارگر به رسمیت شناخته است؟»

از سوی دیگر، فرامرز توفیقی، رییس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای کار با اشاره به تأخیر در شروع به کار کمیته دستمزد در شرایط کنونی و تأثیر منفی آن بر معیشت کارگران، عنوان کرد: «بحران معیشت به مرحله ای رسیده که با هر مدلی هزینه های زندگی را حساب کنیم، به اعداد و ارقامی می رسیم که با درصدهای افزایش مزد هرگز

به آن نخواهیم رسید.» به گفته وی، کارگران برای یک زندگی معمولی به «دو تا سه برابر مزد فعلی نیاز دارند.»

بهرام حسینی‌نژاد، فعال کارگری و دبیر اسبق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو نیز در پاسخ به این سؤال که یک خانواده کارگری با چه قدر دستمزد می‌توانند زندگی ساده‌ای داشته باشند، گفت: «اگر همان استانداردهای حداقلی برای هزینه‌های زندگی را در نظر بگیریم و پایه را بر مادیات اصلی زندگی بگذاریم، یک خانواده برای یک زندگی بسیار ابتدایی نیاز به ۱۷ الی ۱۸ میلیون تومان حقوق ماهانه دارد.

تعیین حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار بنا به آن‌چه که بسیاری از صاحب‌نظران و فعالین کارگری بیان می‌کنند، بسیار پایین‌تر از نرخ تورم واقعی موجود در کشور و نیز پایین‌تر از ارزش سبد مصرفی خانوار است. این موضوع دلیلی دیگر بر ضعیف بودن صدای کارگران و تداوم اعتراضات جامعه کارگری کشور است.

ممنوعیت کار کودکان و فراهم آوردن امکان تحصیل رایگان برای آنان، برقراری بالاترین سطح استانداردهای ایمنی در محیط‌های کارگری، رفع قوانین تبعیض آمیز برای زنان و کارگران مهاجر از دیگر مطالبات جامعه کارگران است.

با وجود این‌که کارگران زن ایرانی ارزان‌ترین نیروی کار کشور توصیف می‌شوند وضعیت اشتغال زنان بدتر از مردان است و در عین حال از حمایت‌های قانونی، حقوق و مزایای کمتری برخوردار هستند.

این در حالی است که کارگران زن در مقایسه با همکاران مرد خود از قدرت چانه زنی کمتری برخوردارند. در عین حال واحدهای تولیدی و صنعتی کمتر به استخدام زنان متاهل رغبت دارند و در برخی موارد زنان مجرد را با تعهد عدم ازدواج و بارداری به کار می‌گیرند.

وضعیت زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک به مراتب بدتر است. نیمی از کارگران در کوره پزخانه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند که در شرایط طاقت فرسا کار می‌کنند.

در ایران روز کارگر در حالی از راه می‌رسد که کماکان خصوصی سازی کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی بدون در نظر گرفتن منافع بلندمدت کارگران ادامه دارد، مهمی که منجر به شکل‌گیری اعتراضات گسترده کارگران شده است.

اعتراض بازنشستگان

اصولا هر انسانی، انتظار دارد که در دوران بازنشستگی، بدون دغدغه زندگی کند و مورد احترام جامعه قرار گیرد. اما در حاکمیت جمهوری اسلامی، نه تنها دغدغه بازنشستگان بیش تر می شود به ویژه از نظر تامین معیشت، بلکه آن ها همواره توسط مقامات و ماموران حکومتی مورد تهدید و توهین و سرکوب قرار می گیرند.

هر از چند گاهی تجمعات سراسری بازنشستگان، برگزار می شود. از جمله صبح امروز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، بازنشستگان مخابرات در اعتراض به وضع معیشتی و شرایط استخدامی خود وعدم پرداخت برخی مطالبات شغلی و درمانی شان در تهران مقابل وزارت مخابرات و در شهرهای دیگر مقابل ساختمان اداره مخابرات تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای سنج، اهواز، کرمانشاه، اراک، قزوین، خرم آباد، شهرکرد، اصفهان، هرمزگان، زاهدان، شیراز، و تهران برگزار شد. در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند.

بازنشستگان شعار می دادند: «کف خیابون می مونیم، تا حق خود بگیریم»، «یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می شه»، «بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «وعده وعید کافیه، سفره ی ما خالیه»، «اجرای آیین نامه، حق مسلم ماست»، و «شرکت پر درآمد، چه بر سر تو آمد.»

موخره

دیگر آش آن قدر شور شده است که دهن آشپز را نیز سوزانده است. پاسدار محمدباقر قالیباف رییس مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از «مدیریت غلط کشور» گفته است: «ما مدیران سالی ۱۰۴ میلیارد دلار را هدر می‌دهیم، اما برای دریافت ۵ میلیارد دلار این‌گونه دست دراز می‌کنیم.»

نهادهای داخلی هم‌چون مرکز پژوهش‌های مجلس و اندیشکده کسب‌وکار دانشگاه شریف، نرخ تورم سال ۱۴۰۲ را بین ۵۰ تا ۵۵ درصد می‌دانند و چشم‌اندازی برای کاهش آن نمی‌بینند.

پس از گذشت بیش از ۴۴ سال، روزگار اقتصادی مردم ایران تا جایی وخیم شده است که هر روز اقشار مختلفی از مردم اعتراض می‌کنند. حقوق برخی از کارگران به موقع پرداخت نمی‌گردند و آن‌ها می‌گویند: چرا حقوق‌مان را نمی‌دهید یا به اندازه کافی نمی‌دهید؟

فاصله به‌پا خاستن‌های فرودستان و گرسنگان هم کوتاه‌تر و اعتراض‌شان شدیدتر از پیش شده و برخلاف قبل، حالا اصل نظام را نشانه رفته است.

در اقتصاد این نظام ولایی، نشانه‌های درهم‌ریختگی، هم‌چنان که در دیگر کشورها دیدیم، فراوانند: فقر بیش از نیمی از جمعیت ۸۵ میلیونی، استهلاک به‌جای تشکیل سرمایه، تورم سنگین و از دست رفتن پس‌انداز و قدرت خرید، رکود تورمی، کسری بودجه، پول بی‌پشتوانه، ورشکستگی بنگاه‌ها، کاهش منابع آب زیرزمینی و افزایش خطر گرسنگی و درگیری میان استان‌های مختلف و کشورهای همسایه، فروش منابع هیدروکربنی و معدنی بدون تشکیل دارایی‌های مالی یا سرمایه‌ای، بیکاری یا برون‌رفت دو-سوم جمعیت در سن کار از جمعیت فعال، ورشکستگی صندوق‌های بیمه، شمار فزاینده بازنشستگان، فساد سیاسی و اداری بسیار زیاد، فرار مغزها و سرمایه و کاهش ارزش پول ملی.

در جمهوری اسلامی، تورم به ۵۰ درصد رسیده، تولید در هم شکسته است، دولت حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد کسری دارد و هر ماه نگران است که حقوق کارمندان دستگاه عریض

و طولیش را چه‌طور بدهد و یارانه شهروندان نادرتر و ناخرسندتر از پیش را چه‌طور واریز کند. از همین رو است که اگر هم حقوق بدهد، بر مبلغ آن نمی‌افزاید و به این دهک و آن دهک یارانه نمی‌دهد.

بنا بر اعلام دفتر پژوهش‌های مجلس، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، درآمد سرانه‌ی ایرانی‌ها ۳۵ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۹۹، تولید ناخالص داخلی تنها در هفت کشور از ۲۰۵ کشور جهان برای سومین سال پیاپی کوچک‌تر شد که نظام ولایی یکی از آن‌ها بود؛ در کنار لبنان، آرژانتین، نیکاراگوئه، آنگولا، سودان و گینه استوایی.

در سال ۱۳۹۸، تولید ناخالص داخلی در ایران بین پنج تا هشت درصد سقوط کرد. این کجا و جایگاه نخست اقتصادی در منطقه که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نظام به‌شرط سالی هشت درصد رشد نشانه رفته بود، کجا؟

دورنمای اقتصاد تیره و تار است؛ چنان‌که بیش‌تر مسئولان اقتصادی در داخل ایران بر این باورند که در سال ۱۴۰۲، وضعیت قدرت خرید و اشتغال و تولید و تورم و بهای دلار و فرار سرمایه و مغز و فساد و امکان رونق، حتی در صورت برداشتن تحریم‌ها، تامین مالی کسب‌وکار از سوی نظام بانکی و تقاضای مشتریان بدتر خواهد شد.

نرخ دلار آمریکا که در بازار آزاد تهران، بیش از ۵۰ هزار تومان رسیده است. هرچند روند نرخ ارز بنا به دلایل سیاسی (توافق اخیر ایران و آژانس انرژی اتمی و بهبود رابطه با عربستان سعودی) و فروکش کردن انتظارات تورمی رو به کاهش گذاشته اما همچنان خطر جهش دوباره ارز خارجی فضای اقتصاد کشور را متزلزل ساخته است.

اقتصاددانان اعتقاد دارند ارزش پول ملی هر کشور دماسنج اقتصاد همان کشور است. به‌عبارتی اگر دلار را که مهم‌ترین ارز جهان است معیار مقایسه با ارزهای سایر کشورها قرار دهیم، به قیمتی تحت عنوان نرخ برابری ارز می‌رسیم. نرخ برابری ارز در جامعه و بین مردم کوچه و بازار به نام «قیمت دلار» شناخته می‌شود.

به‌عبارتی اقتصاددانان با نگاهی به نرخ برابری ارز هر کشور می‌توانند تصویری کلی از وضعیت اقتصادهای مختلف جهان ترسیم کنند. اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و مقایسه ارزش ریال در برابر دلار به‌عنوان مهم‌ترین سنجه اقتصادی در بین مردم عادی و حتی متخصصان حوزه اقتصاد پذیرفته شده است. از همین رو طبیعی است که اگر روند کاهش ارزش پول ملی یک کشور سرعت بیش‌تری گرفته و این روند

در بلندمدت و حتی میان مدت تداوم داشته باشد احتمال سقوط یک اقتصاد به قعر دره ورشکستگی بسیار بالا خواهد بود.

مولفه دیگری که می‌تواند نشان‌های از حال و روز یک اقتصاد باشد، نرخ تورم است. تورم که در دنیا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورها برای ارزیابی موقعیت اقتصادی یک کشور پذیرفته شده، در واقع آهنگ کاهش ارزش پول ملی یک کشور را نمایان می‌سازد. به عبارتی نرخ تورم نشان دهنده سرعت فرآیند کاهش ارزش پول ملی یک کشور در یک بازه‌ی زمانی مشخص (سالانه یا ماهانه) است.

نرخ بیکاری و رشد اقتصادی نیز از جمله شاخص‌های دیگر اقتصادی هستند که می‌توانند بیانگر شرایط اقتصادی یک کشور باشند. این دو فاکتور که در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند باز هم ارتباط معناداری با نرخ تورم و یا همان وضعیت پول ملی کشورها دارند. با توجه به شاخصه‌هایی که پیش‌تر به آن اشاره شد به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اقتصاد ایران هنوز به لبه پرتگاه نرسیده اما با سرعت هرچه تمام‌تر در حال حرکت به سوی آن سمت است.

به‌نظر می‌رسد آنچه امروز به‌عنوان عملکرد تیم اقتصادی دولت رئیسی معرفی می‌شود، در واقع برآیند عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال اخیر است؛ حکومتی که از ابتدا با ادعای برقراری «اقتصاد اسلامی» روی کار آمد و طی تنها چند سال نه تنها زیرساخت‌های اقتصادی بجا مانده از پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را به نابودی کشاند بلکه به یکی از فاسدترین و تبه‌ترین حکومت‌ها در تاریخ ایران و حتی جهان تبدیل شد.

وضعیت اقتصادی ایران از ابتدای انقلاب ۱۳۵۷، همواره متشنج و بحرانی بوده است. اما طی این سال‌ها، جمهوری اسلامی توانسته است با تزریق پول نفت بحران‌ها را به‌نحوی حل نماید. بحران اقتصادی سال ۹۰، در دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد که طی آن قیمت دلار پس از دوره‌ای ثبات به ناگهان سه و نیم برابر افزایش یافت از نخستین نشانه‌های فروپاشی اقتصادی بود. با این حال حکومت توانست آن را به‌نحوی پشت سر بگذارد. اما به‌نظر می‌رسد که حکومت برای بحران اقتصادی خیزش‌های سال ۹۶ و سال ۹۸ و همچنین انقلاب «زن، زندگی، آزادی» که از نیمه سال گذشته شروع شده و با افت و خیزهایی همچنان ادامه دارد فعلاً راه چاره‌ای ندارد. با این حال بحران اقتصادی هنوز به مرحله حاد و فروپاشی نرسیده است و مدتی طول خواهد کشید.

ایران در حال حاضر، در یک بن‌بست سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. این همان وضعیتی است که در سال‌های آخر شوروی سابق پیش آمد. شوروی که منابع خود را طی سالیان متمادی صرف مقابله با آمریکا کرده بود در یک بن‌بست همه‌جانبه گیر افتاده بود. تنها نیرویی که در حال حاضر قدرت سیاسی و اقتصادی و حتی دیپلماتیک را در اختیار دارد سپاه پاسداران است. سپاه پول، اطلاعات و نیروی نظامی و میدانی کافی برای هرگونه مانوری را دارا است.

سپاه پاسداران یکی از بنیادی‌ترین و موثرترین نیروهای حاکمیت است. سپاه پاسداران در دهه‌های اخیر، از نیرویی عقیدتی-ایدئولوژیک در ابتدای انقلاب به نیرویی اقتصادی-مافیایی در دهه چهارم عمر آن تبدیل شده است.

از مجموع آن‌چه که گفته شد می‌توان به این جمع‌بندی رسید که اکنون هم جامعه و هم جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در حال حاضر، ضعیف‌تر از آنند که بتوانند توازن قوای موجود بین حاکمیت و جامعه را به هم بزنند و وزنه ترازو را به‌سوی نیروهای خواهان تغییر و انقلابی سنگین‌تر کنند. در حال حاضر، نیروی سیاسی اپوزیسیون برانداز نیز موقعیت قابل تعریفی ندارد. بنابراین، شورش‌ها و خیزش‌های که در جامعه ایران راه می‌افتند فعلاً سرکوب آن‌ها برای جمهوری اسلامی، چندان مشکل نیست.

در انقلاب «زن، زندگی، آزادی» که در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد و ایران را درنوردید، مردم در میان شعارهای ضد حکومتی، شعارهایی نیز در اعتراض به نابسامانی اقتصادی سردادند. مردم به درستی تاکید کردند تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران حاکمیت را به‌طور مطلق در دست دارد، فقر، فساد، گرانی و سرکوب و سانسور نیز از میان نخواهد رفت و روزگار ایرانیان بهتر نخواهد شد، چنان‌که از آغاز جمهوری اسلامی تا به امروز نشده است؛ اگر فقر در این دوران در سرتاسر جهان کمی کاهش یافت اما همواره در ایران، بیش‌تر و فزون‌تر شد.

جمهوری اسلامی ایران، همواره بحران‌های خود از جمله بحران اقتصادی سرمایه‌داری خود را بر دوش مزدگیران، فقرا، بیکاران و حاشیه‌نشینان انداخته و حتی بی‌شرمانه به سفره خالی آن‌ها نیز دست درازی می‌کند در حالی که عده قلیلی به‌ویژه از نزدیکان سران و مقامات حاکمیت، به‌معنای واقعی نمی‌دانند با ثروت‌های بادآورده خود چه کار کنند؟ ثروت‌هایی که برای کسب آن‌ها، هیچ زحمت و تلاشی به خرج نداده‌اند. ثروت‌هایی که متعلق به جامعه و عموم مردم است.

نتیجه کلی آن است که نبود آزادی، برابری و دموکراسی در ایران، خود به علت توزیع نامناسب درآمد، فساد سیستماتیک در حاکمیت و جامعه شدیداً طبقاتی و عملکرد حاکمیت و موارد دیگر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و طبیعی است؛ و وقتی با آنها برخورد می‌کنیم، متوجه می‌شویم آن چیزی که ما می‌خواهیم مهم‌تر است. بنابراین، امروزه برای پیدا کردن درجه‌های ورودی به دنیای آزاد و برابر و انسانی، اهمیت به علم و دانش و کسب آگاهی، بسیار با اهمیت و حیاتی است.

شکی نیست که تنها با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی، البته با قدرت و استقلال مبارزاتی جنبش‌های اجتماعی-سیاسی و مشارکت عمومی مردم آگاه و بدون دخالت نیروی خارجی، مدنیت، آزادی، برابری و دموکراسی مستقیم را برای جامعه ایران به ارمغان خواهد آورد!

